



# مطالعات طراحی شهری و پژوهش‌های شهری

ISSN: 2645-4424

فصلنامه مطالعات طراحی شهری و پژوهش‌های شهری  
سال سوم، شماره ۲ (پیاپی: ۱۱)، تابستان ۱۳۹۹، جلد ۲

واکاوی مفهوم فلسفی فضا و فضا‌مندی شهرها از منظر لوفور  
حجت حاتمی نژاد

حفظ هویت با رویکرد پایداری اجتماعی در حوزه‌ی مسکن  
آینده  
افروز پرتوی‌فر، سید عباس یزدانفر

جستاری بر تزئینات مسجد جامع ساری  
پیمان غضنفری، آزاده آرزو

تاثیر الگوهای طراحی در افزایش حس اعتماد به نفس  
معلولین جسمی-حرکتی؛ نمونه موردی: شهرستان بوکان  
اسعد رسول‌زاده، مهدی سیدالماسی

تحلیلی بر کیفیت ایجاد آسایش حرارتی توسط ساباط‌ها در  
بافت‌های شهری تاریخی؛ مطالعه موردی ساباط‌های بافت  
تاریخی نایین  
علی پورباقرانی



مدیر اجرایی: منیژہ ملائی

- دکتر میترا عظیمی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی
- دکتر وحیده ابراهیم‌نیا، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی
- دکتر حسن اسماعیل‌زاده، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی
- دکتر رحیم حیدری چپانه، عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز
- دکتر ابوالفضل قنبری، عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز
- دکتر وحید بیگدلی‌راد، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی قزوین
- دکتر محمد فرخ‌زاد، عضو هیئت علمی دانشگاه گلستان
- دکتر بهمن صحنه، عضو هیئت علمی دانشگاه گلستان
- دکتر بهرام ایمانی، عضو هیئت علمی دانشگاه محقق اردبیلی
- دکتر حبیب‌اله فصیحی، عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی
- دکتر علیرضا محمدی، عضو هیئت علمی دانشگاه محقق اردبیلی

نشریه «مطالعات طراحی شهری و پژوهش‌های شهری» توسط موسسه مطبوعاتی مطالعات کاربردی شبک و با همکاری علمی اساتید برجسته دانشگاه‌های کشور به انتشار مقالات علمی در زمینه برنامه‌ریزی شهری، طراحی شهری و به طور عام شهرسازی، می‌پردازد. از این‌رو از تمام اساتید، صاحب‌نظران، کارشناسان، دانشجویان و پژوهشگران دعوت می‌شود با ارسال مقالات علمی خود از طریق وبسایت نشریه به نشانی [www.UDSJ.ir](http://www.UDSJ.ir) در پربارتر کردن این نشریه، ما را یاری نمایند.

برای ارسال مقاله کافی است تا در وبسایت ثبت‌نام نموده و با ورود به پنل کاربری، مقاله خود را ثبت کنید.

|                                    |                                                 |
|------------------------------------|-------------------------------------------------|
| - برنامه‌ریزی شهری                 | - اخلاق حرفه‌ای، آموزش و پژوهش در شهرسازی       |
| - شهرسازی ایرانی و اسلامی          | - آسیب‌های شهری و سکونتگاه‌های غیررسمی          |
| - شهرسازی و توسعه پایدار           | - شهرسازی و پایداری اجتماعی و فرهنگی            |
| - مدیریت شهری و اقتصاد شهری        | - نقش محیط‌زیست و اقلیم در توسعه شهری           |
| - مبانی نظری و تاریخ شهرسازی       | - مدیریت بحران و پدافند غیرعامل در شهرسازی      |
| - ارتباط دوسویه معماری و شهرسازی   | - شهرسازی                                       |
| - مرمت و احیا بافت‌های تاریخی شهری | - جامعه‌شناسی شهری و گردشگری شهری               |
| - شهرسازی و مطالعات طراحی شهری     | - مدیریت دانش و مطالعات میان رشته‌ای در شهرسازی |

نشان: کرج، بلوار امام خمینی (باغستان)، بین خیابان پنجم و ششم، روبروی مجموعه ورزشی انقلاب، پلاک ۷۳۵، ساختمان پرند، واحد یک

[www.UDSJ.ir](http://www.UDSJ.ir)

@Shijournals@gmail.com

چاپ

انتشارات هنر و علوم دانشگاهی، تلفن: ۰۲۱ ۳۳۸۴۰۷۹۲  
نشانی: تهران، افسریه، ۱۵ متری اول، کوچه ۲۸، پلاک ۲۹۳

## فهرست مقالات

| صفحه | عنوان مقاله                                                                                                                             |
|------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۱    | واکاوی مفهوم فلسفی فضا و فضا‌مندی شهرها از منظر لوفور<br>حجت حاتمی نژاد                                                                 |
| ۲۳   | حفظ هویت با رویکرد پایداری اجتماعی در حوزه‌ی مسکن آینده<br>افروز پرتوی فر، سید عباس یزدانفر                                             |
| ۳۷   | جستاری بر تزئینات مسجد جامع ساری<br>پیمان غضنفری، آزاده آرزو                                                                            |
| ۴۵   | تاثیر الگوهای طراحی در افزایش حس اعتماد به نفس معلولین جسمی-<br>حرکتی؛ نمونه موردی: شهرستان بوکان<br>اسعد رسول‌زاده، مهدی سیدالماسی     |
| ۵۵   | تحلیلی بر کیفیت ایجاد آسایش حرارتی توسط ساباط‌ها در بافت‌های<br>شهری تاریخی؛ مطالعه موردی ساباط‌های بافت تاریخی نایین<br>علی پوربافرانی |

## واکاوی مفهوم فلسفی فضا و فضا‌مندی شهرها از منظر لوفور

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۱/۰۹

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۲/۱۲

کد مقاله: ۱۳۹۶۷

حجت حاتمی نژاد<sup>۱</sup>

### چکیده

فضا به عنوان یکی از واقعیت های جهان مادی، تا کنون اندیشه ورزی های پر دامنه ای را برانگیخته است. برای تفکر درباره فضا راه های گوناگونی وجود دارد. به عنوان نمونه برای درک پدیده شهر و جامعه در مجموع، تدوین مفهوم مناسبی از فضا ضروری است؛ با این حال، ماهیت فضا در تحقیقات اجتماعی هنوز ناشناخته و مبهم باقی مانده است. پیچیدگی مفهوم فضا، همانند سایر مفاهیم متافیزیکی، باعث شده تا برخی از متفکران در برابر شکار مفهومی آن اظهار عجز نمایند. به هر حال، به رغم این پیچیدگی، تلاش برای دستیابی به مفهومی دقیقی از فضا، از زمانی که بشر فکرت آموخت و به تأمل و تفکر پیرامون مفاهیم متافیزیکی و انتزاعی پرداخت، با فراز و نشیبها و تأثیر و تأثرات متقابل بین حوزه های مختلف فکری، از جمله تبادل بین فلسفه و علم؛ به ویژه علم فیزیک و سایر عوامل و تعیینات بیوقفه ادامه داشته است. از طرفی فضا خود شیوهی موجودیت جامعه ها به حساب می آید. این مقاله با هدف واکاوی مفهوم فضا به تحلیل فضا‌مندی شهرها و بررسی اقتصاد سیاسی فضا و نقش آن در نظام برنامه ریزی شهری پرداخته است. طبق نتایج بدست آمده به این مهم می رسیم که بحث توجه به فضا و مکان (فضای جغرافیایی) باید در راستای تحقق عدالت اجتماعی به عنوان دست یابی به توسعه پایدار شهری مطرح باشد. بدین ترتیب شهر پدیده ای اجتماعی - مکانی است، با بعدی زمانی، اما مرئی و شهر محصولی از زمان است. به این ترتیب نظم نمادین فضاهای شهری، شیوه های اندیشه و عمل را که الگوهای موجود زندگی اجتماعی هستند بر ما تحمیل می کنند. مطالعه سلسله مراتب فضا‌مندی ها در فرم شهری کمک می کند تا بدانیم چگونه فردباوری، مناسبات طبقاتی، تعهدات همبودی و خانوادگی و اقدامات دولت در می آمیزند و شهری شدن سرمایه به واسطه قدرتش در خلق فضا، معنای ضمنی پیدا می کند و آگاهی شهری شده را به دنبال خود می کشد.

واژگان کلیدی: فلسفه، فضا، فضای شهری، عدالت اجتماعی، اقتصاد سیاسی فضا.

۱- دکتر، استادیار مدعو گروه معماری و شهرسازی دانشگاه غیرانتفاعی خیام مشهد، ایران (hojathatami@ut.ac.ir)

## ۱- چارچوب تئوریک

### ۱-۱- تعریف فضا

«فضا» واژه‌ای است که به سادگی و آسانی در انواع زمینه‌ها از آن استفاده می‌کنیم. طوری آن را به کار می‌بریم که گویی این واژه از قید هر نوع مسأله و تناقضی آزاد است و مثل این که همه ما، بر سر آنچه معنی فضا است، باهم توافق داریم (مدنی پور، ۱۳۷۹: ۵). فضا در حیطه دانش معماری و شهرسازی به مفهوم فضایی است که به اشکال گوناگون محدود شده و دارای کارکردهای ویژه‌ای است. این فضا بستر جریان پیدا کردن زندگی روزمره انسان‌هاست. فعالیت‌های فردی و جمعی، خصوصی و عمومی، رفع نیازهای هرروزه، رفتارها، کنش‌ها و ارتباط‌های انسانی همه و همه در زمینه فضای شهری و معماری است که جایگاه خود را پیدا می‌کنند (زارع زاده شهرسی، ۱۳۹۲: ۴۰). فضا واژه‌ای است که در زمینه‌های متعدد و رشته‌های گوناگون از قبیل فلسفه، جامعه‌شناسی، معماری و شهرسازی به طور وسیع استفاده می‌شود. لیکن تکرار کاربرد واژه فضا به معنی برداشت یکسان از این مفهوم در تمام زمینه‌های موفق نیست، بلکه تعریف فضا از دیدگاه‌های مختلف قابل بررسی است. فضا یک تولید مادی، ایدئولوژی، فرهنگی، سیاسی و طبیعی می‌باشد. از این‌رو، در شکل‌گیری فضا و پراکندگی و اقتراق فضایی پدیده‌ها، نظام اقتصادی، نظام سیاسی و نظام ایدئولوژیکی، نقش اساسی دارد (شکویی، ۱۳۹۳: ۱۶). فضا بنا به شدت واقعه و تأثیر آن مملو از صور متفاوت جزئیاتی می‌گردد که در زمان واقعه به صورت مادی فضا را می‌ساخته‌اند. یک درخت، سکو، دیوار و... همه و همه می‌توانند اجزاء فضایی باشند که در آن خاطره‌های جمعی نسل‌ها به هم پیوند خورده است (حبیبی، ۱۳۷۹: ۱۷). فضا بستری است که در آن تعامل انسان در وهله اول با محیط پیرامون و سپس با انسان صورت می‌گیرد. این قبیل فضاها را می‌توان در قالب محیط‌های انسان ساخت که دارای بعد عینی و بصری و نیز بعد ذهنی می‌باشد، طبقه‌بندی نمود. بنابراین در شکل‌گیری فضا در وهله اول، انسان دخالت قطعی داشته است (فرهودی، تیموری و مهرآبادی، ۱۳۸۷: ۴۳). فضا، زاده‌ی مناسبات اجتماعی است (شبلینگ، ۱۳۸۵: ۱۰۴).

### ۲-۱- ماهیت فضا

اگر فضا را مطلق در نظر بگیریم، «شیء فی نفسه ای» می‌شود که دارای موجودیتی مستقل از ماده است. در این حالت، فضا از ساختاری برخوردار است که می‌توان با استفاده از آن، پدیده‌ها را دسته‌بندی و یا مجزا کرد. این که می‌گوییم فضا مفهوم نسبی است، بدان معناست که باید آن را چون رابطه بین اشیاء درک کنیم، یعنی فضا وجود دارد به این علت که اشیاء وجود دارند و با یکدیگر در ارتباط هستند. فضا به یک معنای دیگر هم مفهومی نسبی است که آن را فضای ارتباطی<sup>۲</sup> می‌نامیم. فضا در این حالت بنا به اصطلاح لایب نیتز<sup>۳</sup> به عنوان چیزی موجود در اشیاء در نظر گرفته شده است، بدین معنا که فقط هنگامی می‌توان گفت شیء وجود دارد که حاوی مناسباتی با دیگر اشیاء باشد و آن را بروز دهد. هنگامی که دریافتیم فضا چیست و دریافتیم که راه‌های نشان دادن آن چگونه است، آن گاه با تطبیق دادن ادراک خود از رفتار انسانی با مفهوم کلی چنین فضایی می‌توانیم به تحلیل پدیده‌های شهری ورود پیدا کنیم (هاروی، ۱۳۹۵: ۲۵-۲۶).

### ۳-۱- سیر تاریخی مفهوم فضا

فضا در دوره‌های مختلف تاریخی براساس رویکردهای اجتماعی و فرهنگی رایج، به شیوه‌های گوناگون تعریف شده است. مصری‌ها و هندی‌ها با این که نظرات متفاوتی در مورد فضا داشتند، اما در این اعتقاد اشتراک داشتند که هیچ مرز مشخصی بین فضای درونی تصور (واقعیت ذهنی) با فضای برونی (واقعیت عینی) وجود ندارد. در واقع فضای درونی و ذهنی رویاها، اساطیر و افسانه‌ها با دنیای واقعی روزمره ترکیب شده بود. در زبان یونانیان باستان، واژه‌ای برای فضا وجود نداشت. آن‌ها به جای فضا از لفظ مابین استفاده می‌کردند، فیلسوفان یونان فضا را شیء بازتاب می‌خواندند. از نظر ارسطو فضا مجموعه‌ای از مکان‌هاست. او فضا را به عنوان ظرف تمام اشیاء توصیف می‌نماید. ارسطو فضا را با ظرف قیاس می‌کند و آن را جایی خالی می‌داند که بایستی پیرامون آن بسته باشد تا بتواند وجود داشته باشد و در نتیجه برای آن نهایی وجود دارد. جیوردانو برونو<sup>۴</sup> در قرن شانزدهم، نظریه‌هایی در مقابل نظریه ارسطو عنوان کرد. به عقیده او فضا از طریق آنچه در آن قرار دارد (جداره‌ها)، درک می‌شود و به فضای پیرامون یا فضای مابین تبدیل می‌گردد. فضا مجموعه‌ای است از روابط میان اشیاء و آن گونه که ارسطو بیان داشته است - حتماً نمی‌بایست که از همه سمت محصور و همواره نهایی داشته باشد. با ظهور دوره رنسانس، فضای سه بعدی به عنوان تابعی از پرسپکتیو خطی معرفی گردید که باعث تقویت برخی از مفاهیم فضایی قرون وسطی و حذف برخی دیگر شد. در قرون هفدهم و هجدهم، تجربه-گرایی باروک و رنسانس مفهوم پویاتری از فضا را به وجود آورد که بسیار پیچیده‌تر و سازماندهی آن مشکل‌تر بود. لایب نیتز از

1. Space  
2. Relational Space  
3. Leibniz  
4. Giordano Bruno

طرفداران نظریه فضای نسبی بود و اعتقاد داشت، فضا صرفاً نوعی سیستم است که از روابط میان چیزهای بدون حجم و ذهنی تشکیل می‌شود. بر خلاف لایب نیتز، نیوتن به فضایی متشکل از نقاط و زمانی متشکل از لحظات باور داشت که وجود این فضا و زمان مستقل از اجسام و حوادثی بود که در آن‌ها قرار می‌گرفتند. ۱۸۰۰ سال بعد از ارسطو، کانت فضا را به عنوان جنبه‌ای از درک انسانی و متمایز و مستقل از ماده، مورد توجه قرار داد. در پایان بهتر است به دیدگاه سه تن از فلاسفه معاصر درباره فضا اشاره گردد. هگل به حقیقت فضا معتقد نبود، در نظر او فضا صرفاً توهمی است که ناشی از عدم توانایی ما در دیدن کل است. در فلسفه برگسون نیز فضا به عنوان مشخصه ماده از قطع جریان برمی‌خیزد که حقیقت است. یکی دیگر از فیلسوفان معاصر در تبیین واژه فضا بر این عقیده است که فضا به معنی جایی است که برای جای‌گیری آماده باشد. فضا به چیزی که یک محدوده و افق رهاست، جا می‌دهد. این تعریف از فضا می‌تواند تا حدودی با مفهوم مادی فضا، فضایی و جایی که هنوز توسط اشیاء فضایی و مکانی صورت تحقق نیافته است، منطبق باشد. (شکویی، ۱۳۹۳: ۱۹).

#### ۴-۱- فلسفه فضا

«به ندرت روشن است که فضا، واقعی، پنداری، نمادین، استعاری، یا چیز دیگری است» (Keith & Pile, 1993:1). و یا آندروسایر، جامعه شناس شهری رئالیست به اسرارآمیز بودن فضا در کنار آشنا بودن آن اشاره می‌کند (Sayer, 1992:147). از میان آرای گوناگون فلسفی در مورد فضا، سه دیدگاه از اهمیت و شهرت بیشتری برخوردار است. این سه دیدگاه، ضمن آن که الهام بخش متفکران و محققان فضا و مسایل فضایی بوده، نقطه عزیمت مواجهات و نقادی‌های آنان و در بعضی جهات، ارائه چهارچوب‌های مفهومی جدید نیز واقع شده است. این سه دیدگاه عبارتند از:

- (۱) موضع مطلق یا جوهری (عمدتاً منسوب به دکارت و نیوتن)؛
- (۲) موضع ربطی یا نسبی (عمدتاً منسوب به لایب نیتس)؛
- (۳) موضع معرفت شناختی (عمدتاً منسوب به کانت و تا حدی ارسطو) (افروغ، ۱۳۷۴: ۲۶).

#### ۵-۱- مفهوم فلسفی دکارت از فضا

یکی از میراث‌های فلسفی و معروف دکارت که در شکل‌گیری علم فضا و یا جغرافیایابی و بعضی از مکاتب شهری تأثیر مهمی داشته است، دوآلیسم جوهری اوست. وی معتقد بود که چون ما جوهر را از طریق دو خصلت نسبتاً متفاوت، یعنی فکر و انبساط می‌شناسیم، طبعاً می‌بایست دو جوهر متفاوت نیز وجود داشته باشد؛ معنوی و جسمانی، ذهن و بدن. چون دکارت، جوهر را شیئی موجود تعریف می‌کرد که به چیزی جز وجود خود نیاز ندارد، جوهرهای دوگانه را مستقل از یکدیگر لحاظ می‌کرد. علم به ذهن و بدن و یا جوهر معنوی و جوهر جسمانی بدون ارجاع به دیگری صورت می‌گیرد. از تبعات این دو آلیسم، تفکیک الهیات و علم در اندیشه دکارت است. علم می‌تواند ماهیت فیزیکی اجسام را جدا از رشته‌های دیگر مطالعه کند، چون جوهر مادی، قلمرو عملکردی خود را داراست و از زاویه قوانین خود قابل فهم می‌شود. خصلت ویژه‌ای که جوهر مادی را از جوهر روحانی جدا می‌کند، انبساط است و همان‌گونه که در نقل قول خود از دکارت آوردیم، انبساط فضا، همان انبساط در سایر اشیای مادی است و در ذیل قوانین مادی و مکانیکی یکسانی عمل می‌کند. اجسام زنده نیز به دلیل برخورداری از انبساط، جزو دنیای مادی‌اند. در نتیجه، این اجسام بر پایه همان قوانین ریاضی و مکانیکی عمل می‌کنند که بر سایر اشیاء در نظم مادی عالم حاکم است. دکارت معتقد است که تمام اعمال و رفتار حیوانات را می‌توان با ملاحظات ریاضی و مکانیکی تبیین کرد و بسیاری از فعالیت‌های انسان نیز همانند حیوانات، مکانیکی است. لذا می‌توان جسم انسان را به فیزیک تقلیل داد (Stumpf, 1989:236-247). همان‌گونه که اشاره شد این میراث فلسفی بر شکل‌گیری رویکردهایی در زمینه مباحث فضایی، تأثیری عمده گذاشته است که در جای خود به آن خواهیم پرداخت. به هر حال، در موضع مطلق یا جوهری از فضا، فضا جوهری است مستقل که واجد صفاتی از خود می‌باشد. فضا از صفات خاصی برخوردار است، چون پیوسته، کمی، قابل نفوذ و ثابت است. البته ناگفته نماند که بین مطلق‌گرایان در مورد سایر صفات فضا، عدم توافقی وجود دارد؛ از جمله آیا فضا سه بعدی یا چهار بعدی است؟ آیا قابل تقسیم به فواصل است یا طیف و پیوستاری از نقاط بسیار خرد است؟ (Urry, 1987:21-22). در کل مفهوم مطلق انگارانه از فضا، فضا را مستقل از موضوعات دیگر، واجد موجودیتی مستقل می‌داند. در این موضع، فضا قلمروی منفعل و محیط و مقری برای اشیاء و تعامل بین آن‌هاست (Massey, 1993:151). این فضا می‌تواند خالی باشد و موضوعات دیگر درون آن قرار گیرند (Keith & Pile, 1993:2).

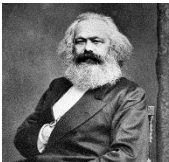
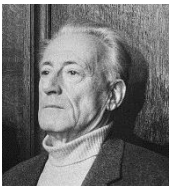
#### ۶-۱- دیدگاه فلسفی کانت از فضا

از دید کانت، فضا و زمان، نه آن‌گونه که مطلق‌گرایان معتقدند وجودی جوهری دارند و نه آن‌گونه که ارسطو بدان باور داشت، وجودی بالعرض. فضا، معرفتی پیشینی است، مقوله‌ای ذهنی است که شناخت را امکان‌پذیر می‌سازد. فضا و زمان ابزاری برای



دسته‌بندی پدیده‌هاست و کاملاً از قلمرو تجربه جداست. این دو مقوله همراه با مقولاتی دیگر از قبیل علیت، ضرورت، وحدت، کثرت و... اشکال ذهنی تفکرند که مدرکات در ترکیب با آن‌ها مفاهیم و قضایا را شکل می‌دهند (حکیمی، ۱۳۶۶: ۱۴). به سخن دیگر؛ فعالیت ویژه ذهن ترکیب و وحدت بخشیدن به تجربه است. ذهن این ترکیب و سنتز را ابتدا با تحمیل اشکال خاصی از شهود، یعنی فضا و زمان به تجربه‌های مختلف به دست می‌آورد. ما ناگزیر اشیاء را به گونه‌ای درک می‌کنیم، پنداری که در فضا و زمان وجود دارند. اما فضا و زمان، نه مفاهیم و نه ایده‌هایی هستند که از تجربه به دست آمده باشند. فضا و زمان حکم عدسی‌هایی را دارند که ما از طریق آن همواره موضوعات تجربی را مشاهده می‌کنیم (همان، ۳۱).

جدول ۱- سیر اندیشه‌های فلسفی فضا (۴)

| نام اندیشمند             | نام لاتین                        | تخصص و زمینه کاری                                                               | تولد             | وفات               | تصویر                                                                               |
|--------------------------|----------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------|------------------|--------------------|-------------------------------------------------------------------------------------|
| ایمانوئل کانت            | Immanuel Kant                    | فیلسوف آلمانی در عصر روشنگری                                                    | ۲۲ آوریل<br>۱۷۲۴ | ۱۲ فوریه<br>۱۸۰۴   |    |
| گئورگ ویلهلم فریدریش هگل | georg 'vɪlhɛlm 'fʁiːdʁɪç 'heːgəl | فیلسوف بزرگ آلمانی و یکی از پدیدآورندگان ایده‌آلیسم آلمانی و دیالکتیک           | ۲۷ اوت<br>۱۷۷۰   | ۱۴ نوامبر<br>۱۸۳۱  |    |
| کارل هاینریش مارکس       | Karl Heinrich Marx               | متفکر انقلابی، فیلسوف، جامعه‌شناس، شاعر، تاریخدان، اقتصاددان آلمانی             | ۵ مه<br>۱۸۱۸     | ۱۴ مارس<br>۱۸۸۳    |   |
| گئورگ زیمل               | Georg Simmel                     | جامعه‌شناس آلمانی و فیلسوف نوکانتی                                              | ۱ مارس<br>۱۸۵۸   | ۲۸ سپتامبر<br>۱۹۱۸ |  |
| آنری لوفور               | Henri Lefebvre                   | جامعه‌شناس، روشن‌فکر، مارکسیست و فیلسوف فرانسوی که بر روی دیالکتیک کار کرده است | ۱۶ ژوئن<br>۱۹۰۱  | ۲۹ ژوئن<br>۱۹۹۱    |  |
| پل میشل فوکو             | Paul Michel Foucault             | فیلسوف، تاریخدان و متفکر معاصر فرانسوی                                          | ۱۵ اکتبر<br>۱۹۲۶ | ۲۴ ژوئن<br>۱۹۸۴    |  |
| دیوید هاروی              | David Harvey                     | یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان در عرصه مسائل اجتماعی جهان                        | ۳۱ اکتبر<br>۱۹۳۵ | -                  |  |

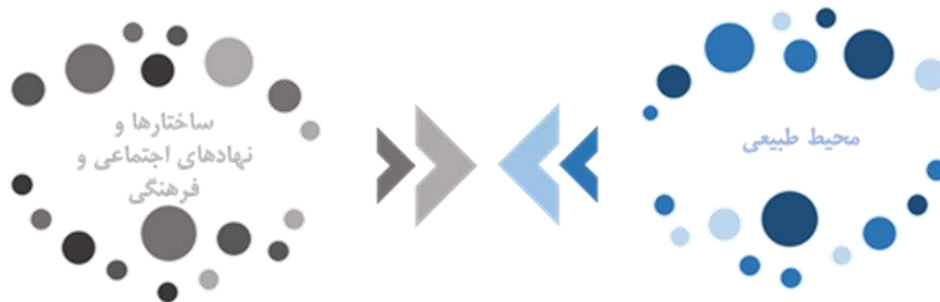
## ۷-۱- فضای جغرافیایی

اصولاً در فلسفه علم، هر یک از مجموعه علوم می‌بایست بن مایه و مبنای هستی‌شناسانه خاص خود را داشته باشند. این بن مایه، زمینه ساز و مبنای تمایز حوزه معرفت‌شناسانه یک علم از مجموعه علوم مجاور است و حریم معرفتی ویژه یک علم را تولید می‌کند (سروش، ۱۳۷۵: ۱۲). به طوری که کار ویژه خاصی را برای یک رشته نظام‌مند علمی فراهم می‌سازد که در علوم دیگر یافت نمی‌شود. در جغرافیا نیز مطالعه رابطه متقابل انسان و محیط و عینیت‌یابی این رابطه در قالب مفهوم فضا، بن مایه هستی‌شناسانه این علم را به خود اختصاص می‌دهد؛ بنابراین جغرافیا شامل مطالعه پراکندگی‌ها و شناسایی روابط فضایی بین مکان‌ها و پدیده‌های دیدنی طبیعی و انسانی بر روی زمین به منزله جایگاه انسان است. پیش از ابراز نظری قطعی درباره‌ی یافته‌های جغرافیای کورماتیک، مناسب‌تر آن دیدیم، ولو به اجمال، به وجوه اساسی و به منطق‌های بنیادی این جغرافیا اشاره‌ای داشته باشیم. به راستی بینش جغرافیایی برونه بر چه پایه‌ای استوار است؟ او به این پرسش که «فضای جغرافیایی چگونه فضایی است؟» بی‌هیچ ابهامی پاسخ می‌گوید: «فضای جغرافیایی حاصل عمل انسان است». به عقیده‌ی برونه، فضا خود شیوه‌ی موجودیت جامعه‌ها به حساب می‌آید؛ تا آن جا که هیچ جامعه‌ای بدون فضایی که خود به آن سازمان بخشیده، وجود خارجی نمی‌یابد. برونه می‌افزاید: «فضا بعد ذاتی جامعه است» و هر جامعه به اشکال‌ال مادی و مری فضا (چشم‌اندازها، زیرساختها، بوم) امکان سازمان یافتگی می‌بخشد. اما این فضا به هیچ روی به پدیدارهای مری و مادی محدود نمی‌ماند، بلکه به میدان‌های نیرو و به جریان‌هایی تسری می‌یابد که تنها با دست یازیدن به نوعی تحلیل جغرافیایی می‌توان به ماهیت آن‌ها پی برد. از این رو فضای جغرافیایی را نمی‌توان یک فضای طبیعی به حساب آورد. برونه ضمن به دست دادن تحلیلی از مسأله، از ملامت کسانی چون ویدال دولابلان و فرنان برودل<sup>۱</sup> که به عقیده‌ی او «پیش از پرداختن به امور جدی، دکور طبیعی خود را بر پای می‌دارند» باز نمی‌ایستد. او می‌نویسد: «جغرافیدان، بازرس دکورها نیست؛ فضای ما فضایی پرمته وار و ساخته و پرداخته‌ی دست انسان است [...]». فضای جغرافیایی به خلاف تلقی جغرافیای جبرگرا، کارمایه «محیط» نیست. مفهوم اخیر که اغلب با محیط زیست مشتبه می‌شود «یکسره آغشته به محیط زندگی است». برونه از این مقدمه نتیجه می‌گیرد که «در جغرافیا، جایی برای قوانین محیطی وجود ندارد». فضا زاده‌ی کنش عواملی فعال است و اجبارهای طبیعی چنین نیستند. البته فضای جغرافیایی لزوماً متضمن محیط طبیعی است و از آن مستقل و منفک نیست، بی آن که به خلاف نظر و روش جغرافیای کلاسیک، عکس مسأله صادق و محیط طبیعی لزوماً متضمن فضای جغرافیایی بوده باشد. فضا تولید می‌شود و سازمان می‌یابد. تعریف رایج از جغرافیا به عنوان علم سازماندهی فضا، با این خطر روبرو است که سازماندهی را حاصل نظم‌ی که پیشاپیش برقرار شده بپندارد، در حالی که سازماندهی فضا، زاده‌ی حرکت مداوم و تغییر است. برای بازشناسی فضا، «جغرافیدان باید درصدد درک آثار انسانی و دستاوردهای جامعه‌هایی باشد که به آفرینش چنین آثاری کمر بسته اند». فضای جغرافیایی، فضایی اجتماعی است و صورت‌ها و ساخت‌های آن آفریده‌ی کنش انسانی است. از این رو باید دانست که نیروهای سازنده و پدیدآورنده‌ی فضای جغرافیایی کدام‌ها هستند و محتوای اجتماعی فضا چیست (شبلینگ، ۱۳۸۵: ۱۰۸-۱۰۷). فضای جغرافیایی، عینی و خنثی نیست بلکه پر از اهمیت برای مردم است و دارای قابلیت و کیفیاتی است که در یک وضعیت ملموس بر انسان اثر می‌گذارد (رلف، ۱۳۹۰: ۱۹). جغرافی‌دانان مفهوم فضا را به دو شکل فضای طبیعی که بر آن قوانین طبیعی حاکم است و فضای اجتماعی که نتیجه کارکرد فعالیت‌های انسانی است، به کار می‌برند (شکویی، ۱۳۸۶: ۱۱۸). ارسطو فضا را با ظرف قیاس می‌کند و آن را جایی خالی می‌داند که بایستی پیرامون آن بسته باشد. پس در نتیجه برای آن نهایی وجود دارد «جیوردانوبرونو» معتقد است فضا مجموعه‌ای است از روابط میان اشیاء (افصحی، ۱۳۹۲: ۲۰). مکان، بخشی از فضای جغرافیایی و در واقع بستر شکل‌گیری روابط اجتماعی است که به وسیله شخص یا چیزی اشغال شده و دارای بار معنایی و ارزشی خاصی است (پوراحمد، ۱۳۸۹: ۷۷). فضا و مکان، روابط اجتماعی و محیط زیست، همگی ابزار اصلی برنامه‌ریزی برای برنامه‌ریزان و عموم شهروندان است. بحث توجه به فضا و مکان باید در راستای تحقق عدالت اجتماعی به عنوان دست یابی به توسعه پایدار شهری مطرح باشد (حاتمی نژاد و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳). فضا در مفهوم موجود خویش به تنهایی هیچ ویژگی خاصی را مطرح نمی‌کند ولی به محض آن که یک گروه انسانی فعالیت را در مکان مطرح کند، معنای نمادین فضا پدیدار می‌شود. از این پس فضا بستری برای بیان فعالیت و رفتارهای انسانی می‌گردد و محلی برای تخیل و واقعیت است (حبیبی، ۱۳۸۷: مقدمه). نحوه انجام یک فعالیت را رفتار گویند. رفتار تابع فعالیت نیست بلکه ترکیبی از فعالیت زمان و مکان است (افصحی، ۱۳۹۲: ۳۶). مکان بخشی از فضا است که به وسیله شخص یا چیزی اشغال می‌شود و دارای بار معنایی و ارزشی است (مدنی پور، ۱۳۷۹: ۳۲). فرآیندهای اجتماعی در طول زمان، فضای انسانی را با کنش متقابل با این فضای طبیعی خلق کرده و جنبه‌های ویژه فضای انسانی، با بر هم کنش میان ویژگی‌های فضای طبیعی و خصیصه اجتماعی مردمی که آن را اشغال و دگرگون کرده‌اند، تعیین می‌شود. تنوع در فرم فیزیکی و کیفیت‌های طبیعی، به نوبه خود بر کیفیت فضای شهری تأثیر گذارده و در فرآیند تاریخی پدید آمدن شهرها، به شکل نمادین به کار گرفته شده‌اند فضاهای خلق شده نیز لایه‌هایی از محیط‌های خلق شده و اشکال اجتماعی‌اند که فضای طبیعی را دگرگون ساخته و روی آن جای گرفته و

مورخ بزرگ فرانسوی (۱۹۰۲-۱۹۸۵) و واضع نظریه‌ی زمین تاریخ. Fernand Braudel ۱.



باگذشت زمان انباشته شده و همگی در کنار هم فضای شهری را می‌سازند (مدنی پور، ۱۳۷۹: ۵۴). بدین ترتیب شهر پدیده‌ای اجتماعی - مکانی است، با بعدی زمانی، اما مرئی است. شهر محصولی از زمان است. این نظر مخالف تفکری بود که شهر مدرن را محصول ساختمان‌هایی با حجم‌های ساده و شناور در دریایی از فرم بد و خراب می‌دانست. در آغاز قرن بیستم با برچیدن دید منفرد پرسپکتیوی، منجر به انقلابی بصری شد. درک و استنباط ما از فضای معماری و شهری به مثابه پذیرفتن و ستایش از کیفیت‌های ساختمان‌های منفرد و مجزا که ساطع کننده فضا هستند، از نتایج بنیادی این تحول بود و نیز یافتن قرابتی با مرحله نخستین و درک فضا (Giedion, 1967: 5).



شکل ۱- اجزای اصلی سازنده فضای جغرافیایی (۳۸)

**الف) فضای شناختی:** فضای شناختی متشکل از ساخت انتزاعی فضا که از مشخص ساختن فضا به عنوان یک شیء برای تامل و تلاش برای بسط نظریه‌هایی درباره آن نشأت گرفته است. انیشتن پیشنهاد کرده است که مفهوم ساده تر روان شناختی مکان مقدم بر مفهوم فضا ... بوده است و جداً در تمدن غربی اولین جملات واقعاً منسجم درباره مکان، خصوصاً نظریه مکان ارسطو، اولین رویکردهای آزمایشی نسبت به یک مفهوم پردازی از فضا بوده است. بنابراین اریکتاس به نقل از جمر استدلال می کند که "هر کسی نوعی مکان را اشغال می کند و نمی تواند موجود باشد، مگر اینکه مکانش موجود باشد. از آنجا که چیزی که حرکت داده می شود به درون مکان مشخصی حرکت داده می شود و رنج و کار هر دو حرکت هستند، روشن است که مکان، که رنج و کاری که صورت می گیرند در آن موجودند، اولن چیزها است". اساساً ادامه این استدلال بود. وی معتقد بود در حالی که مکان یک چیز هیچ بخشی از آن نیست و این که یک مکان و یک چیز را می‌توان جدا کرد، یک مکان به وسیله "مرز آنچه که آن فضا را احاطه می کند تعریف می شود" و هست "هر جایی که یک شیء مادی هست و یا منطقاً ممکن است که باشد" فضای شناختی فضای یکنواخت و همگن است، با ارزش مساوی در همه جا و در تمامی جهات. یک شکل است و خنثی است، یک بعد است، فضای هندسه و نقشه‌ها و نظریه‌های سازمان فضایی است (رلف ای. سی، ۱۳۹۰: ۲۷-۲۸).

**ب) فضای انتزاعی:** فرق بین فضای انتزاعی و فضای شناختی فرقی است که صرفاً همین اواخر شناخته شده است. که شاید با به رسمیت شناختن این واقعیت روی داده باشد که فضای اقلیدسی ضرورتاً انعکاسی وفادارانه از نوعی فضای مطلق نیست، بلکه به سادگی ساخته و پرداخته انسان است و این که هندسه‌ها و توپولوژی‌های دیگر نه تنها ممکن هستند بلکه می توانند حتی در برخی وضعیت‌ها دقیق تر باشند (نوربرگ شولز 10, p. 1971, Norberg - Schulz; هاوکنیز 1962, Hawkins) فضای انتزاعی فضای روابطی منطقی است که به ما اجازه توصیف فضا را بدون ضرورتاً مبتنی کردن آن توصیف‌ها بر مشاهدات تجربی می‌دهد و مخلوقی آزاد از تخیل بشر است و به این عنوان انعکاسی مستقیم از دستاورد تفکر نمادین است. ارنست کسیرر اعلام داشته است، "ما باید بپذیریم که فضای انتزاعی هیچ هم‌تا یا پایه‌ای در واقعیت کالبدی یا روان شناختی ندارد. نقاط و خطوط هندسه‌دان اشیایی نه از نوع کالبدی و نه از نوع روان شناختی‌اند؛ آن‌ها چیزی نیستند مگر نمادهایی برای روابط انتزاعی" (رلف ای. سی، ۱۳۹۰: ۲۸).

### ۱-۷-۱- فرم‌های سه گانه فضا

حداقل سه راه برای تعریف فضا وجود دارد - که هر یک اثرات مهمی بر شیوه شناخت و درک ما از جهان دارند؛  
**الف) فضای مطلق؛** اگر ما فضا را به صورت مطلق<sup>۱</sup> در نظر بگیریم، فضا تبدیل به چیزی در خودش خواهد شد؛ همراه با یک موضوع مستقل که ما می توانیم آن را برای پدیده‌های منفرد به کار ببریم، دیدگاه نسبی<sup>۲</sup> در مورد فضا پیشنهاد می‌کند که فضا

1. Absolute  
2. Relative

می‌تواند به عنوان یک نسبت بین چیزها در نظر گرفته شود به طوری که چیزها وجود دارند به این دلیل که چیزهای دیگر وجود دارند و با هم یک نسبتی دارند. درک دیگری هم از فضای نسبی وجود دارد که من نام فضای ارتباطی<sup>۱</sup> به آن داده‌ام. در این دیدگاه فضا به شکل فضای لاینیتسی در نظر گرفته می‌شود؛ به طوری که فضا در ارتباط با اشیاء شکل می‌گیرد و تنها زمانی می‌توان گفت که شی‌ای وجود دارد که آن را از طریق رابطه اش با اشیاء دیگر در نظر بگیریم (حاتمی نژاد، شورچه، ۱۳۹۳: ۴۴).

**(ب) فضای نسبی:** انسان‌ها فضا را «درک» می‌کنند و این ادراک با توجه به فرهنگ آن‌ها و تکنولوژی و منابع در دسترس آن‌ها متفاوت است. فضای نسبی بر یک واحد ثابت ناظر نیست. بلکه این «معنای فضا» است که مهم است. فضای نسبی استنباطی است. این فضا فعالیت و تجربه انسان را شکل می‌دهد و خود نیز از آن ساخته می‌شود.

**(ج) فضای مجازی:** فضایی است که به هیچ‌گونه واحد قلمرویی اشاره ندارد؛ «فضای دیدگاه‌ها» - متفکران ممکن است در یک پارادایم (نمونه یا الگو) پراکنده باشند، اما از فضای مطلق برخوردار نباشند. اینترنت و پیدایش فضای سایبر، فضاهای مجازی مناسبی را برای تعامل افراد فراهم کرده‌اند. واقعیت مجازی یک فضای مجازی محسوب می‌شود. «فضای مجازی وجود خارجی و ملموس ندارد» اما می‌تواند تأثیرات واقعی داشته باشد (مورای، ۱۳۸۸: ۷۰-۷۱).

## ۱-۷-۲- انواع فضا از منظر بعد

با توجه به انگاشت بُعد می‌توان فضا را دسته بندی نمود. دسته بندی می‌تواند از زوایا و پخه‌های گوناگون انجام گیرد. یک شکل دسته بندی فضا، تقسیم آن به سه دسته فضای کالبدی<sup>۲</sup>، فضای درکی<sup>۳</sup> و فضای تجربیدی<sup>۴</sup>، به شرح زیر است:

**(الف) فضای کالبدی:** فضایی است که مستقل از انسان وجود دارد، دارای ماهیت و سرشت کمی است و با آن چه انسان از محیط درک می‌کند تفاوت دارد (هر چند که به هر حال به آن مربوط است). فضای کالبدی همچون نوعی ویژه از فضا دارای سه بُعد است. این فضا با وجودی که به بیانی "تجربیدی از جهان واقع است"، اما جهان واقع<sup>۵</sup> نیز نامیده شده است.

**(ب) فضای درکی:** آن چه که این فضا را می‌سازد، تصورات و اندیشه‌های انسان از فضای کالبدی و یا از جهان واقع است. به این معنا که بین انسان و فضای کالبدی (که محیط زیست اوست) اطلاعات جریان دارد و این خود موجب می‌شود که انسان از آن فضا تصوراتی داشته باشد.

**(ج) فضای تجربیدی:** این فضا، فضایی توپولوژیکی با  $n$  بُعد است که با تفکر جهان سه بُعدی تفاوت دارد. جریان اطلاعات بین انسان‌هایی که از نظر مکانی مجزا هستند و وجود فعالیت مشترک بین آن‌ها، به این معنا است که بین آن مکان‌ها و فعالیت‌ها ارتباط برقرار است. بر حسب نوع ارتباط (اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی جز آن) فضاهای اجتماعی، فضاهای اقتصادی و (فضاهای دیگر) به وجود می‌آیند. برای مثال یک فضای اقتصادی را می‌توان از راه‌های گوناگون در تصور آورد و آن را فضایی شامل اجزاء و یا عوامل مختلف و روابطی که بین یک یا تعدادی واحد صنعتی، تولید کنندگان درون‌دادها (چون مواد اولیه، نیروی کار و سرمایه) و خریداران فرآورده‌های واحدهای صنعتی وجود دارد، در نظر آورد. مسلم است که چنین فضایی در محیطی متشکل از سایر فعالیت‌های اقتصادی کار می‌کند (همان، ۲۲۴).

## ۱-۸- اقتصاد سیاسی و جنبه تولید فضا

**(الف) تضاد هگلی:** هگل یک فیلسوف متافیزیسین است. اگر بخواهیم در دو کلمه فلسفه او را خلاصه کنیم این دو کلمه عبارت است از «آزادی طلبی». همه فلسفه هگل تلاشی است برای این که نشان دهد که چگونه ماهیت جهان رو به آزادی سیر می‌کند و برای آزادی یافتن تلاش می‌کند. برای سقراط، دیالکتیک شیوه ای بود برای پیش برد فکر، اما برای هگل، دیالکتیک شیوه ای بود برای حرکت کل جهان. هگل معتقد بود که این دیالکتیک نه تنها در تفکر بلکه در متن جهان جاری است. او معتقد بود که تاریخ، طبیعت و همه چیز بر این روش سیر می‌کند. اصطلاحات مشهوری که همه می‌دانیم: تز، آنتی تز و سنتز نام‌های این مراحل سه گانه برخوردارند. تز عبارت از مرحله اول است در بافت فکری جهان یا فکر انسان. آنتی تز آن موردی است که از شکم او بر می‌آید و در مقابل او قرار می‌گیرد و با او سرجدال دارد، و سنتز آن حالت ترکیبی سومی است که حاوی ایندوست، منتهی در یک سطح بالاتر. در فارسی تز را نهاد یا نهاده (یا وضع)، آنتی تز را برابر نهاد (یا وضع مقابل) و سنتز را هم نهاد (یا وضع مجامع) می‌گویند. و یا گاهی به ترتیب این سه را پوزه و کمپوزه می‌خوانند (سروش، ۱۳۶۱: ۴۴-۴۱).

**(ب) مارکس - طبقه، سرمایه و فضا:** مارکسیسم جنبشی بود که این تقابل را به چالش کشاند. این نگرش فلسفی درصدد پایه گذاری جامعه‌ای بدون طبقه و براندازی این دوگانگی قراردادی بود. برای دستیابی به این امر، قیام پرولتاریا و کارگران استثمار شده

1. Relational
2. Physical space
3. Perceptual space
4. Abstract space
5. Real world

را مطرح کرد. مارکس تمدن غرب را مورد بررسی قرار داد تا تاریخ جامعه را به عنوان استحالتهای دیالکتیکی (کشمکش بین دو اندیشه؛ پیروزی یکی و شکست دیگری) تشریح کند. از نظر وی، تمدن با جامعه‌ای آغاز شد که دارای ساختاری کشاورزی در جوار خط و مرز قبیله‌ای بود و منجر به پیدایش سازمان‌ها و تشکلات فتودالی اروپایی قرون وسطی شد. مارکس معتقد بود این سازمان‌ها اربابان فئودال خود را رها کرده و جوامع صنعت گر و پیشه‌ور شهری را پایه‌گذاری کردند. صنف‌ها و دیگر تشکلات شغلی، همراه با سیستم کارآموزی دنبال شدند و تا قرن هجدهم مقدمات جامعه‌ی صنعتی و اقتصاد کاپیتالیستی فراهم شد. این اقتصاد کاپیتالیستی منجر به پیدایش کارخانجات شد و رابطه‌ی کارگر متخصص و ارباب شکل گرفت. مارکس با بررسی این سیر تاریخی، تقابل سرمایه‌دار کارگر را به چالش کشاند و پرچم‌دار جامعه‌ی بدون طبقه شد. به بیانی دیگر، وی در صدد براندازی این تقسیم بندی سرمایه به عنوان ره آوردی بشری بود. این تلاش برای جامعه‌ی بدون طبقه یعنی براندازی هرگونه برتری و حقارت، در واقع شورش علیه ساختاری اجتماعی بود که بشر آن را ساخته و حاکمان آن را از طریق زبان (نگرش سوسور) به شکل توجیه پذیری به خورد جامعه داده بودند (سپهوند، ۱۳۹۳: ۱۴). مارکسیسم بهترین نحله و غنی از تفکر و اندیشه است که شاخه‌های زیادی دارد و هر یک به زمان خودش، مکان خودش و دیدگاه خودش مربوط می‌شود. چنان که مارکسیست فرانسوی هنری لوفور<sup>۱</sup> (۱۹۸۸: ۷۵) بیان می‌کند: «تنها یک نوع مارکسیسم وجود ندارد، بلکه انواع زیادی از گرایش‌ها، مکاتب، تمایلات و طرح‌های پژوهشی مارکسیستی وجود دارد. مارکسیسم در فرانسه هم جهت با وضعیت مارکسیسم در آلمان، ایتالیا، اتحاد شوروی یا چین نیست» (بلانت و ویلس، ۱۳۸۵: ۸۵). به عقیده کارل مارکس، برای اینکه دنیا عوض شود، نه فقط سیستم اقتصادی را می‌باید تعویض کرد، بلکه سنن و شعار و معتقدات معنوی هم باید عوض گردد. کارل مارکس راجع به اینکه در جامعه کمونیستی وضع خانواده چگونه می‌باید باشد، نظریه صریح ابراز نمی‌نماید. ولی معلوم است که عقیده دارد که در جامعه کمونیستی وضع خانواده باید طوری دیگر باشد. چون در کتاب سرمایه چنین می‌گوید: «خانواده ایده آلی کدام است؟ و آیا خانواده‌های مسیحی آلمان خانواده ایده آلی هستند یا خانواده‌های مشرق زمین که در آنجا یک مرد چند زن و عده‌ای نیز دارد و تمام زن‌ها و فرزندان‌شان با هم زندگی می‌کنند؟ رژیم سرمایه‌داری امروزی با جلب زن‌ها و اطفال به کارخان‌ها، رشته علاقه خانوادگی را گسیخته است و این خود اساسی خواهد شد برای به وجود آمدن خانواده‌های آینده در جامعه کمونیستی. و در آتی، روابط زن و مرد، غیر از آن خواهد گردید که امروز هست و قبل از اینکه جامعه کمونیستی به وجود بیاید، رژیم سرمایه‌داری، که زن‌ها و اطفال را مجبور به کار می‌کند، به کلی وضع خانواده را تغییر داده و زمینه را برای ایجاد خانواده‌های آینده فراهم نموده است» (برلین و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۸۲). نحله مارکسیستی اهمیت زیادی برای درک جغرافیای سرمایه داری و جغرافیای سیاسی اعتراض قائل است ولی قابل ملاحظه است مارکسیسم فقط در دهه ۱۹۷۰ وارد رشته جغرافیا شد، که هم زمان با تغییر شدید سیاسی و اعتراض اجتماع بود و نسل جدیدی از دانشجویان و استادان به عنوان یک منبع عقاید رادیکال، برای درک و تغییر جهان، جذب مارکسیسم شدند. با فروکش کردن این روایاها در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ علاقه به مارکسیسم نیز به تبع آن کاهش یافت ولی بسیاری از تحلیل‌ها و رویه‌های مارکسیستی در شاخه‌های مختلف آن وجود دارد، که به درون تفکر جغرافیایی راه یافته اند (بلانت و ویلس، ۱۳۸۵: ۸۵).

۱) فضا به عنوان نیروی تولید: تحلیل مارکس از سرمایه‌داری به عنوان یک شیوه تولید خاص در تاریخ در کانون توجه آثار وی به عنوان یک کلیت قرار دارد. به عنوان نمونه، بیشتر تحلیل‌های او در کتاب «سرمایه<sup>۲</sup>»، ارائه شرحی مفصل از آن چیزی است که شیوه تولید را شکل می‌دهد و این که چگونه عمل می‌کند و چه پیامدهایی برای افزایش سلطه آن بر روی همه جنبه‌های زندگی و انسانیت ما به همراه دارد. تحلیل مارکس از سرمایه داری به عنوان یک شیوه تولید، بر این موضوع استوار است که مبنای اقتصادی جامعه سرمایه‌داری ترکیبی از دو عنصر وابسته به هم است. اول، نیروهای تولید است؛ یعنی آنچه برای ساخت و انجام دادن چیزها لازم است و دوم، روابط اجتماعی تولید که مرتبطاند با شیوه‌هایی که از طریق آن اشکال اجتماعی سازماندهی می‌شوند تا به اهداف تولیدی خود دست یابد. فضامندی روابط اجتماعی بعداً مورد بررسی قرار خواهد گرفت. اما قبل از آن، درکی از مالکیت و به دنبال آن کنترل نیروی‌های تولید ضروری به نظر می‌رسد؛ به طوری که در تحلیل مارکس از طبقه تحت سرمایه داری، دست کم در سطحی ساده، وجود یا عدم وجود دوگانگی مالکیت ابزارهای تولید به عنوان ویژگی بارز سرمایه داری مدرن تلقی می‌شود (ژیلنیتس، ۱۳۹۴: ۲۳). تحلیل مارکس از آنچه نیروهای تولید را تشکیل می‌شود؛ به عنوان ترکیبی از مواد خام، سازماندهی (یا تقسیم نیروی کار، ابزارهای نیروی کار (ساختمان‌ها، ماشین آلات، فناوری)، انرژی، دانش، مهارت و خود نیروی کار که لازمه تولید کالا و خدمات‌اند، مسأله فضا را نیز در خود شامل می‌شود. از این‌رو، فضا مهم است زیرا، اگر مالکیت ابزار تولید و سازماندهی روابط اجتماعی تولید شیوه تولید را شکل می‌دهد، در این حالت، کسی که مالکیت فضا را در دست دارد متعاقباً قدرت سازماندهی و کنترل بر فعالیت‌هایی که می‌تواند یا باید در فضا انجام شود را نیز خواهد داشت. کوهن<sup>۳</sup> به نکته مهمی اشاره می‌کند که باید نقش فضا

1. Henri Lefebvre  
2. Capital  
3. Cohen

به عنوان نیروی تولید و در نتیجه به عنوان عنصری بنیادی در نحوه عمل سرمایه‌داری مورد بررسی قرار گیرد. از آنجایی که فضا جزء مجموعه‌ای از نیروهای تولید محسوب می‌شود، مالکیت فضا یقیناً می‌تواند موقعیتی در ساختار اقتصادی فراهم نماید.

**ج) جامعه‌شناسی زیمِل از فضا؛ جنبه‌های فضا:** جامعه‌شناسی زیمِل تلاشی پیچیده و به نوعی انتزاعی و فرمی به منظور روشن‌گری این موضوع است که چگونه و به چه شیوه‌هایی فضا برای درک روابط اجتماعی مهم است. لچنر بر این باور است که فصلی که زیمِل درباره فضا بحث می‌کند می‌تواند به سه شکل تفسیر شود. اول، امکان بودن افراد در کنار هم از منظر «جامعه‌شناسی فضا» است که براساس تفسیر مجدد لچنر، زیمِل «تأکید می‌کند بر آنکه کنش افراد با یکدیگر معمولاً در قالب پر کردن فضا تجربه می‌شود؛ پس بودن افراد در کنار هم بدین معناست که آن‌ها بخش‌های فضا را در بین خود تقسیم و تسهیم می‌کنند». دوم اینکه با کنکاش در فرم فضایی انواع روابط اجتماعی، پروژه جامعه‌شناسی فرم‌های فضایی زیمِل بسط می‌یابد. سوم، فصل فضا باید به عنوان بخشی از تحلیل زیمِل از مدرنیته بررسی شود که در آن بررسی فرم‌های اجتماعی در فضا روشن می‌سازد چگونه ساختارهای اجتماعی مدرن فضا را می‌شوند و چگونه فضا به خودی خود از طریق کنش‌های متقابل همراه با شکل‌گیری‌های اجتماعی، مدرنیته می‌شود (همان، ۵۴). به اعتقاد زیمِل، اهمیت عنصر فضایی در کنش‌های متقابل اجتماعی؛ زمانی که با پتانسیل‌های پویا و خلاق کنش متقابل انسانی ترکیب می‌شود و هم برای فعالیت‌های موجود در فضا و هم برای فضا به خودی خود معنا و اهمیت پیدا می‌کند، کیفیتی از فضا به خودی خود است. بنابراین می‌توان گفت که فضا «شرط لازم اما ناکافی برای اجتماعی شدن است. این‌ها در واقع شرایط فضایی بودند که زیمِل در پی یافتن معنا در «پنج جنبه فضایی» خود بود. تحلیل زیمِل از فضا ریشه در تحلیل او از فرم‌های اجتماعی شدن در فضا دارد. در مفهوم زیمِل از فضا تأکیدی نوکانتی از ذهن فعال وجود دارد که در فهم جهان کمک می‌کند به عبارتی دانش از جهان اجتماعی، به عنوان مجموعه‌ای از حقایق دیده نمی‌شود؛ بلکه ساختاری است که به وسیله گزینش و تفسیر پدید می‌آید. او می‌نویسد: «فضا همیشه در یک فرم غیرمؤثر باقی می‌ماند، اما در تغییر و تحول آن است که انرژی‌های واقعی نمایان می‌شوند. از این‌رو، با توجه به «جنبه‌های فضایی» تحلیل جامعه‌شناختی زیمِل از فضا، چنین تلاشی به منظور توجه به برخی شیوه‌هایی است که از طریق آن فضا دارای یک اهمیت خاص است برای این که چگونه، کجا و چرا شکل‌گیری‌های اجتماعی خاص و کنش‌های متقابل امکان‌پذیر می‌شود و همچنین توسط فضاوندی‌شان چهارچوب بندی شده و شکل می‌گیرند. این بدان معناست که «جنبه‌های فضا» زیمِل یک تحلیل جامعه‌شناختی اولیه از فضا به مثابه یک عنصر اولیه مهم برای تحلیل ماهوی از فضاها اجتماعی؛ خواه از نوع تولید، مصرف، چرخه، توزیع و یا نمایش به دست می‌دهد (همان، ۵۵).

۱) انحصار: اولین جنبه‌ای که زیمِل در «جامعه‌شناسی فضا» بدان می‌پردازد، «انحصار» است. برای زیمِل هر بخش از فضا منحصر به فرد است. به همین دلیل است که دو شیء، دو دولت، دو شهر، دو خانه و غیره به طور همزمان نمی‌توانند یک بخش مشابه از فضا را اشغال نمایند.

۲) مرزهای فضا: دومین جنبه فضا که زیمِل آن را مورد بررسی قرار می‌دهد و اهمیت زیادی در درک وی از فضاوندی فرم‌های اجتماعی شدن دارد، همانا مرزها هستند. (همان، ۵۷).

۳) ثبات فرم‌های اجتماعی در فضا: جنبه سوم مورد توجه در تحلیل زیمِل، ظرفیت فرم‌های اجتماعی برای ثبات یافتن از طریق فضا است. به اعتقاد زیمِل این که گروهی یا برخی از عناصر آن یا چیزهای ضروری مورد نظرش به لحاظ فضایی کاملاً ثبات یافته و یا نامعین باشد، به روشنی بر ساختارش آن‌ها اثر می‌گذارد. (همان، ۶۰).

۴) مجاورت<sup>۳</sup> فضایی و فاصله<sup>۴</sup>: جنبه چهارم فضا از نظر زیمِل، مجاورت و فاصله می‌باشد که به تأکید وی بر روی تمایزات و امکانات بین صورت‌های مختلف کنش وابسته به رابطه، مجاورت و دور بودن اشاره دارد.

۵) جابه‌جایی<sup>۵</sup> در فضا: جابه‌جایی در فضا جنبه‌ای است که به ثبات مربوط می‌شود. اگر شیء و یا یک نهاد فرهنگی مثل موزه، گالری هنر، خدمات تفریحی و آموزشی و غیره در فضا ثابت باشند، در این صورت کنشگرهای اجتماعی برای دست‌یابی به آن منابع باید به جاهایی که آن‌ها قرار دارند سفر کنند. بنابراین، از آنجایی که آن‌ها در مکان ثابت هستند، کنش‌های اجتماعی باید الزاماً در پیرامون و در درون آن‌ها رخ دهند (ژیلنیتس، ۱۳۹۴: ۶۱).

**د) تحلیل زیمِل از ظهور فرایندهای اجتماعی - فضایی:** براساس بررسی‌های زیمِل درباره «جنبه‌های فضا» و اهمیت دادن به آن به منظور درک فرم‌های کنش / اجتماعی شدن، کاملاً روشن است که آگاهی وی از فضا به عنوان یک عنصر اساسی، وی را در مقام یک فیلسوف فرهنگ و جامعه‌شناس مدرنیته قرار می‌دهد. تحلیل زیمِل از بُعد فضایی فرم‌های اجتماعی شدن، اصلی کلیدی در تحلیل‌های مختلف درباره «خصوصاً هستی‌انتزاعی» به شمار می‌آید که از نظر وی، همان زندگی روزمره‌ی شهر یا همان چیزی است که بنیان جامعه به مثابه جایی که در آن افراد مختلف وارد کنش می‌شوند، را تشکیل می‌دهد. آن‌چه در ادامه

1. exclusivity  
2. Boundaries  
3. Proximity  
4. Distance  
5. Mobility

می‌آید یک بررسی اجمالی از آن «کیفیت‌های بنیادی» در پژوهش‌ها و تحلیل‌های مختلف زیرمیل از فضاهای اجتماعی و تجربه‌های مدرنیته است. شهر، فرم فضایی مدرنیته است که از طریق آن زندگی مدرن تجربه می‌شود و تشخیص می‌یابد. زیرمیل با تأکید بر روی سرعت، تکثر، کیفیت و کمیت احساس و تجربیات اجتماعی و کنش زندگی شهری، دوگانگی بین زندگی شهری و روستایی را نشان می‌دهد. در تحلیل‌های زیرمیل از شهر، وی بر سطوح بالای تحریک‌های عصبی، بمباران انگیزش‌های روان‌شناختی و نیاز به توسعه یک فاصله‌گذاری اجتماعی و روان‌شناختی تأکید می‌کند. در تحلیل زیرمیل از شهر به عنوان محل افزایش تجربه و فعالیت، پژواک روشنی از طبقه‌بندی تونیس (۱۹۵۵) از روابط بین انسان‌ها براساس مفاهیم «گمنشافت»<sup>۱</sup> و «گزلفافت»<sup>۲</sup> دیده می‌شود (همان، ۶۳).

**ه) هنری لوفور و تولید فضا:** هنری لوفور، جامعه‌شناس و فیلسوف مارکسیست فرانسوی، مُبدع نظریه تولید فضا است (جوان و همکاران، ۱۳۹۲: ۱). لوفور متولد ۱۹۰۱ زندگی پر حاصل و چشمگیری داشت. وی تا قبل از مرگش در سال ۱۹۹۱ حدود ۷۰ کتاب نوشت. لوفور از سال ۱۹۴۵ در مرکز ملی تحقیقات علمی (CNRS) در پاریس یک مقام تحقیقاتی داشت. ولی جداسازی از حزب کمونیست با انتشار کتاب گزارش خروشچف<sup>۳</sup> در سال ۱۹۵۶ به وقوع پیوست (بالنت و ویلس، ۱۳۸۵: ۱۴۱-۱۴۰). پروژه هنری لوفور در زمینه «تولید فضا» که در نوع خود بی‌نظیر است، نتیجه یک فرایند طولانی بوده که در آن، تحلیل وی از جنبه‌های مختلف مدرنیته، منجر به اولویت دادن مجدد به فضا به عنوان یک اصل بنیادی در درک سرمایه‌داری می‌شود. همان‌گونه که در ادامه توضیح داده خواهد شد، اگرچه تحلیل وی از فضا پیچیده و چالش برانگیز است، اما به منظور تشریح بنیادی و نظری از فضا در چهارچوب نظریه اجتماعی عصر حاضر حائز اهمیت بسیار است. در واقع نقش لوفور به عنوان عامل کلیدی بسط علائق و دغدغه امروز درباره فضا، می‌تواند به عنوان توضیحی بر اهمیت کار وی تلقی شود. تحلیل لوفور از فضا در زمینه کاری اش بر روی طبیعت، شهر، شهری و زندگی روزمره است. در واقع هدف نهایی لوفور این بود تا نشان دهد فضا اساساً یک امر سیاسی است. این گفته که، «دانش اصیل یا معتبر در باب فضا باید به مسأله تولید آن بپردازد»، تحلیل وی را در ارتباط با اهمیت بنیادی روابط اجتماعی در دوره‌های خاص تاریخی و جوامع قرار می‌دهد. برای لوفور این نکته که «فضا و زمان به طور اجتناب‌ناپذیری در پیوند با فرایندهای تحت شیوه‌های تولید قرار دارد»، مهم است. «فضا چیزی جز ثبت و حک زمان در جهان نیست. فضا مجموعه‌ای از واقعیت بخشی‌ها، حک کردن همزمان دنیای خارجی در سری‌های زمانی، دوره‌های شهر و دوره‌های جمعیت شهری است» نظریه لوفور، در واقع، درک تولید فضا به مثابه تأکید بر نگرستن به فضا هم به عنوان یک کالا (شیء) و هم به عنوان (یک فرایند) روابط و کنش‌های اجتماعی است. این کاربرد دیالکتیکی از مفهوم فضا و عناصر سه گانه‌ی لازم و درهم - پیوند (کنش‌های فضایی، بازنمایی‌های فضا و فضاهای بازنمایی) به تفصیل در درک مفهوم فضا مورد توجه قرار خواهند گرفت. مشابهاً، مرکزیت نگرش‌های روزمره اجتماعی و کنش‌های در فضا، در رابطه با اهمیت جنبه‌های فضایی سازمان‌دهی اجتماعی درک لوفور از توسعه شهر و شیوه زندگی شهری، خود را نشان خواهد داد. فضا، همان طور که لوفور توضیح می‌دهد، محصول نیروهای سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیکی (گسترده‌ی قدرت) است.

۱) روزمرگی در تولید فضای لوفور: تحلیل لوفور از تولید فضا بر روی اثر متقابل میان تجربه‌ی روزمرگی و کنش‌های متقابل در درون شیوه‌های تاریخی تولید، خصوصاً سرمایه‌داری، همراه با توسعه‌ی فناوری‌ها و مفاهیم فضا (کنش‌های فضایی و بازنمایی‌های فضا) متمرکز می‌شود. این تعادل پویا بین سه مؤلفه پیچیده (ترکیب عناصر)، فضا را تولید می‌کند. مالکیت فضا صرفاً اعمال حقوق انحصاری بر یک قلمرو فیزیکی نیست. بلکه همچنین شامل این است که فضا چگونه درک می‌شود و بازنمایی می‌گردد که این، عمل سلطه و نیروهای هژمونیک در درون آن و بر روی آن را بازتاب می‌دهد. بنابراین، یک عنصر ذاتی از کنترل و نظم بخشی به فضا و همراه با آن، کنش‌هایی که در درون آن مجاز یا تایید می‌شود، وجود دارد، اما، همان‌گونه که لوفور تأکید می‌کند از آنجایی که فضا برای تولید اقتصادی و بازتولید اجتماعی، تولید و شکل می‌گیرد، بنابراین، «فضا در مناسبات اجتماعی نفوذ پیدا می‌کند. فضا نه تنها از جانب مناسبات اجتماعی مورد حمایت قرار می‌گیرد، بلکه از طریق همان مناسبات اجتماعی نیز تولید می‌شود» (ژیلینیس، ۱۳۹۴: ۱۰۴). همان‌گونه که لوفور اشاره می‌کند، «حق» شهر و بنابراین فضاهای عمومی آن، حاوی نیرویی برای مبارزه میان گروه‌های مختلف بر سر معانی و ارزش‌ها و به همان اندازه، دریای استفاده و کنش‌هاست. بنابراین، آنچه لوفور ما را بدان فرا می‌خواند نه تنها آگاهی از تولید فضا که شامل درک و فهم ایدئولوژی ملازم با مفاهیم، طرح‌ها و طراحی‌هاست، بلکه همچنین حقوق عمومی شهری برای هرکدام از ما از طریق استفاده، نیل به معانی، نمادها و فهم فضا است. این به معنای، جایگزین کن فضا برای مبادله با ارزش مصرفی فضا است.

۲) برنامه‌ریزی به مثابه‌ی ایدئولوژی تولید فضا: لوفور معتقد است که هر نوع بازنمایی اگر به بازتولید روابط تولید، خواه مستقیم و خواه غیرمستقیم مرتبط باشد، امری ایدئولوژیکی است؛ بنابراین، ایدئولوژی از کنش جدایی‌ناپذیر است. لوفور برنامه‌ریزی را به

1. Gemeinschaft  
2. Gesellschaft  
3. Khrushchev

مثابه‌ی بخشی از عمل سلطه‌گرانه‌ی قدرت و سیاست در، و، بر فضا توصیف می‌کند: ایدئولوژی برنامه‌ریزی برای لوفور به واقع ابزاری است که فضای شهرهای جهان را به مثابه وسیله‌ای تصور می‌کرد که از طریق آن‌ها فضا می‌توانست بازنمایی شود و بر آن استیلا باید چنان که آن را برای فروش به مثابه‌ی یک کالای مصرفی، تقسیم و تفکیک نمود و برای کارکردهای خاصی در نظر گرفت. برنامه‌ریزی به عنوان یک دکترین، در واقع یک ایدئولوژی است که دانش جزئی را تفسیر می‌کند و کاربردها و رشد آن را براساس یک کلیت ضعیف یا قانونی شده، توجیه می‌کند. بر همین اساس دانش مرتبط با شهر، همواره جزئی بوده است و کاربرد فنی از این دانش، همواره در رابطه با بافتی است که قرار است تصمیم‌های سیاسی در آن گرفته شود. منطق فضا، از نظر برنامه‌ریز، منطق ریاضیات و تکنولوژی، مدل‌سازی‌های کامپیوتری است؛ از این‌رو، برنامه‌ریزی دربرگیرنده ابعاد مادی می‌شود که کمیت پذیر و قابل اندازه‌گیری است و فضای برنامه‌ریزی تحت تأثیر منطق صوری، فضای خنثی فرض شده و صرفاً به عنوان یک ابژه علمی به آن نگریسته و غیرسیاسی بررسی می‌شود. (جوان و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۶)

**و) میشل فوکو: فضای قدرت:** اگر چه میشل فوکو نظریه‌ای عام در باب فضا یا قدرت ارائه نکرده است با این وجود، طرح مشهور وی که از طریق شماری از درس گفتارها و فعالیت‌های سیستماتیک در قرن نوزدهم در باب یک «جامعه‌ی انضباطی»<sup>۱</sup> ظهور می‌یابد، مجالی برای بررسی کاربرد دوگانه‌ی او از مفهوم قدرت / دانش و اهمیت بعد فضایی در فهم‌اش از مناسبات اجتماعی فراهم می‌کند. فضایی که گالیله به سوی ابتدای قرن مدرن گشود و مشخصه آن نامحدود بودنش، یعنی همان «فضای امتداد» و تخمین است. فوکو، هم از «فضای درونی»<sup>۲</sup> باشلار (۱۹۶۹) و هم از توصیف‌های پدیدارگراییانه، گسسته است، و توجه ما را به بعدی دیگر از فضاوندی زندگی اجتماعی جلب می‌کند؛ یعنی توجه ما را به نوعی «فضای بیرونی»، فضای زیستی (و از نظر اجتماعی تولیدی) محل‌ها و روابط بین آن‌ها معطوف می‌کند: «حیات ما در فضایی خالی که بتوان آن را به سایه - روشن رنگ‌های گوناگون جلا بخشید رخ نمی‌دهد، بلکه حیات ما در مجموعه‌ای از روابط شکل می‌گیرد. این مجموعه از روابط موقعیت‌های فضایی را ترسیم می‌کنند که قابل تبدیل به یکدیگر نیستند و به هیچ‌وجه بر هم برتری نمی‌یابند (شورچه، ۱۳۹۳: ۳۲). این فضاهای ناهمگون شامل محل‌ها و روابطی (هتروتوپیا‌های فوکو) است که در هر جامعه‌ای شکل می‌گیرند. لیکن اشکال کاملاً متنوعی به‌خود می‌گیرند و در طول زمان تغییر می‌کنند، به‌گونه‌ای که «تاریخ در فضاوندی‌اش آشکار می‌شود». «هتروتوپیا قادر است در یک مکان منفرد واقعی، شماری فضاها و شماری محل‌ها را در کنار یکدیگر قرار دهد، مکان‌ها و محل‌هایی که فی‌نفسه مغایر یکدیگرند... آن‌ها در ارتباط با کلیت فضایی، که باقی می‌ماند، واجد نوعی کارکرد هستند. این کارکرد میان دو قطب نهایی پدیدار می‌شود. نقش آن‌ها ساختن فضایی از توهم و هذیانی است که همه فضاها را در معرض دید قرار می‌دهد، تمامی محلی‌هایی که درون آن‌ها زندگی بشر منفک و جدا شده است، که خود امری خیالی و واهی تر است... یا این که نقش آن‌ها، برعکس، ساختن فضایی است که غیریت است، فضای واقعی دیگری، فضایی که دقیقاً به همان اندازه فضای واقعی‌مان بی‌نقص، دقیق و مرتب و برنامه‌ریزی شده است، یعنی در واقع، به همان اندازه نامنظم، بدینانهاده شده و در هم ریخته است. این نوع آخر، و نه آن نوع توهمی، یعنی آیین ترمیم و تعدیل، هتروتوپیا است؛ و عجیب است اگر اجتماعات و گروه‌های خاص به نحوی واجد کارکردی این چنینی نباشند (همان، ۳۲). آنچه در اینجا به طور خاص مورد کاوش و تأکید ویژه‌ای قرار خواهد گرفت، آن «گفتمان-های انضباطی» هستند که شیوه‌های پراکنده‌ی قدرت را روشن می‌سازد و در بازنمایی‌های فرم‌های فضایی، ذاتی و دخیل هستند. این بازنمایی‌های فضا جزء لاینفک نظریه‌ی اجتماعی فوکو به شمار می‌روند و به طور کلی می‌توان گفت این قبیل گفتمان‌ها به ارزیابی سرآغازهای تاریخی و توسعه‌ی جامعه‌ی مدرن و شهری امروز مربوط می‌شوند که در آن‌ها «فضاهای انضباطی»<sup>۳</sup> از طریق کاربرد دانش / قدرت برای پرورش، ریزش تدریجی و تبلیغ و اشاعه‌ی ارزش‌های «شهری شده» و بورژوازی پدید آمدند. در واقع آن‌ها ویژگی مهم تحلیل فوکو از فرم‌های اجتماعی - فضایی و مناسبات اجتماعی قدرت محسوب می‌شوند. طرح فوکو به طور خاص در باب نقش متخصصان پزشکی به عنوان «متخصصان اولیه‌ی فضا» جهت بررسی قدرت گفتمان‌های انضباطی در تولید، بازنمایی و کاربرد فضا در توسعه‌ی یک جامعه‌ی شهری برنامه‌ریزی شده، مدیریت شده و تحت نظارت مورد تحلیل قرار می‌گیرد که وی آن را دو جنبه از «زیست - قدرت»<sup>۴</sup> می‌نامد.

۱) قدرت، دانش و فضا: «قدرت - دانش» مفهومی اساسی در آثار فوکو است. این مفهوم تلاشی برای عینیت بخشی به رابطه جدایی‌ناپذیر پویایی پیوندیافته بین قدرت و دانش به مثابه یک فرایند است. به زعم فوکو، قدرت از طریق و ساخت و کاربرد دانش در عرصه‌های خاص و محلی انتشار می‌یابد. همواره قدرت به واسطه‌ی دانش تثبیت حفظ و پیش فرض گرفته می‌شود. همان‌گونه که فوکو بیان می‌کند:

1. disciplinary society
2. Gaston Bachelard
3. disciplinary spaces
4. bio-power

«این فعالیت سوژه‌ی دانش نیست که مجموعه‌ای از دانش، مفید یا مقاوم برای قدرت تولید می‌کند، بلکه قدرت-دانش، فرایندها و تنش‌هایی را به واسطه آنچه از آن ساخته شده به حرکت در می‌آورد و از طریق آن فرم‌ها و حوزه‌های امکان دانش را تعیین می‌کند»

این نکته‌ای است که آرمسترانگ به عنوان امری حیاتی در رابطه با تحلیل فوکو مکرراً تصریح می‌کند: «قدرت یک رابطه‌ای مبتنی بر دانش معینی را فرض می‌گیرد که آن را ایجاد و حفظ می‌کند و در مقابل، قدرت، رژیم خاصی از حقیقت را بنیان می‌گذارد که در آن دانش معینی قابل پذیرش یا ممکن می‌گردد» (ژیلنیتس، ۱۳۹۴: ۱۴۲).

نیاز به ایجاد، تعریف، مدیریت، سازماندهی و کنترل فضا برای کارکردهای خاص (مثلاً به عنوان محل‌هایی برای نظارت پزشکی بر بیماران، یا تعلیم و تربیت کودکان، یا حفظ صلح یا نظم) به امری غیرقابل تفکیک از مجموعه‌های کلی‌تر دیگر شامل وظایف نظامی و «پلیسی» تبدیل می‌شود. در اینجا ضروری است تا آن چه را فوکو از «پلیس» مدنظر دارد و تعریف می‌کند روشن سازیم. «در ابتدا مفهوم پلیس تنها برای مجموعه‌ای از قوانین و مقرراتی که امنیت و آسایش یک شهر را تضمین می‌کرد، به کار برده می‌شد. اما پس از آن، پلیس به عنوان الگویی برای کل قلمرو حکومت تبدیل شد. در قرن‌های هفدهم و هجدهم، «پلیس» به برنامه‌ی عقلانیت حکومت اشاره داشت. این امر را می‌توان به مثابه طرحی برای خلق نظامی از مقررات بر رفتار عام افراد توصیف نمود که به موجب آن هر چیزی در حد صیانت ذات و بدون نیاز به مداخله، کنترل خواهد شد» (همان، ۱۴۷).

۲) فضای نظم: توماس فلاین بر این عقیده است که «بهترین نمونه‌های شناخته شده استدلال آوری «فضامند» فوکو را در شاهکار وی با عنوان «نظم اشیاء؛ دیرینه شناسی<sup>۱</sup> علوم انسانی» و تبارشناسی<sup>۲</sup> سیستم جزایی- کیفری در «مراقبت و تنبیه؛ تولد زندان» می‌توان یافت». از این رو، سعی شده است تا به این دو اثر بسیار مهم که تأثیرات ژرفی بر تفکرات فضایی و برنامه‌ریزی داشته است، پرداخته شود. همچنین به دلیل ارتباط اندیشه‌های فضایی فوکو با برنامه‌ریزی، به آن دسته از درس‌گفتارهای فوکو پرداخته می‌شود که ارتباط نزدیکی با حکمروایی‌مندی، سیاست عمومی و برنامه‌ریزی دارد. نخستین اثر عمده فوکو، «دیوانگی و تمدن تاریخ دیوانگی در عصر عقل» (۱۹۶۱) نام دارد. موضوع اصلی این اثر ظهور عقل و بی‌عقلی در عصر روشنگری و همراه با آن، اخراج و طرد دسته‌هایی از انسان‌ها به ویژه «دیوانگان» از دایره عقل است. در این دوره با ظهور عقل «تک-گفتار» جنون همچون یک بیماری نگرسته می‌شود. زیرا جنون هماهنگ و متناسب با بقیه جامعه نیست. به منظور طرد دیوانگان و همه کسانی که به علت فقر، تنبلی، جنون، بیماری و فساد اخلاقی برای نظم و اخلاقیات متعارف از بقیه جامعه، نهادهای فضاهای طرد و اخراج برای کنترل بر این گروه‌های «نامعقول» یا «غیریت» پدید می‌آید. در اینجا اولین فضاهای جدید با عنوان «فضاهای طردشدگان» شکل می‌گیرد. این فضاهای شکل گرفته، اولین ابزار اعمال قدرت بر انسان‌های نامعقول است (شورچه، ۱۳۹۳: ۳۷). در این فضاهای جدید یا همان آسایشگاه‌ها یا زندان‌ها «غیریت‌ها» یا «نامعقول‌ها» به عنوان ابژه قدرت و سوژه دانش بازسازی می‌شوند. در این فرایند، پزشک به عنوان مرجع قدرت و نظارت، و مراقبت پزشکی به مثابه تکنیک سلطه ظاهر می‌شود و فضاهای پزشکی و مراسم اعتراف ابژه قدرت شکل می‌گیرند. این فرایند منجر به ظهور «عقلانیت پزشکی» می‌شود. از این‌روست که می‌بینیم فوکو گفتمان پزشکی را به عنوان «اولین متخصصان فضا» معرفی می‌کند. (شورچه، ۱۳۹۳: ۳۸). بنابراین، فضا «سیالیت» پویایی‌های شهری را به صورت «ثابت» و در قالب یک نقشه خطی و شکل هندسی نمایش می‌دهد. این شیوه نمایش در واقع همه مناسبات فضایی را در قالب یک صفحه کاغذی تقلیل می‌دهد. با نمایش فضای شهر بر روی یک صفحه کاغذی، شهر «خوانا» می‌شود و تبدیل به مکانی می‌شود که در آن بخش‌ها، نشانه‌ها یا مسیرهای عبور و مرور به راحتی قابل مشاهده می‌شود. زیرا همه آن‌ها در قالب یک الگوی کلی، گروه بندی و قالب بندی شده اند (همان، ۱۲۰).

ز) دیوید هاروی و اقتصاد سیاسی فضا: سهم طولانی دیوید هاروی در تبیین فضا اکنون به بیش از سه دهه رسیده است. افراد کمی هستند که به سهم دیوید هاروی در جغرافیای انتقادی شک ورزند؛ جغرافیایی که در آن فضا به عنوان یک عنصر اساسی برای درک اینکه سرمایه داری چگونه از طریق آن بقاء و تداوم یافته است مطرح می‌باشد. پروژه هاروی تأسیس یک ماتریالیسم تاریخی- جغرافیایی است که در آن به دنبال بسط پارادایم<sup>۳</sup> (انگاره) مارکس از انباشت سرمایه‌داری است که شامل تولید فضا و بازتولید زندگی اجتماعی نیز می‌شود. همان‌گونه که ساندرز بیان می‌کند، تمرکز هاروی بر روی «تنش راجعه یا بازگشت کننده» بین مسائل موجود در فرم فضایی (جغرافیایی) و فرایندهای اجتماعی (جامعه‌شناسی) است که در این قالب رخ می‌دهد. چنین رویکردی سهم مهمی در بسط یک تجزیه و تحلیل میان رشته‌ای از فضا و کاربرد آن برای تحقیق و پژوهش در مورد جامعه مدرن داشته است. در این مورد هاروی می‌نویسد که فرمول‌بندی اصلی مارکس نیاز به ارتقاء و به روزرسانی دارد تا شامل یک بعد فضایی به علاوه یک تحلیل زمانی از توسعه، تداوم و گسترش سرمایه‌داری مدرن نیز بشود. هاروی در این زمینه می‌گوید: «به باور من

1. archeology  
2. genealogy  
3. paradigm



ماتریالیسم تاریخی ناگزیر از به‌روزرسانی است. من بر ماتریالیسم تاریخی - جغرافیایی اصرار دارم. از این‌رو جغرافیای تاریخی سرمایه‌داری می‌بایست هدف نظریه‌پردازی در این خصوص قرار گیرد». پروژه هاروی همچون هنری لوفور، معطوف به توسعه یک نظریه در خصوص تولید فضا است که اذعان به نقش فضا در انباشت و گردش سرمایه و همچنین در بازتولید نیروی کار است و این که انباشت سرمایه در یک زمینه جغرافیایی و تاریخی عمل می‌کند که منجر به خلق اشکال خاص فضایی می‌شود. در کانون تجزیه و تحلیل هاروی یک توجه خاصی بر روی فضا و (زمان) صورت می‌گیرد (ژیلنیتس، ۱۳۹۴). بر اساس نظریات هاروی چشم‌اندازهای جغرافیایی که دارای سرمایه ثابت شده و بی‌تحرك باشد، هم یک تاج افتخار از توسعه سرمایه در گذشته است و هم یک زندان است که در آن از پیشرفت بیشتر انباشت سرمایه جلوگیری می‌کند، زیرا گسترش این چشم‌انداز با «تخریب موانع فضایی» متناقض است و در نهایت حتی موجب «نابودی فضا به وسیله زمان است» (بلانت و ویلس، ۱۳۸۵: ۱۱۰). بنابراین شیوه تولید سرمایه داری به ناچار دارای توسعه نامتوازن است زیرا همیشه فرصت‌هایی برای افزایش انباشت از طریق استثمار بازارهای جدید، نیروی کار جدید، فن آوری‌های جدید و خطوط تجاری پر مزیت خواهد داشت. این همان بعد جغرافیایی انباشت سرمایه است که هاروی (۱۹۸۲) آن را تنگنای فضایی<sup>۱</sup> می‌نامد. به طوری که صاحبان سرمایه می‌توانند از نرخ‌های پایین بازگشت سرمایه و حتی از بحران در کی قسمت از جهان، به وسیله سرمایه‌گذاری مجدد سرمایه خود را در جای دیگر به کار بگیرند. به علاوه، این بعد جغرافیایی برای تکامل بیشتر جامعه سرمایه داری جنبه اساسی دارد و راه‌ها را چنان تغییر می‌دهد که در آن‌ها تولید، مصرف و تبادل اتفاق می‌افتد. هاروی در تشخیص این «فضامندی»<sup>۲</sup> مفهوم ماتریالیستی تاریخی - جغرافیایی اهمیت فضا و زمان در تکامل سرمایه داری و روابط اجتماعی متضمن آن را به خوبی نشان می‌دهد. رزا لوکزامبورگ در قرائتش از تحلیل مارکس از سرمایه، یک فهم و ادراک از توسعه نامتوازن فضایی سرمایه داری را توسعه داد؛ با این استدلال که سرمایه داران تنها از طریق استثمار فضاهای غیر سرمایه داری می‌توانند میزان منافع شان را حفظ کنند (همان، ۱۱۰-۱۱۱). لوکزامبورگ در کتاب «انباشت سرمایه» استدلال می‌کند که تولید انبوه و صنایع ماشینی سنگین در اقتصادهای توسعه یافته اروپایی تنها با نفوذ در فضاهای غیرسرمایه داری برای یافتن بازار، کالا و نیروی کار، قادر به بقا بود (وی مثال‌هایی از کشورها و قاره‌هایی چون هندوستان، آمریکا، استرالیا، چین و آفریقا را مورد استفاده قرار می‌داد و در متن کتابش آورد بود). لوکزامبورگ اظهار می‌کرد که در فرآیند غلبه بر فضا، سه مرحله وجود دارد:

(۱) مبارزه علیه اقتصاد طبیعی<sup>۳</sup>؛

(۲) معرفی و ارائه اقتصاد کالایی<sup>۴</sup>؛

(۳) مبارزه علیه اقتصاد رعیتی<sup>۵</sup> (بلانت و ویلس، ۱۳۸۵: ۱۱۱).

رویکرد هاروی اساساً یک تحلیل مارکسیستی از نقش فضا در فرایندهای انباشت و گردش سرمایه، محیط اناسخت، مبارزه طبقاتی و آنچه در معانی و ارزش‌ها آشکارند به علاوه آرایش فضایی، سازماندهی و فرم چشم‌انداز شهری است. چنین رویکردی سعی در لحاظ کردن ابعاد فضایی تحلیل مارکس از سرمایه‌داری به عنوان یک شیوه تولید دارد و در آن به محیط مصنوع شهر به مثابه نیازهای سرمایه جهت تولید و بازتولید توان نیروی کار نگریسته می‌شود. همان‌طور که اسمیت بیان می‌کند، جهت‌گیری نظری هاروی در سرتاسر کارش ریشه در این نظریه مارکسیستی دارد که:

«تلاش برای تبیین ساختار خاص اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه در یک دوره معین نه به عنوان نتیجه‌ای از نیروهای ظاهراً کلی (برای مثال ماهیت انسان) بلکه همچون نتیجه‌ای از فرایندهای تاریخی خاص و مشروط است. این درست است که رقابت و بازار، رشد اقتصادی و انگیزه کسب سود به لحاظ تاریخی مشروط هستند اما شکلی که آن‌ها جهت تغییر برمی‌گزینند و توسعه می‌دهند در درون خود تاریخ سرمایه‌داری انجام می‌گیرد. قدرت بیشتر نظریه مارکسیستی به علت دیدگاه ارتباطی آن است که با جامعه سرمایه‌داری به عنوان یک کلیت (اگر نه همواره) منسجم رفتار می‌کند، تا اینکه آن را در قالب انباشتی از قطعات در نظر بگیرد». در اصل هاروی تلاش می‌کند تا یک اقتصاد سیاسی فضا تحت سرمایه‌داری را ارائه نماید که دارای بینشهای مهمی برای تحلیل، مکان‌یابی و توزیع فضاهای خاص در یک دوره خاص (سرمایه‌داری صنعتی) و ظهور تسلط شکلی از سازماندهی و اداره فضایی (شهرنشینی) است و به آن به عنوان ابزاری در جهت تحلیل و تولید محیط‌های شهری در قالب یک چشم‌انداز اجتماعی می‌نگرد (ژیلنیتس، ۱۳۹۴: ۱۱۵).

### 1. Spatial Fix 2. Spatiality

۳. اقتصاد طبیعی، اقتصادی است که در سرآغاز تکامل روابط اقتصادی، تولید در مراحل نخستین و بسنده بر منابع طبیعی بودند، سوداگری هنوز شکل نگرفته بود، با مبادله جنس به جنس رفع نیاز می‌شد. در این مرحله، ارزش و پول هنوز مطرح نشده بود.

۴. در اقتصاد کالایی، هدف تولید و تبدیل ارزش‌ها اضافی به کالا است. در این اقتصاد، دستیابی بر منابع مواد اولیه و تولید کالا در چرخه واردات مواد اولیه و صادرات تولید شده از همان مواد اولیه از اهداف این نوع اقتصاد است.

۵. اقتصاد رعیتی، این نوع اقتصاد با کشاورزی متفاوت است، و نوعی بهره‌برداری از منابع آب خاک بر مبنای سهم بری از محصول بین مالک و زارع است.

## ۹-۱- دیالکتیک فضا

در طول تاریخ اندیشه فلسفی اهمیت مفهوم دیالکتیک<sup>۱</sup>، در توانایی آن در حل تناقضات و تضادهایی بوده که ذهن انسان هنگام تبیین عالم با آن‌ها برخورد می‌کرده است. این تضادها از زمان پارمنیدس آغاز شد؛ از هنگامی که او هستی را اصل لا یتغیری شمرد که یکی است و همواره ثابت است، به عبارتی هست یا هستنده که مغز و هسته اساسی فلسفه وی به شمار می‌رود (خراسانی، ۱۳۷۰: ۲۸۰). این اولین تناقضی است که اندیشه بشر با آن روبه‌رو شد، که علی‌رغم دیدن تغییرات در عالم بیرون، هستی را ثابت در نظر آورد (جوان، دلیل و سلمانی مقدم، ۲۰۱۳: ۹۲). افلاطون برای دیالکتیک، ارزشی هستی‌شناسانه قائل بود. فلسفه برای افلاطون همان دیالکتیک و ذات دیالکتیک همان حرکت است. از این‌رو در طبیعت دیالکتیک است که هرگونه سیستم بسته اندیشه را درهم شکند و می‌توان همین امر را در رساله پارمنیدس افلاطون مشاهده کرد. افلاطون در ابتدا به نظریه صور خود نقد وارد می‌کند و بعد اهم توجه خود را بر دیالکتیک می‌نهد. دیالکتیک برای افلاطون خود اندیشیدن است. دیالکتیک، حرکت اندیشه؛ از سطح به ژرفا، از نموده‌ها به اصل و سرچشمه است (Smith, 2009:138). دیالکتیک، در مفهوم امروزی، معنای خاص خود را دارد. صرف نظر از تطورات این مفهوم در طول تاریخ فلسفه، هسته هستی‌شناسانه آن را می‌توان در چهار مورد زیر خلاصه نمود:

- ۱) جهان آمیزه‌ای منفصل از اشیای جدا افتاده از هم نیست؛ بلکه، یک کل هم بسته است. لذا، به طور منطقی اشیاء از درون به هم وابسته هستند؛
- ۲) طبیعت (جهان طبیعی و کیهان) پیوسته در حال حرکت است؛
- ۳) توسعه (واقعۀ‌ای که منجر به رشد و نمود شود) فرآیندی است که از طریق آن تغییرات کوچک و نامحسوس منجر به تغییرات کیفی بنیادین می‌شود. تغییرات کیفی آرام و تدریجی نیست؛ بلکه، سریع و ناگهانی می‌باشد و به صورت یک جهش از یک وضع به وضع دیگر رخ می‌دهد؛
- ۴) تمام اشیاء درون خود دارای تضادهای دیالکتیکی ذاتی هستند. همین امر اولین عامل حرکت، تغییر و توسعه در جهان می‌باشد.

به این ترتیب دیالکتیک با دو مفهوم اساسی روبه‌رو است: حرکت و تضاد.

- ۱) حرکت: وجود تضاد به طور حتم ختم به حرکت می‌شود. زیرا، غیرممکن خواهد بود که دو عنصر متضاد در کنار هم نسبت به هم بی‌تفاوت باشند. به این ترتیب تضاد خود به خود ختم به کنش و واکنش می‌شود. این کنش و واکنش، بنیاد ثانوی دیالکتیک را برمی‌سازد؛ که همان حرکت می‌باشد. جهان هم زمان مجموعه‌ای از اشیاء و چرخه‌های گردباد گون و درهم‌پیچیده فرآیندهاست؛ تا جایی که اشیاء، روابط دینامیک را جسمیت و بروز می‌دهند، و از طریق آن، ظاهر بیرونی که به نظر ما می‌آید، وارد هستی می‌شود. خلاصه این که دیالکتیک رابطه، تغییر، گشودگی، حرکت و فرآیند را بر بسته بودن، ایستایی، مشروطیت و پایداری ترجیح می‌دهد (Swyngedouw, 2009:137-142).

- ۲) تضاد: هر سیستم و هر نظام ضد خود را تولید می‌کند. در طبیعت تضاد دارای بروز بسیار مشهودی است. وجود گونه‌های جدید، تغییر در گونه‌ها، تغییرات، وجود اعداد در طبیعت، حرکت اتم‌ها، انقلاب‌های زیستی و زمین‌شناختی، خاصیت موجی - ذره ای ذرات زیر اتمی، دینامیک عمل و عکس‌العمل، همگی نمونه‌هایی از تغییرات دیالکتیکی در طبیعت هستند (Swyngedouw, 2009:137-142).

تضاد دیالکتیک بر مبنای نوعی نگرش خاص به پدیده‌های جهان هستی بنا شده است به این معنی که هر پدیده ضد خود را در درون خود می‌پروراند. زیرا در هر پدیده دو عامل وجود دارد:

- ۱) تز<sup>۲</sup> یا نهاده، وضع هر پدیده است و حاکی از نیرویی است که وضع موجود هر پدیده را حفظ می‌کند.
- ۲) آنتی تز<sup>۳</sup> یا برابر نهاده، وضع مقابل است که از درون هر پدیده در جهت تغییر وضع آن عمل می‌کند و با وضع موجود آن در نزاع و جدال است.

ادامه این درگیری و جدال در نهایت به پیروزی آنتی تز بر تز منتهی می‌شود و در نتیجه سنتز<sup>۴</sup> یا همنهاد به وجود می‌آید که وضع جدید است و خود دارای تز و آنتی تز و محکوم به همان سیر جدالی قبلی است.

مارکس قانونمندی درونی تکامل اقتصادی را در دیالکتیک می‌بیند و از آن جا که شرایط ابزار مادی تولید و به تعبیری اقتصاد زیربنا و منشأ کلیه تحولات جهان بشری معرفی شده است، بنابراین در اصل تضاد دیالکتیک قانونمندی کلیه حوادث و تحولات جهان بشری نیز نهفته است. براساس قانون تکامل دیالکتیکی، نظام اقتصاد سرمایه داری از یک تضاد درونی برخوردار است که

1. Dialekein  
2. These  
3. Anty These  
4. Synthese

زمینه انهدام خود به خودی این نظام را فراهم می سازد. افزایش انباشتگی سرمایه که به دنبال ماشینی شدن تولید صورت می گیرد، افزایش انباشتگی فقر عمومی کارگران را به دنبال دارد. تضاد طبقه کارگر با کارفرما نیز به همین طریق تشدید می شود. نظام اقتصاد سوسیالیستی ستر نظام اقتصاد سرمایه داری است که محصول تضاد درونی این نظام بوده و از بطن آن به وجود می آید (نمازی، ۱۳۸۹: ۸۵-۸۶).

## ۱-۹-۱- دیالکتیک لوفور از فضا

لوفور به عنوان یک فیلسوف و پدر دیالکتیک فرانسه، در مفهوم پردازی خاص خود از دیالکتیک بسیار متأثر از هگل و مارکس است. فهم دقیق دیالکتیک لوفوری هنگامی میسر می شود؛ که بتوان نظریه وی درباره تولید فضا یا دیالکتیک فضا را به خوبی فهمید. زیرا که، کاربرد انضمامی لوفور از منطق دیالکتیک در نظریه تولید فضا، بسیار مشهود است. فضا در نزد لوفور یک محصول اجتماعی است. به این معنا که در تولید آن، مجموعه هستی های اجتماعی افراد در کنش متقابلی که با یکدیگر برقرار می کنند؛ سبب می شوند که فضا شکل گیرد. به این ترتیب صرف اندیشه شهرساز یا برنامه ریز شهری باعث تولید فضا نمی شود. به عبارتی همان تضادهایی که برای یک محصول وجود دارد، بر فضا نیز مترتب است با این تفاوت که فضا در باز تولید شرایط موجود به نحو مؤثری تأثیرگذار است. لوفور با این پرسش اساسی همواره روبه رو بود که فضا چیست، آیا فضا یک بستر صرف انتزاعی است، یا این که ناشی از روابط انسان ها در محیطی که در آن زندگی می کنند، می باشد؟ آیا فضا مفهومی کلی است که به نحوی بی واسطه بین افراد برقرار است یا این که از طریق واسطه هایی بر افراد از طریق نظام های قدرت اعمال می شود؟ لوفور نظریه تولید فضای خود را در تقابل با فضای انتزاعی و مطلق دکارتی بنیان نهاد. دکارت در واقع فضا را فقط درون سیستم مختصات خود تعریف می نمود. او برای هر نقطه روی سیستم مختصات خود عرض، طول و ارتفاع تعریف می کند. حال آن که تمام بحث لوفور در این است که، فضا یک محصول اجتماعی است. فضا ناشی از روابط انسان ها باهم است. به این ترتیب فضای اجتماعی را بر روی محور مختصات و شبکه های شطرنجی هندسی مورد نظر دکارت نمی توان نشان داد. از سوی دیگر صفت اجتماعی فضا از نظر لوفور واجد پیامدهایی نظیر روابط متقابل یا یک سویه قدرت و روابط اقتصادی است، که از نظر لوفور حتی این موارد را نیز نمی توان بر روی محور مختصات دکارتی نشان داد. در نظر لوفور انسان پیش از آن که در محیط مصنوع (محیط ثانویه) و غیرطبیعی باشد؛ در یک محیط طبیعی و دست نخورده قرار دارد. طبیعت جاندار است و انسان برای رسیدن به خواسته های خود باید در آن تغییراتی ایجاد کند. از تغییراتی که انسان - به عنوان یک هستی اجتماعی - بر طبیعت اعمال می کند، فضای اجتماعی تولید می شود. این فضا در واقع دوباره همان شرایط پیشینی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی حاکم را بازتولید می کند. لوفور به این ترتیب فضای اجتماعی را واجد ویژگی های زیر می داند:

(۱) فضای اجتماعی، فضای تولید شده را در برمی گیرد؛

(۲) فضای اجتماعی روابطی را که میان سوژه های اجتماعی وجود دارد، در برمی گیرد.

مقوله انسان به عنوان یک سوژه تنها در رابطه با سایر سوژه ها نیست. از نظر لوفور سوژه اجتماعی دوران مدرن دچار بحران شده است. به این ترتیب فضای اجتماعی نیز این سوژه را به عنوان کنش گر اقتصادی و مفعول و فاعل سیاسی و ابزار تحت تسلط قدرت، مورد تأثیر قرار می دهد. در نتیجه لوفور با در نظر گرفتن هستی اجتماعی - فضایی انسان، یک هستی شناسی جغرافیایی - فضایی از انسان ارائه می دهد:

(۱) مسأله روابط درون فضا (اعم از روابط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی) شامل همبودگی و هم زمانی است. به این معنا که این روابط دارای نظم نسبی یا بی نظمی نسبی است. در چنین سازمانی به سبب روابط فضای اجتماعی و روابط درون آن تبدیل به مسأله می شوند؛

(۲) دقیقه دیالکتیکی درون فضا به این معناست که روابط به نفی یکدیگر می پردازند به طور کلی نفی در دیالکتیک لوفور از مفهوم نفی در دیالکتیک هگلی گرفته شده است و نفی نقطه آغاز دیالکتیک است؛

(۳) دیالکتیک فضا در نزد لوفور نقطه ای است که نیروها درون آن به نفی یکدیگر می پردازند تا روال های فضایی را از آن خود کنند؛

(۴) به عنوان نتیجه می توان گفت که فضای اجتماعی برون داد توالی زنجیره و مجموعه ای از عملیات است و نمی توان فضا را به درجه یک شیء ساده تنزل داد.

لوفور همواره هنگام پرداختن به دیالکتیک به سه حد می پرداخت. او دو حد مارکس را که در دیالکتیک اجتماعی خود پروتاربا و بورژوازی بود با بعد سوم کامل نمود. در واقع حد سوم در دو حد دیگر وجود دارد و سه حد پیوسته در حرکت هستند. حد سوم، در واقعی دقیقه ای از این حرکت است. در این بستر دیالکتیک، دیگر تر و آنتی و سنتر و همچنین، تأیید و نفی و نفی نیست؛ بلکه، دیالکتیک ابزار تحلیل شدن به دست می دهد. در واقع آن ها سه شان هستند، دولت، ملت و طبقات (جوان، دلیل و سلمانی مقدم،

۱۳۹۲:۲). دیالکتیک، در مفهوم امروزی، معنای خاص خود را دارد. صرف نظر از تطورات این مفهوم در طول تاریخ فلسفه، هسته هستی‌شناسانه آن را می‌توان در چهار مورد زیر خلاصه نمود:

۱) جهان آمیزه‌ای منفصل از اشیای جدا افتاده از هم نیست؛ بلکه، یک کل همبسته است. لذا، به طور منطقی اشیاء از درون به هم وابسته هستند؛

۲) طبیعت (جهان طبیعی و کیهان) پیوسته در حال حرکت است؛

۳) توسعه<sup>۱</sup> (واقع‌های که منجر به رشد و نمود شود) فرآیندی است که از طریق آن تغییرات کوچک و نامحسوس منجر به تغییرات کیفی بنیادین می‌شود. تغییرات کیفی آرام و تدریجی نیست؛ بلکه، سریع و ناگهانی می‌باشد و به صورت یک جهش از یک وضع به وضع دیگر رخ می‌دهد.

۴) تمام اشیای درون خود دارای تضادهای دیالکتیکی ذاتی هستند. همین امر اولین عامل حرکت، تغییر و توسعه در جهان می‌باشد (جوان و همکاران، ۱۳۹۲: ۲-۳).

در نظر لوفور انسان پیش از آن که در محیط مصنوع (محیط ثانویه) و غیرطبیعی باشد؛ در یک محیط طبیعی و دست نخورده قرار دارد. طبیعت جاندار است و انسان برای رسیدن به خواسته‌های خود باید در آن تغییراتی ایجاد کند. از تغییراتی که انسان - به عنوان یک هستی اجتماعی - بر طبیعت اعمال می‌کند، فضای اجتماعی تولید می‌شود. این فضا در واقع دوباره همان شرایط پیشینی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی حاکم را باز تولید می‌کند. لوفور به این ترتیب فضای اجتماعی را واجد ویژگی‌های زیر می‌داند:

۱) فضای اجتماعی، فضای تولید شده را در برمی‌گیرد؛

۲) فضای اجتماعی روابطی را که میان سوژه‌های اجتماعی وجود دارد، در بر می‌گیرد.

مقوله انسان به عنوان یک سوژه تنها در رابطه با سایر سوژه‌ها نیست. از نظر لوفور سوژه اجتماعی دوران مدرن دچار بحران شده است. به این ترتیب فضای اجتماعی نیز این سوژه را به عنوان کنش‌گر اقتصادی و مفعول و فاعل سیاسی و ابژه تحت تسلط قدرت، مورد تأثیر قرار می‌دهد. در نتیجه لوفور با در نظر گرفتن هستی اجتماعی - فضایی انسان، یک هستی‌شناسی جغرافیایی فضایی از انسان ارائه می‌دهد.

۱) مسأله روابط درون فضا (اعم از روابط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی) شامل همبودگی و همزمانی است. به این معنا که این روابط دارای نظم نسبی یا بی‌نظمی نسبی است. در چنین سازمانی به سبب روابط فضای اجتماعی و روابط درون آن تبدیل به مسأله می‌شوند.

۲) دقیقه دیالکتیکی درون فضا به این معناست که روابط به نفی یکدیگر می‌پردازند. به طور کلی نفی در دیالکتیک لوفور از مفهوم نفی در دیالکتیک هگلی گرفته شده است و نفی نقطه آغاز دیالکتیک است.

۳) دیالکتیک فضا در نزد لوفور نقطه‌ای است که نیروها درون آن به نفی یکدیگر می‌پردازند تا روال‌های فضایی را از آن خود کنند.

۴) به عنوان نتیجه می‌توان گفت که فضای اجتماعی برون داد توالی زنجیره و مجموعه‌ای از عملیات است و نمی‌توان فضا را به درجه یک شی ساده تنزل داد.

## ۱-۹-۲- مفهوم تر بالکتیک فضا

لوفور پیش از هر چیز یک فیلسوف مارکسیست است. دغدغه اساسی وی حل چرایی باقی ماندن نظام سرمایه‌داری به شکل کنونی آن است. لوفور با تحلیل‌های متنوع خود به دنبال نشان دادن اهمیت کارکرد فضا، در باقی ماندن نظام سرمایه‌داری و همچنین اهمیت فضا در مبارزات طبقاتی است، از همین رو وی به تولید فضا بسیار اهمیت می‌دهد. لوفور فضا را برای خود همچون بت نمی‌کند. اما، اهمیت آن را نیز فراموش نمی‌کند. وی می‌داند که فضا یک انتزاع انضمامی است که در آن روابط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی سرمایه‌دارانه در بین توده‌ها پخش می‌شود. او می‌داند که همین فضا است که شکل متبلور شده روابط اجتماعی و طبقاتی است و تحلیل آن به خوبی به سمت روابط تولید رهنمون می‌شود. لوفور طی مطالعات گسترده خود، با نظمی خاص از مفاهیم انتزاعی آغاز و سرانجام به تجربه زیسته در فضا می‌رسد و تأثیرات دولت و همچنین علل توجه سرمایه‌داری به فضا در سطح ملی و فراملی را برمی‌شمارد. باید توجه داشت که آنچه پیش از این، در بخش‌های قبلی این فصل، از مفاهیم مرتبط با فضا گفته شد واجد نوعی ارتباط با مفهوم سازی لوفور از فضا است. اما، پیش از هرگونه بحث باید علت روی آوردن لوفور به فضا را بررسی نمود.

لوفور در رابطه با فضا و زمان، موضعی ضدکانتی اتخاذ کرد. به این معنا که فضا و زمان دیگر مقولات تجربه نیستند. بلکه، به خودی خود می‌توانند تجربه شوند و به طور مستقیم به شرایط تاریخی موجود مرتبط هستند. لوفور شیوه تولید را به طور مستقیم با

شرایط تاریخی، مرتبط می‌داند. یعنی، آن گونه که فضا تحت شرایط تاریخی تولید، تولید و بازتولید می‌شود؛ وی برای این مقصود دو رویکرد اساسی را اتخاذ می‌کند:

۱) لوفور فضا را در کنار زمان در ملاحظات نظریه اجتماعی قرار داد. او برای اینکار تپه بودگی ظرف‌های تجربی کانتی (فضا و زمان به عنوان مقولات پیشینی صرف کانتی) را تصحیح می‌کند. او با طرح این موضوع که مفهوم فضا به عنوان مقوله‌ای که نه تنها استعلایی صرف نیست؛ بلکه، مقوله ایست که در جهان انضمامی واجد تطورات خاص خود است، و با سوژه اجتماعی رابطه مستقیم دارد، به تصحیح مفهوم کانتی فضا به عنوان یک ظرف پیشینی پرداخت.

۲) لوفور با تحلیل فضا به دنبال یک رویکرد انتقادی جدید از جهان مدرن بود. این مهم از طریق تحلیل چگونگی تولید فضا و تجربه آن نایل می‌شوند. به این ترتیب می‌توان دو شکل کلی برای تولید فضا قایل شد، یکی به عنوان ریختار اجتماعی (شیوه تولید) و دیگری به عنوان ساخت ذهنی (ادراک کلی).

در رویکرد لوفور به فضا، گردش (کالا، سرمایه، اندیشه، و...) در فضا و زمان ادامه می‌یابد. فضا به لحاظ اقتصادی در فراهم کردن، ورود محصول به بازار یک شرط محسوب می‌شود. همین امر سبب می‌شود که خود فضا نیز بازتولید شود. این امر در مفهوم هگلی آن یک دقیقه برای فضا محسوب می‌شود. فضا به عنوان یک شأن در گردش تا جایی که بسط بازار و مبادله پذیری محصول به آن وابسته است، اهمیت دارد. لوفور درباره رویکرد مارکس به فضا معتقد بود که فضا خودش را به مارکس فقط به عنوان جمع مکان‌های تولید، که جایگاه یا قلمرو مراحل مختلف تولید بودند، عرضه کرده بود. با اینکه فضا در کاپیتال تحلیل نشده بود؛ اما، مفاهیم معینی نظیر ارزش مبادله و ارزش مصرف، امروزه در فضا اعمال می‌شوند، به این معنا که اقتصاد سیاسی، مبدل به اقتصاد سیاسی فضا شده است. لوفور فضای هندسی را به عنوان انتزاع کننده، توصیف می‌کند و آن را به زمان ساعتی در انتزاع خود از امر انضمامی تشبیه می‌کند لوفور در بررسی‌هایی درباره دکارت، بیان می‌کند، که وی با استفاده از سیستم مختصات مستطیلی (طول و عرض) بر روی ریاضیاتی کردن طبیعت کار می‌کند. دوئالیته دکارت که پیش از این به آن اشاره شد (تعیین جوهر جداگانه برای امر مادی و امر روحانی) در واقع به این معنا است که تعیین بینادی هستی‌شناسانه از جوهر یا هستی ماده در سه بعد بسط یافته است. دکارت با این عمل خود هندسه، فیزیک و حتی فیزیولوژی را به ساز و کاری هندسی و محاسبه‌پذیر و کمی و عددی تقلیل می‌دهد. در نظر لوفور فضا دارای ابعاد است. اما، آن ابعاد چپ، راست، بالا و پایین هستند. این بالا و پایین می‌تواند هم نسبت مهری و کهری داشته باشند و هم از لحاظ ارتفاعی باشند. به این معنا که شاخص ارتفاع در عناصر مصنوع درون فضا، خود نشان‌دهنده برتری آن عنصر نسبت به سایر آن عناصر است. به عبارتی برتری یک عنصر درون فضا ناشی از ایدئولوژی است. در نتیجه تحلیل فضاها خود به خود ختم به تحلیل ایدئولوژی و گشودن پیچیدگی و رموز آن می‌شود. از نظر لوفور ریتم بدن‌ها و حرکت آن در این ابعاد رخ می‌دهد. در دریافت حسی ما از فضاست که فضا جسیم، مادی و فیزیکی می‌شود. در واقع همین امر، نقطه عزیمت بدن و بودگاه مقاومت درون گفتمان قدرت در فضا است. از نظر لوفور فضای انتزاعی ناتمند<sup>۱</sup>، جنبه دیگر، از خودبیگانگی است. فضا در این وضع بودگاه تکنوکرات‌هاست؛ که از آن برای بهره‌های آینده خود، استفاده می‌کنند. تکنوکرات‌ها - که لوفور اندیشه آن‌ها را حاکم بر عملکرد آن‌ها در شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری می‌داند - به دنبال هندسی کردن فضا هستند؛ تا بتوانند آن را روی محور مختصات نمایش دهند و آرایش آن را در جهت اهداف خود تعیین کنند. کل این فرآیند مستلزم انتزاعی کردن فضا است، و از نظر لوفور این روال، به از خود بیگانگی نسبت به فضا ختم می‌شود (جوان و همکاران، ۱۳۹۲: ۸)

### ۱-۹-۳- اقسام سه گانه فضای لوفور

لوفور در کتاب «تولید فضا» رویکردی مارکسیستی برای درک روابط میان جامعه و فضا با مشخص و طراحی کرد او به ویژه یک تثلیث ادراکی را برای مشخص کردن راه‌ها و فرآیندهای مختلفی که از طریق آن‌ها فضا پیوسته تولید می‌شود، توسعه داد. فضای پنداری، فضای ادراکی و فضای زیستی. لوفور میان فضاوندی هر یک فرق قایل شد و بر روی رویه‌های فضایی، نمایش فضا و فضاهای نمایشی به شیوه زیر تأکید می‌کرد:

۱) رویه فضایی<sup>۲</sup> که تولید و مکان‌های خاص و خصیصه مجموعه‌های فضایی هر یک از صورت بندی‌های اجتماعی را شامل می‌شود. رویه فضایی متضمن تداوم و درجاتی از پیوستگی است. این پیوستگی برحسب فضایی اجتماعی و ارتباط هر عضو یک جامعه مفروض با فضا، بر یک سطح تضمین شده از صلاحیت و شایستگی و یک سطح خاص از اجرا دلالت ضمنی دارد. مقرها، حوزه‌ها و محیط‌هایی که از طریق آن‌ها زندگی اجتماعی تولید<sup>۳</sup> و بازتولید<sup>۱</sup> می‌شود (بلانت و ویلس، ۱۳۸۵: ۱۴۴).

1. Incorporeal  
2. Spatial Practice

۳. تولید، Production نتیجه و برآمد فعالیت اقتصادی انسان در زمینه‌های تولید کالا، خدمات برای گذران نیازهای مردم است، تولید، کار با ارزش تلقی می‌شود و درآمد کشورها بر پایه تولید محاسبه می‌شود.

۲) بازنمایی فضا<sup>۲</sup> که به روابط تولید و به «نظامی» که آن روابط را تحمیل کرده است و از این رو به دانش، علائم، رمزها (کدها) و روابط ظاهری<sup>۳</sup> گره خورده است. (فضای دانشمندان، برنامه ریزان، شهرشناسان، زیرمجموعه فن سالار و مهندسان اجتماعی). راهی که در آن قدرت، دانش و فضاوندی قدرتمند، در فضا نقش می بندد (همان، ۱۴۵).

۳) فضاهای نمایشی یا فضاهای نمایش، تجسم ترکیبی از نمادها، گاهی اوقات رمزی شده، گاهی اوقات هیچ، مرتبط با زندگی اجتماعی مخفی و یا زیرزمینی و همچنین با هنر (که عاقبت ممکن است کمتر به صورت رمز (کد) فضا، بلکه بیشتر به صورت رمز (کد) فضای نمایشی درآید).

الف) کنش‌های فضایی<sup>۴</sup>: کنش‌های فضایی به جریان‌های فیزیکی و مادی (افراد، گروه‌ها یا کالاها)، چرخه‌ها، جابه‌جایی‌ها و روابط متقابل برمی‌گردد که در - و - از طریق فضا رخ می‌دهد، و به شیوه‌ای ساخت می‌یابد تا این اطمینان فراهم گردد که زندگی اجتماعی همچنان تولید و باز تولید می‌شود. این بدان معناست که مکان‌های ویژه و ترکیب‌ها یا صورت بندی‌های فضایی یک امر ضروری و مناسب سازمان‌دهی یا ساختار بندی روابط اجتماعی است (ژیلنیتس، ۱۳۹۴: ۸۸). کنش فضایی عبارت است از تجربه‌ی گردش کالاها، مردم، پول، نیروی کار، اطلاعات و... که مالکیت، کاربری زمین و تخصیص زمین را در درون سلسله مراتبی از تقسیمات اجرایی و سازمانی فضا، همراه با عنصری ذاتی از کنترل اجتماعی (پلیسی کردن و مراقبت) پیوند می‌زند. «کنش‌های فضایی، زندگی روزمره و یک واقعیت شهری گسترده‌تر را می‌سازد و بانجام چنین کاری، پیوستگی اجتماعی، تداوم و قابلیت فضایی خاصی را تضمین می‌کند». بنابراین، جهت وضوح مفهومی در بحث‌های بعدی عناصر «ضروری» مورد نظر لوفور، شاید بهتر باشد که به این عامل / تجربه از فضا به مثابه «تولید» بنگریم (همان، ۸۹).

ب) بازنمایی‌های فضا<sup>۵</sup>: بازنمایی‌های فضا، همان فضای مسلط و حاکم بر جامعه است که «با روابط تولید و به «نظمی» که آن روابط تحمیل می‌کند و از این رو به دانش، نشانه‌ها و رمزگان‌ها و روابط «روبه‌رو» پیوند خورده است. این همچنین ممکن است به مثابه گفتمان‌های در باب فضا، رژیم‌های تحلیل و آن‌هایی نگریسته شود که شیلدز آن را به عنوان «منطق و فرم‌های دانش، محتوای ایدئولوژیکی رمزگان‌ها، نظریه‌ها و نمایش مفهومی از فضا تعریف می‌کند که با روابط تولید در پیوند قرار دارد». برای لوفور بازنمایی‌های فضا. «فضای مفهوم‌پردازی شده، فضای دانشمندان، برنامه‌ریزان، شهرشناسان، تکنوکرات‌ها و مهندسان اجتماعی و نوع خاصی از هنرمندان با یک پایه علمی - و همه آن کسانی است که به شناسایی و معرفی آنچه زنده است و آنچه تصور و درک می‌شود می‌پردازند... این فضای مسلط هر جامعه‌ای (یا شیوه‌ی تولید) است.

ج) فضاهای بازنمایی<sup>۶</sup>: «فضاهای بازنمایی» را می‌توان به مثابه گفتمان‌هایی بر روی فضا توصیف نمود که شامل؛ «نوآوری-های ذهنی و خیالی (رمزگان‌ها، نشانه‌ها، «گفتمان‌های فضایی»، طرح‌های آرمان شهری، چشم‌اندازهای خیالی و حتی ساختمان-های مادی از قبیل فضاهای نمادین، محیط‌های ساخته شده‌ی خاص، نقاشی‌ها، موزه‌ها، و نظایر آن) هستند که معناها یا امکان-های جدیدی را برای کنش‌های فضایی به تصور درمی‌آورند». فضای بازنمایی، آن گونه که نیکلسون<sup>۷</sup> (۱۹۹۱) آن را ترجمه می‌کند؛ فضای زیستی<sup>۸</sup> بلافاصله، ای فضای زندگی روزمره است که در تقابل با سلطه فضای ادراکی، نظم یافته و تنظیم شده قدرت هژمونیک قرار دارد. بنابراین، می‌توان گفت فضاهای بازنمایی، اگرچه همراه با برخی استثنائات، تمایل به سیستم‌های کم و بیش منسجم از نمادها و نشانه‌های غیرکلامی دارد». از این رو، فضاهای بازنمایی، فضاهای زندگی روزمره هستند؛ جایی که مجموعه پیچیده‌ای از عوامل دوگانه و کنش‌های متقابل ذهنی و اجتماعی وجود دارد. به عنوان مثال، جذب/ دفع، خواستن/ انکار، ترس/ میل، آشنایی/ ناآشنایی، باز/ بسته، عمومی/ خصوصی از جمله چنین مواردی هستند (ژیلنیتس، ۱۳۹۴: ۹۰).

## ۱-۱۰- عدالت اجتماعی و فضا

عدالت همیشه از مهم‌ترین دغدغه‌ها و از والاترین آرمان‌های انسان بوده است و به لحاظ نظری از مباحث مهم علوم اجتماعی و اقتصادی محسوب می‌شود (لشکری، ۱۳۸۸: ۳۲). در جغرافیای انسانی و جغرافیای شهری، نقش اول به عدالت اجتماعی و رفاه اجتماعی داده شد و جغرافیای انسانی، تنها در راه بهبود بخشیدن به محیط زندگی انسان و تأمین رفاه اجتماعی او اعتبار علمی یافت (وارثی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۴۲). از طرفی، بخش مهمی از علم بدیع توسعه پایدار بر اهمیت برابری اجتماعی یا عدالت اجتماعی تأکید دارد. به اعتقاد آگیی من و ایوانز (۱۹۹۴)، در واقع، تمامی تعابیر پایداری بر اصل برابری دلالت دارند (Burton, 2001:1)؛ از

۱. بازتولید ReProduction به مفهوم نگهداری و آماده سازی است، مانند شست و شو و آشپزی، پروراندن کودک که گرچه این فعالیت‌ها بایسته زندگی اند. اما ارزش آن‌ها نسبت به تولید کمتر است.

2. Representation of Space

3. Frontal

4. Spatial Practices (این عنصر معادل فضای مادی است (م))

5. Representations of space (این عنصر معادل فضای ادراکی است (م))

6. Spaces of repres (این عنصر معادل فضای زیستی است (م))

7. Nicholson

8. Lived Spaces

طرفی دیگر، موضوع «عدالت اجتماعی» یکی از مباحث بسیار مهم در مکتب انسان ساز اسلام می باشد، به گونه ای که خداوند متعال، هدف از بعثت انبیاء را اقامه قسط و عدل توسط مردم بیان می نماید (مرصومی، ۱۳۸۶: ۱۰۷). مفهوم عدالت اجتماعی در اصل، آنقدر فراگیر نیست که بتوان در قالب آن در مورد رفاه یک اجتماع داوری کرد. عدالت را به طور اساسی می توان به عنوان اصلی در نظر گرفت که برای حل و فصل دعاوی متضاد به وجود آمده است. عدالت اجتماعی نیز در واقع کاربرد این اصول خاص است (هاروی، ۱۳۷۹: ۴۲). در جهت رسیدن تمامی ساکنان شهرها به نیازهایشان به صورت یکسان، مبحث عدالت اجتماعی در فضای شهری به وجود می آید که بی توجهی به آن، تبعات بسیار ناگواری، همچون حاشیه نشینی و تراکم بیش از حد یک منطقه، توسعه یک جانبه شهرها، خالی از سکنه شدن برخی از محدوده های شهری، بورس بازی زمین و... را در پی خواهد داشت (کلانتري و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۴۴). توجه به عدالت اجتماعی تا اندازه ای در شهرها حائز اهمیت است که در هر یک از شاخص های تعیین کننده شهرهای سالم، بستر مطالعات و نقش کلیدی را ایفا می کند (شیخی، ۱۳۸۰: ۲۶). نابرابری و قشربندی اجتماعی در همه جوامع انسانی وجود دارد؛ اما شدت و ضعف آن در جوامع مختلف، به کم و کیف توسعه یافتگی جوامع وابسته است (چلی، ۱۳۷۵: ۷۶). نابرابری، یکی از جنبه های عمومی و همیشگی جوامع انسانی است؛ زیرا ساختار فضایی یک شهر، متشکل از اجزا و عناصری است که با یکدیگر در کنش متقابل هستند و ناپایداری هر کدام از این اجزا بر کل ساختار تأثیر خواهد گذاشت (ساج و وارد، ۱۳۸۰: ۹). بنابراین سازمان فضایی متعادل در شهرها، نوعی از پایداری شهری است و این پایداری، زمانی محقق خواهد شد که هماهنگی و سازگاری منطقی بین پراکنش جمعیت و توزیع خدمات در شهرها به وجود آید. توزیع خدمات در شهرها که نتیجه بارز جدایی گزینی بوم شناختی است بر توزیع فضایی جمعیت در مناطق و نواحی شهری تأثیرگذار بوده است (خوارزمی، ۱۳۸۷: ۲). در قرآن کریم به کرات از واژه عدالت استفاده شده است که نشان دهنده میزان اهمیتی است که خداوند برای امر عدالت به عنوان زیربنای تعالی جامعه و تضمین کننده سعادت انسان قائل شده است (شریفی، ۱۳۸۵: ۱۱). به این ترتیب نظم نمادین فضاهای شهری، شیوه های اندیشه و عمل را که الگوهای موجود زندگی اجتماعی هستند بر ما تحمیل می کنند. مطالعه ی سلسله مراتب فضا مندی های در فرم شهری کمک می کند تا بدانیم چگونه فردباوری، مناسبات طبقاتی، تعهدات همبندی و خانوادگی و اقدامات دولت در می آمیزند. شهری شدن سرمایه به واسطه ی قدرتش در خلق فضا، معنای ضمنی پیدا می کند و آگاهی شهری شده را به دنبال خود می کشد. شماری از نیروهای مزاحم در برابر این نظام سرکوبگر در باز تولید وضع موجود صف آرای می کنند. در گام نخست، انباشت سرمایه مستلزم باز شکل دهی دائم فضاهای شهری برای تناظر با الزامات رشد در تولید و مصرف، گسترش و دگرگونی بازارهای کار، زیر ساخت های فیزیکی، اجتماعی و تحمیل اشکال نوین فناوری است (هاروی، ۱۳۹۲: ۱۳۲).

## ۱۱-۱- بی عدالتی و فقر شهری

بی عدالتی نوعاً شهری است. فردریک انگلس<sup>۱</sup> تضاد بین ثروت و فقر در دهه ی ۱۸۵۰ را زمانی که او از شهرهای صنعتی انگلستان دیدن کرد را خاطرنشان می سازد و نویسندگان رمان های قرن نوزدهم مانند: چارلز دیکنز<sup>۲</sup> نیز در کتاب های دوره ی ویکتوریای شان<sup>۳</sup> مشاهدات مشابهی را بیان می نمایند. نخستین پژوهشگران مکتب شیکاگو مانند هاروی زوربا<sup>۴</sup> در دهه ی ۱۹۲۰ از این تمایزات با عنوان «ساحل طلایی و زاغه نشینی»<sup>۵</sup> یاد می کند (مدخل توسعه نامتوازن بحث انگلس و سایر آثار قبلی را بنگرید). در حقیقت، بی عدالتی در تفاوت های فضایی رفاه خلاصه می شود. ساکنان فقیر زاغه ها ممکن است با اوضاع موجود سر کنند، اما ممکن است در اکثر شهرها به مکان هایی بروند که ثروتمندترها زندگی می کنند و آن گاه این تضاد فوراً زنده می شود. فقر از نظر تشخیص، همانقدر که یک پدیده ی روستایی است یک پدیده ی شهر نیز هست (دینر و باد، ۱۳۹۳: ۹۱). فقر را می توان از زوایای مختلفی مورد بحث و بررسی قرار داد. به نظر دکتر عماد افروغ مطالعاتی که تا کنون در مورد فقر صورت گرفته است، بیشتر از زاویه نگرش اقتصادی بوده و معمولاً فرآیند یکنواختی را دنبال کرده است. از تعریف اقتصادی فقر شروع و شاخص هایی برای اندازه گیری فقر مطلق و فقر نسبی ارائه کرده است، خط فقر را در یک مقطع خاص تعیین و در نهایت تجزیه و تحلیل های بعدی اقتصادی صورت گرفته است. به ندرت می توان به یک تحلیل اجتماعی در زمینه ظهور و آثار فقر برخورد کرد. البته این بدان معنا نیست که بدون توجه به تعاریف و شاخص های اقتصادی در زمینه فقر، صرفاً با ملاک های ذهنی و نظری به تحلیل جامعه شناسی فقر بپردازیم، بلکه باید در زمینه فقر حداقل این دو زاویه نگرش (اقتصادی و اجتماعی) با همکاری و وام گیری از یکدیگر تحلیل جامع تری ارائه نمایند. برای نمونه، از زاویه نگرش اقتصادی ریشه فقر به عنوان یک پدیده اقتصادی در سطح کلان را بایستی در وضعیت دو متغیر سطح تولید سرانه ملی و میزان نابرابری در توزیع درآمد جستجو کرد. اما همان گونه که مشهود است جای تجزیه و تحلیل اجتماعی این دو متغیر کاملاً باز است. چون هنوز یک سؤال باقی است: چه عواملی اعم از اقتصادی و غیر اقتصادی در

1. Friedrich Engels
2. Charls Dickens
3. Victorian era
4. Harrey Zorbaugh
5. The Gold Coast and Slum

کاهش یا افزایش این دو متغیر سهم‌اند؟ ممکن است نگرش اقتصادی عوامل اقتصادی را ردیف کند اما هنوز سؤال عوامل غیراقتصادی به قوت خود باقی است که باید به نوبه خود به آن‌ها پرداخت به هر حال زاویه نگرش مطالب ذیل به فقر عمدتاً یک زاویه نگرش اجتماعی با روش‌ها و تأکیدات خاص خود می‌باشد (افروغ، ۱۳۷۶: ۲۳۰). برخی از دانشمندان فقر را در کنار محرومیت می‌آورند. تانزند متخصص اقتصاد جهان سوم معتقد است فقر و گرسنگی رهیافتی تحلیلی به سوی محرومیت به عنوان هسته اصلی تعریف فقر در پیش می‌گیرد (زاهدی مازندرانی و زاهدی عقبری، ۱۳۷۵: ۱۵). آمارتیا سن در مطالعات خود اشاره دارد که تمام تعاریف صورت گرفته در خصوص فقر به نوعی به محرومیت اشاره دارند. محرومیت خود یک مفهوم نسبی است که ممکن است در مکان‌ها و زمان‌های مختلف، متفاوت باشد (Sen, 1979: 21). براساس نظریات گیدنز فقر در نتیجه داشتن و نداشتن وسایل تولید است. معتقد است سرمایه‌داران قدرت بیشتری نسبت به کارگران دارند زیرا دارای حق مالکیت بر ابزار تولید را دارند در حالی که کارگران حق فروش نیروی کار خود را دارند (گیدنز، ۱۳۷۳: ۲۴۰). فرانک پارکین همانند وبر و گیدنز معتقد است مالکیت دارایی وسایل تولید شالوده اصلی ساخت طبقاتی را تشکیل می‌دهد. برخی دیگر از جامعه‌شناسان بر این باورند که فقر پدیده‌ای است اجتماعی و بسیاری از آسیب‌های اجتماعی به این پدیده برمی‌گردد و بسیاری دیگر از دانشمندان علوم اجتماعی و روان‌شناسی معتقدند که برای رفع یا کنترل بسیاری از معضلات اجتماعی لازم است که در درجه اول پدیده فقر را در یک جامعه کنترل و سپس به درمان مشکلات اجتماعی پرداخته شود. تانسن معتقد است: افراد، خانواده‌ها و گروه‌های جمعیتی را زمانی می‌توان فقیر به حساب آورد که با فقدان منابع برای کسب انواع رژیم‌های غذایی، مشارکت در فعالیت‌ها و شرایط و امکانات معمول زندگی، مواجه هستند (Townsend, 1985: 31). مارکس معتقد است: فقر نوعی استراتژی برای تأمین رفاه سرمایه‌داری است. ارنست انگل اقتصاددان آلمانی فقر را ناشی از نابرابری‌های ثروت و امکانات می‌داند: معتقد است با افزایش درآمد، سهم مخارج خوراکی مصرف‌کنندگان در بودجه کاهش می‌یابد. نظریه معروف او که به نام قانون انگل معروف است، بر این منطق استوار است که کثرت درآمدی تقاضای کالاهای خوراکی در بودجه خانوار به نسبت پایین است و بدین خاطر، با افزایش درآمد، مصرف کالاهای خوراکی به نسبت کم‌تری افزایش می‌یابد. نتیجه آن که هرچه درآمد خانوار افزایش نشان دهد، سهم مصرف کالاهای خوراکی در بودجه پایین می‌آید این بدان معناست که مصرف مواد غذایی هم پای درآمد افزایش نمی‌یابد. جغرافی‌دانان معتقدند هرچند نابرابری‌های جامعه ریشه در نابرابری توزیع سرمایه‌های مادی و اجتماعی دارد، اما نباید از نقش عوامل طبیعی در تشدید فقر و محرومیت‌ها چشم‌پوشی کرد که این عوامل بالقوه می‌توانند در تشدید فقر مؤثر باشند. عواملی مانند خشکسالی، گسترش کویرها، کمبود آب، خاک نامساعد و... همه این‌ها در شدت فقر مؤثر هستند. پس فقر یک پدیده چند بعدی است که با توجه به شرایط طبیعی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و موقعیت زمانی و مکانی هر کشور شامل ناکامی در رضایت‌مندی بر مبنای نیاز و کمبود دستیابی به منابع، تحصیلات، مهارت، سلامتی، تغذیه، پناهگاه و امکانات بهداشتی است که آسیب‌پذیری اجتماعی، خشونت و کمبود آزادی را در پی دارد (بهرامی، ۱۳۹۶: ۴). در میان جامعه‌شناسان سه مفهوم و تبیین از فقر وجود دارد. یک دسته معروف به چشم‌انداز فرهنگی، دسته دوم معروف به چشم‌انداز موقعیتی و دسته سوم که از سوی واکسمن<sup>۱</sup> ارائه شده است معروف به چشم‌انداز ربطی است (افروغ، ۱۳۷۶: ۲۳۰).

## ۲- جمع بندی و نتیجه گیری

با توجه به بررسی‌های به عمل آمده مشخص گردید که فضا مجموعه‌ای است از روابط میان اشیاء و آن‌گونه که ارسطو بیان داشته است - حتماً نمی‌بایست که از همه سمت محصور و همواره نهایی داشته باشد. از طرفی با ظهور دوره رنسانس، فضای سه بعدی به عنوان تابعی از پرسپکتیو خطی معرفی گردید که باعث تقویت برخی از مفاهیم فضایی قرون وسطی و حذف برخی دیگر شد. همچنین یکی از میراث‌های فلسفی و معروف دکارت که در شکل‌گیری علم فضا و یا جغرافیاگرایی و بعضی از مکاتب شهری تأثیر مهمی داشته است، دوآلیسم جوهری اوست. ولی از دید کانت، فضا و زمان، نه آن‌گونه که مطلق‌گرایان معتقدند وجودی جوهری دارند و نه آن‌گونه که ارسطو بدان باور داشت، وجودی بالعرض. فضا، معرفتی پیشینی است، مقوله‌ای ذهنی است که شناخت را امکان پذیر می‌سازد. فضا و زمان ابزاری برای دسته‌بندی پدیده‌هاست و کاملاً از قلمرو تجربه جداست. از همین روست که باید گفت فضای جغرافیایی به خلاف تلقی جغرافیای جبرگرا، کارمایه «محیط» نیست. پس در نتیجه برای آن نهایی وجود دارد و می‌توان گفت فضا مجموعه‌ای است از روابط میان اشیاء است. در این میان چیزی که مهم است توجه به مساله شهر است و باید گفت شهر، فرم فضایی مدرنیته است که از طریق آن زندگی مدرن تجربه می‌شود و تشخیص می‌یابد. پروژه هنری لوفور در زمینه‌ی «تولید فضا» که در نوع خود بی‌نظیر است، نتیجه یک فرایند طولانی بوده که در آن، تحلیل وی از جنبه‌های مختلف مدرنیته، منجر به اولویت دادن مجدد به فضا به عنوان یک اصل بنیادی در درک سرمایه‌داری می‌شود. تحلیل لوفور از فضا در زمینه کاری اش بر روی طبیعت، شهر، شهری و زندگی روزمره است. در واقع هدف نهایی لوفور این بود تا نشان دهد فضا اساساً یک امر سیاسی است. برای لوفور این نکته که «فضا و زمان به طور اجتناب‌ناپذیری در پیوند با فرایندهای تحت شیوه‌های تولید قرار دارد»، مهم است. تحلیل لوفور از تولید فضا بر روی اثر متقابل میان تجربه‌ی روزمرگی و کنش‌های متقابل در درون شیوه‌های



تاریخی تولید، خصوصاً سرمایه‌داری، همراه با توسعه‌ی فناوری‌ها و مفاهیم فضا (کنش‌های فضایی و بازنمایی‌های فضا) متمرکز می‌شود. لوفور معتقد است که هر نوع بازنمایی اگر به بازتولید روابط تولید، خواه مستقیم و خواه غیرمستقیم مرتبط باشد، امری ایدئولوژیکی است؛ بنابراین، ایدئولوژی از کنش جدایی‌ناپذیر است. لوفور برنامه‌ریزی را به مثابه‌ی بخشی از عمل سلطه‌گرانه‌ی قدرت و سیاست در، و، بر فضا توصیف می‌کند. در نهایت باید اینگونه بیان نمود که نابرابری و قشربندی اجتماعی در همه جوامع انسانی وجود دارد؛ اما شدت و ضعف آن در جوامع مختلف، به کم و کیف توسعه یافتگی جوامع وابسته است. نابرابری، یکی از جنبه‌های عمومی و همیشگی جوامع انسانی است؛ زیرا ساختار فضایی یک شهر، متشکل از اجزا و عناصری است که با یکدیگر در کنش متقابل هستند و ناپایداری هر کدام از این اجزا بر کل ساختار تأثیر خواهد گذاشت. بنابراین سازمان فضایی متعادل در شهرها، نوعی از پایداری شهری است و این پایداری، زمانی محقق خواهد شد که هماهنگی و سازگاری منطقی بین پراکنش جمعیت و توزیع خدمات در شهرها به وجود آید. لذا در می‌یابیم تا زمانیکه مفهوم فضا به درستی تبیین و تحلیل نشود نمی‌توان به درستی به عدالت فضایی و توسعه پایدار در سطح جوامع انسانی دست یافت.

## منابع

۱. افروغ، عماد (۱۳۷۴)، «فلسفی اندیشی فضایی»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۳۹، زمستان
۲. افروغ، عماد (۱۳۷۶)، «فضا و نابرابری اجتماعی: مطالعه جدایی‌گزینی فضایی و تمرکز فقر در محله‌های مسکونی تهران»، رساله دکتری رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
۳. افصحنی، فخری اعظم (۱۳۹۲)، «شرح جامع تحلیل فضاهای معماری و شهری»، انتشارات ارشد. چاپ اول.
۴. برلین، اشعیا و رول، اوتو و بلوم، لئون (۱۳۸۹)، «چنین گفت کارل مارکس»، ترجمه: ذبیح الله منصوری، انتشارات: نوبهار، چاپ: اول.
۵. بلانت، آلیسون و ویلس، جین (۱۳۸۵)، «دگراندیشی در فلسفه جغرافیا»، (ترجمه دکتر حسین حاتمی‌نژاد)، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
۶. بهرامی، رحمت (۱۳۹۶)، «تحلیلی بر فقر شهری در استان کردستان»، مهندسی جغرافیایی سرزمین، دوره اول، شماره ۲.
۷. پوراحمد، احمد (۱۳۸۹)، «قلمرو و فلسفه جغرافیا»، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم.
۸. جوان، جعفر، دلیل، سعید و سلطانی مقدم، محمد (۱۳۹۲)، «دیالکتیک فضا از منظر لوفور»، مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، سال سوم، شماره ۱۲.
۹. چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، «جامعه‌شناسی نظم (تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی)»، تهران: انتشارات نی.
۱۰. حاتمی نژاد، حسین و شورچه، محمد (۱۳۹۳)، «شهر و نظریه انتقادی (با تأکید بر آراء و آثار دیوید هاروی)»، انتشارات پرهام نقش، چاپ اول.
۱۱. حاتمی نژاد، حسین، ضرغام فرد، مسلم، خادمی، امیرحسین، میرسیدی، سیدمحمد (۱۳۹۴)، «سیاست‌های فضایی در برنامه‌ریزی شهری»، انتشارات پاپلی، چاپ اول.
۱۲. حبیبی، سیدمحسن (۱۳۸۰)، «مسیر پیاده گردشگری»، مجله هنرهای زیبا، شماره ۹.
۱۳. حبیبی، سیدمحسن (۱۳۸۳)، «فضاهای شهری و معلولین»، انتشارات مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، چاپ اول.
۱۴. حبیبی، سیدمحسن (۱۳۸۷)، «از شار تا شهر (تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن، تفکر و تأثر)»، تهران: دانشگاه تهران، چاپ هشتم.
۱۵. خراسانی، شریف‌الدین (۱۳۷۰)، «نخستین فیلسوفان یونان»، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ دوم.
۱۶. خوارزمی، شهیندخت (۱۳۸۷)، «کیفیت زندگی و الزامات عصر دیجیتال در ایران»، پایگاه اطلاع‌رسانی علوم ارتباطات در ایران، دوره ششم، شماره ۳.
۱۷. دینر، ام. گات و باد، لسل (۱۳۹۳)، «مفاهیم کلیدی در مطالعات شهری»، (ترجمه دکترحسین حاتمی نژاد و عبدالمطلب برات نیا)، انتشارات کتابدار توس، چاپ اول.
۱۸. رلف ای. سی، ادوارد (۱۳۹۰)، «مکان و حس لامکانی»، ترجمه: جلال تبریزی، انتشارات: مترجم، چاپ اول، تابستان.
۱۹. رلف، سی، ادوارد (۱۳۹۰)، «مکان و بی‌مکانی»، (ترجمه محمدرضا نقصان محمدی، کاظم مندگاری، زهیر متکی)، انتشارات آرمان-شهر، چاپ اول.
۲۰. زارع‌زاده شهرسبی، سعید (۱۳۹۲)، «طراحی مرکز محله در بافت فرسوده با تأکید بر الگوهای رفتاری ساکنان؛ مورد مطالعه: مرکز محله نبادان شهر ابرکوه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه یزد، دانشکده معماری و شهرسازی.
۲۱. زاهدی مازندرانی، محمدجواد و زاهدی عبقری، ابراهیم (۱۳۷۵)، «روستایان فقیر و آسیب‌پذیر، اقتصاد کشاورزی و توسعه»، ویژه نامه فقر و آسیب‌پذیری روستایی.
۲۲. ژیلینتس، آندژی (۱۳۹۴)، «فضا و نظریه اجتماعی ویراست - دوم»، (ترجمه محمود شورچه)، انتشارات پرهام نقش، چاپ اول.
۲۳. ساوج، مایک و وارد، آلن (۱۳۸۰)، «جامعه‌شناسی شهری»، (ترجمه ابوالقاسم پوررضا)، تهران: انتشارات سمت.

۲۴. سپهوند، حاجعلی (۱۳۹۳)، «پسا - استعمار یا پسا- مدرن همراه با نقد آخرین بازمانده موهیکن اثر کوپر»، انتشارات نارنجستان کتاب، چاپ اول.
۲۵. سروش، عبدالکریم (۱۳۶۱)، «تحریری نو از: نقدی و درآمدی بر تضاد دیالکتیکی»، انتشارات یاران، چاپ سوم.
۲۶. سروش، عبدالکریم (۱۳۷۵)، «علم چیست؟ فلسفه چیست؟» تک جلد، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی صراط، چاپ دوازدهم.
۲۷. شیلینگ، ژاک (۱۳۸۵)، «جغرافیا چیست؟ (تأملی در مسایل بنیادی جغرافیای معاصر)»، (ترجمه سیروس سهامی)، انتشارات محقق، چاپ دوم.
۲۸. شریفی، عبدالنبی (۱۳۸۵)، «عدالت اجتماعی و شهر: تحلیلی بر نابرابری‌های منطقه‌ای در شهر اهواز»، پایان‌نامه دوره دکتری جغرافیا، گرایش برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران.
۲۹. شکویی، حسین (۱۳۸۳)، «فلسفه جغرافیا»، تهران: گیتاشناسی، چاپ دوازدهم.
۳۰. شکویی، حسین (۱۳۸۶)، «اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا»، جلد اول، تهران: گیتاشناسی، چاپ نهم.
۳۱. شکویی، حسین (۱۳۸۷)، «دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری»، جلد اول، تهران: انتشارات سمت، چاپ دوازدهم.
۳۲. شکویی، حسین (۱۳۹۱)، «جغرافیای اجتماعی شهرها، اکولوژی اجتماعی شهر»، انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ چهارم.
۳۳. شورچه، محمود (۱۳۹۳)، «فوکو، فضا و برنامه‌ریزی»، انتشارات مدیران امروز، چاپ اول.
۳۴. شیخی، محمد تقی (۱۳۸۰)، «جامعه‌شناسی شهری»، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۳۵. فرهودی، رحمت‌الله، تیموری، ایرج و جعفری مهرآبادی، مریم (۱۳۸۷)، «سیمای شهری»، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
۳۶. کلاتری، عبدالحسین و همکاران (۱۳۹۲)، «توزیع فضایی امکانات و خدمات و تناسب آن با جمعیت ساکن در مناطق شهر تهران»، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، شماره ۱۷۲.
۳۷. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳)، «جامعه‌شناسی پیش‌درآمدی انتقادی»، (ترجمه ابوطالب فضایی)، شیراز: دانشگاه شیراز.
۳۸. مدنی‌پور، علی (۱۳۷۹)، «طراحی فضای شهری»، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، شهرداری تهران.
۳۹. مرصومی، نفیسه (۱۳۸۶)، «تحلیلی جغرافیایی از تئوری‌های عدالت اجتماعی»، تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، دوره هفتم، شماره ۵.
۴۰. موری، وارویک ای (۱۳۸۸)، «جغرافیای جهانی شدن»، (ترجمه جعفر جوان)، انتشارات چاپار، چاپ اول.
۴۱. نمازی، حسین (۱۳۸۹)، «نظام‌های اقتصادی»، ناشر شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
۴۲. نوربرگ شولز (Norberg - Schulz, 1971, p. 10; هاوکنز (Hawkins, 1962)
۴۳. هاروی، دیوید (۱۳۸۷)، «شهری شدن سرمایه: چرخه‌ی دوم انباشت سرمایه در تولید محیط مصنوع»، (ترجمه عارف اقوامی مقدم)، تهران نشر اختران.
۴۴. هاروی، دیوید (۱۳۹۲)، «پاریس پایتخت مدرنیته»، (ترجمه عارف اقوامی مقدم)، انتشارات نشر پژواک، چاپ اول.
۴۵. هاروی، دیوید (۱۳۹۵)، «عدالت اجتماعی و شهر»، (ترجمه محمدرضا حائری)، انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران، چاپ اول.
۴۶. وارثی، حمیدرضا و همکاران (۱۳۸۷)، «بررسی تطبیقی توزیع خدمات عمومی شهری از منظر عدالت اجتماعی: زاهدان»، جغرافیا و توسعه، دوره ششم، شماره ۱۱.
۴۷. ویکی پدیا، ۱۳۹۸
48. Burton, E. (2001), The Compact City and Social Justice, A paper presented to Housing, Studies Association Spring Conference, Housing, Environment and Sustainability, University of New York.
49. Giedion, S. (1967), Space, Time and Architecture: The growth of a New tradition, Harvard University Press, Cambridge, MA, 5th edition (first edition 1941).
50. Keith, Michael & Steve Pile. (1993), Introduction Part 1. The Politics of place, in Keith & pile (eds). Place & the politics of Identity, London & New York.
51. Massey, Doreen, (1993), "Pluics & Space/Times", in Keith & pile (eds), place & the politics of Identity, London & New York.
52. Sayer, Andrew. (1992), Method in social science, second Ed. London: Routledge.
53. Sen, A. (1979), Poverty, an ordinal Approach to Measurement Econometical.
54. Smith, Robin. (2009), Artistolsr theory of demonstration. In A companion to Artistotle, edited by Georgios Anagnostopoulos. Blackwell.
55. Stumpf, Samuel Enoch. (1989), Philosophy. History & Problems, New York: MC Graw.
56. Swyngedouw, E. (2009), Dialectical Reasoning and Dialectical Maternalism. Vol.III, In International encyclopedia of Human Geography, edited by Rob kitchen and Nigel Thrift, Elsevier.
57. Towsend, P. (1985), A Sociology approach to Measurement of Poverty: a rejoinder to Professor Amartya Sen. Oxford Economic Paoers 37.
58. Urry, John. (1987), "Social Relations, Space & Time"- in Gregory & Urry (eds). Social Relations and spatial structure. London: Macmillan Education LTD.

## حفظ هویت با رویکرد پایداری اجتماعی در حوزه ی مسکن آینده

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۳/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۴/۱۵

کد مقاله: ۹۰۹۷۵

افروز پرتوی فر<sup>۱\*</sup>، سید عباس یزدانفر<sup>۲</sup>

### چکیده

تاثیر زیان بار فعالیت های بشر بر روی جهان طبیعی ادامه ی حیات در بسیاری از نقاط کره ی زمین را به تدریج غیرممکن می کند؛ بنابراین مساله ی اسکان پناهندگان اقلیمی یکی از معضلات پیش روی آینده است، که به دلیل شکل گیری هویتی جدید براساس هم جوارهای فرهنگی در زیستگاه های آینده، مساله ی پایداری را علاوه بر بعد زیست محیطی از بعد اجتماعی نیز به چالش می کشد؛ از آنجایی که دوگانه ی سکونت شولتز سکونت را به ضرورت هویت مطرح می کند، پژوهش فعلی از منظر این دوگانه (کجا-چگونه) به آینده پژوهی در حوزه سکونت در راستای پایداری اجتماعی می پردازد. بدین منظور ابتدا به گردآوری اطلاعات در حوزه های آینده پژوهی و آینده پژوهی در حوزه ی سکونت، از طریق مطالعات کتابخانه ای پرداخته سپس جنبش متابولیسم ژاپن به دلیل مشابهت مساله با پژوهش فعلی (هویت از دریچه ی معماری در زمینه ی درگیر بحران های زیست محیطی) به عنوان نمونه ی مطالعاتی مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه با پذیرش رویکرد این جنبش (انعطاف پذیری) به عنوان یک اصل نهاده شده در فعالیت های آینده گرا، با عنایت به دیدگاه خوش بینانه ی مانرما، از روش توصیفی وی در راستای دیدن آینده (اصل کجایی شولتز) و روش سناریو محور وی در راستای ساختن آینده (اصل چگونگی شولتز) این بار از رهگذر امکانات دیجیتال و انعطاف پذیری حاصل از آنها به ارائه ی پیشنهاداتی در راستای پایداری اجتماعی پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: آینده پژوهی، مسکن آینده، پایداری اجتماعی، هویت، دیجیتال

۱- کارشناس ارشد معماری، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) (afroozpartovi.ap@gmail.com)

۲- دانشیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

\*- این مقاله مستخرج از پایان نامه دوره کارشناسی ارشد افروز پرتوی فر با عنوان "مسکن پایدار با رویکرد انعطاف پذیری" به راهنمایی دکتر سید عباس یزدانفر می باشد.

## ۱- مقدمه

بسیارند کسانی که گرم شدن زمین را جدی‌ترین چالش زیست محیطی زمانه‌ی ما می‌دانند، به طوری که می‌تواند عملکرد سیاره‌ی ما را به نحو برگشت‌ناپذیری دگرگون سازد و زنجیره‌ای از پیامدهای ویران‌گر زیست‌محیطی ایجاد کند که در همه جای دنیا احساس خواهد شد. (گیدنز، ۱۳۹۲، ۸۹۷) بازسازی شهری پس از تروما، اقدامی است که برای همگان حسی بیش و کم قهرمانانه از تجدید حیات و بهره‌ورزی را زنده می‌کند. و به بازماندگان کمک می‌کند تا بر حزن و افسردگی ناشی از تروما غلبه کنند. (ویل، ۱۳۹۷، ۱۹۴) اما با توجه به شرایط پیش روی کره‌ی زمین به دلیل محدودیت نقاط قابل زیست، ادامه‌ی حیات انسانی در بسیاری از نقاط کره‌ی زمین عملاً غیرممکن خواهد بود. گاوین اشمیت<sup>۱</sup> دانشمند اقلیم شناسی و رئیس انستیتو گودارد ناسا بر اساس مطالعات فضایی به بیزینس اینسایدر<sup>۲</sup> اعلام کرده است که "گرم شدن کره‌ی زمین متوقف نمی‌شود و هرآنچه تا کنون اتفاق افتاده به سیستم برمی‌گردد"، این بدین معناست که اگر چنانچه نشر کربن از همین فردا به صفر برسد، کماکان تا قرن‌ها شاهد تغییرات اقلیمی ناشی از دخالت‌های انسانی خواهیم بود. برخی از پیامدهای بالقوه‌ی زیان‌بار ناشی از تغییرات اقلیمی که آینده‌ی بشر را تحت تأثیر قرار می‌دهد به شرح زیر است:

(۱) بالا آمدن سطح دریاها و زیر آب رفتن خشکی‌ها

(۲) بیابان‌زایی

(۳) کم شدن محصولات کشاورزی

(۴) تغییر الگوهای آب و هوا (گیدنز، ۱۳۹۲، ۹۰۰-۹۰۱)

بنابراین بسیاری از شهرها و ساکنانش قربانی حوادث تروماتیک خواهند شد و تعداد زیادی پناهندگان اقلیمی از اقصی نقاط کره‌ی زمین به بار خواهد آورد که در جستجوی جغرافیای قابل زیست در بخش‌های دیگری از کره‌ی زمین ناچار به هم‌زیستی می‌شوند. این حجم از گسترش هم‌جواری و هم‌زیستی فرهنگی در مورد افرادی که نه به اختیار بلکه به اجبار در فقدان و جستجوی مفهوم خانه و وطن درگیر تجربه‌ی چنین شرایطی می‌شوند، بدون شک ابعاد جدیدی از چالش‌ها و تعارضات اجتماعی پیش رو می‌گذارد و در واقع در خلال شکل‌گیری هویتی جدید براساس هم‌جواری‌های فرهنگی مبحث پایداری را از زاویه‌ی اجتماعی به چالش می‌کشد. بنابراین مسأله‌ی پایداری اجتماعی یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی سکونت‌گاه‌های آینده‌ی درگیر فجایع زیست محیطی می‌باشد که در پژوهش فعلی از منظر دوگانه‌ی سکونت شولتز (کجا-چگونه) که به ضرورت هویت به مفهوم سکونت در معماری می‌پردازد، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## ۲- مرور ادبیات

## ۱-۲- آینده پژوهی

آینده‌پژوهی<sup>۳</sup> دانش آینده است؛ این واژه در سال ۱۹۴۲ توسط اوسیپ فلشدیم<sup>۴</sup> حقوقدان آلمانی ابداع شده است؛ بنابراین آینده پژوهی یک علم جوان است که موضوع پژوهش در آن آینده است. (klinec، ۲۰۱۵، ۱) مقصود اصلی او دیدن آینده به عنوان بخشی از شاخه‌ی جامعه‌شناسی است که جامعه‌شناسی تاریخی نامیده می‌شود. (Sardar، ۲۰۰۹، ۱۷۸) اما به طور کلی آینده‌پژوهی چهارچوب نظری برای فهم چگونه پدیدار شدن آینده به دست می‌دهد. (klinec، ۲۰۱۵، ۱) و در این بخش به منظور تدوین الگوی مناسب پژوهش، ابتدا به بررسی دوره‌های مختلف آینده‌پژوهی در جداول شماره‌ی (۱) و (۲) پرداخته شده است.

۱- گاوین اشمیت [Gavin Schmidt] دانشمند اقلیم شناسی و رئیس انستیتو گودارد ناسا NASA's Goddard Institute - انگلیسی

۲- بیزینس اینسایدر [Business Insider] وب‌گاه خبری آمریکایی در خصوص تجارت و اخبار فناوری، که مقر اصلی آن در نیویورک واقع است.

۳- آینده‌پژوهی Futurology

۴- اوسیپ فلشدیم [Ossip K. Flechtheim] (۱۹۰۹-۱۹۹۸)؛ حقوق‌دان، نویسنده، دانشمند علوم سیاسی، آینده‌پژوه آلمانی

جدول ۱- دوره‌های آینده‌پژوهی (با اقتباس از ۲۰۱۱, Kuosa)

| الگو                                | توضیحات                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                 |
|-------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| الگوی سنتی براساس پیشگویی           | <ul style="list-style-type: none"> <li>ریشه در فرهنگ انسانی دارد.</li> <li>براساس تعصب بنا شده و آینده را امری قطعی می‌داند.</li> <li>توسط متخصصان انجام می‌شود.</li> <li>افراد را بر اساس توانایی پیش‌گویی آینده دسته‌بندی می‌کند.</li> <li>بازه زمانی و علت ایجاد این الگو مشخص است.</li> </ul>                                                                                                                                                                                       |
| الگوی مدرن براساس مطالعات آینده‌گرا | <ul style="list-style-type: none"> <li>براساس دانش تجربی بنا شده و آینده را امری قطعی نمی‌داند بلکه در حال شکل‌گیری دائم در بسیاری از کنش‌های متقابل می‌بیند.</li> <li>بر خلاف سایر علوم که سیاست بی‌طرفانه دارند، منطق گرایانه و در جهت تفسیر تمام چشم‌اندازهای ممکن است بنابراین هدف آن به صورت تجربی مشخص نیست و تصادفی است.</li> <li>افراد را به غیرمتخصصان، متخصصان و ناظران کنترل کیفیت تقسیم می‌کند.</li> <li>بازه زمانی و علت ایجاد این الگو به طور تقریبی مشخص است.</li> </ul> |

جدول ۲- دوره‌های آینده‌پژوهی مدرن (با اقتباس از ۲۰۱۱, Kuosa)

| دوره‌های آینده‌پژوهی | توضیحات                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                  |
|----------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۱۹۴۰-۱۹۵۰ میلادی     | <ul style="list-style-type: none"> <li>دوره‌ی برنامه‌ریزی، روش‌های کمی، مثبت‌گرایی، تجارت جهانی و سرمایه‌گذاری، سفر به فضا، رشد اقتصادی، شهرنشینی، صنعتی‌سازی، جهانی‌شدن</li> <li>نیاز این دوره: برنامه‌ریزی دراز مدت و سازمان‌یافته، آینده‌نگری، دوراندیشی تکنولوژیک</li> <li>بازیگران این دوره: سازمان‌های پژوهشی و واحدهای تحقیقاتی ارتش آمریکا مانند RAND</li> </ul> |
| ۱۹۶۰-۱۹۷۰ میلادی     | <ul style="list-style-type: none"> <li>دوره‌ی جنبش آینده‌پژوهی بین‌الملل، افزایش آگاهی از مراتب دراز مدت آلودگی، رشد اقتصادی، جنبش‌های اجتماعی، تهدید جنگ هسته‌ای، بحران انرژی</li> <li>نیاز این دوره: حل مشکلات نوع بشر، کتاب futurology – Ossip Flechtheim</li> <li>بازیگران این دوره: محققان در سطح بین‌الملل و فراتر از صرفاً ارتش آمریکا</li> </ul>                 |
| ۱۹۸۰ میلادی تا کنون  | <ul style="list-style-type: none"> <li>توقف کامل توسعه‌ی روش‌های پیش‌بینی نوین</li> <li>تثبیت رشته‌ی آینده‌پژوهی</li> <li>مباحثه بر سر هویت و نام‌های دیگر این رشته در مجلات آینده‌گرایی سی سال اخیر</li> </ul>                                                                                                                                                          |

براساس این جداول در حال حاضر در دوره‌ای از آینده‌پژوهی به سر می‌بریم که این رشته به عنوان یک شاخه علمی به روش‌های مختلفی که روز به روز متنوع‌تر می‌شوند مورد مطالعه قرار می‌گیرد؛ در ادامه به منظور گزینش مناسب‌ترین روش، الگوهای مختلف آینده‌پژوهی از نگاه آینده‌پژوهان مدرن در قالب جدول (۳) مورد مطالعه قرار گرفته و با توجه به این که در پژوهش فعلی از منظر دوگانه‌ی سکونت شولتز<sup>۱</sup> به مساله‌ی پایداری اجتماعی زیست‌گاه‌های آینده پرداخته می‌شود، با عنایت به دیدگاه خوش‌بینانه‌ی مانرما به منظور تحقیق اصل کجایی سکونت شولتز از الگوی توصیفی مانرما<sup>۲</sup> جهت دیدن آینده و به منظور تحقیق اصل چگونگی سکونت شولتز از الگوی سناریو محور مانرما جهت ساختن آینده استفاده شده‌است.

<sup>۱</sup> کریستین نوربرگ شولتز [Christian Norberg-Schulz] (۱۹۲۶-۲۰۰۰): معمار، منتقد، نظریه‌پرداز و استاد تاریخ معماری نروژی

<sup>۲</sup> میکا مانرما [Mika Mannermaa] (۱۹۵۷-۲۰۱۲): سیاست‌مدار فنلاندی

جدول ۳- الگوهای آینده پژوهی ( با اقتباس از (Kuosa,2011) و (Metcalfe, ۲۰۰۶: ۵۹))

| نام                         | الگو                     | توضیحات                                                                                                                                                                      |
|-----------------------------|--------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| بورگ<br>O.Borg              | پیشگویی                  | • تولید تصاویر و سناریوهای جالب در مورد آینده<br>• مانند پیشگویی‌های باستان و آرمان‌شهر / دش‌شهر مدرن                                                                        |
|                             | اجرایی                   | • طرح‌ریزی و تصمیم‌گیری در مورد آینده براساس قابلیت اجرایی                                                                                                                   |
|                             | انسان شناسی              | • مطالعات مرتبط با حل سوالات جهانی نوع بشر<br>• پرچمدار طرح این سوالات Ossip K. Flechtheim است.                                                                              |
|                             | میان رشته ای             | • توسعه اجرایی روش‌شناسی میان‌رشته ای                                                                                                                                        |
|                             | تکنیکی                   | • بر اساس تحلیل‌های کمی                                                                                                                                                      |
| لینستون<br>H.A.Linstone     | سازمانی                  | • بر اساس مطالعه‌ی رفتارهای جمعی، آثار اجتماعی و سیستم‌ها                                                                                                                    |
|                             | فردی                     | • براساس نیازها، نگرانی‌ها و ویژگی‌های فردی                                                                                                                                  |
|                             | پیشگویانه                | • بر اساس علم نجوم                                                                                                                                                           |
| عنایت الله<br>S.Inayatullah | تفسیری                   | • تولید سناریوهای مختلف در مورد آینده به منظور ایجاد آینده جدید                                                                                                              |
|                             | انتقادی                  | • نقد سناریوهای جاری در ارتباط با آینده                                                                                                                                      |
|                             | کارشناسی                 | • بر اساس ارزیابی کارشناسی به منظور بررسی امکانات در آینده                                                                                                                   |
| آمارا<br>R.Amara            | سناریو محور              | • براساس فرآیندهای تولید سناریو به منظور بررسی احتمالات در آینده                                                                                                             |
|                             | مدل سازی ساختاری         | • براساس مدل سازی ساختاری به منظور بررسی ترجیحات در آینده                                                                                                                    |
|                             | استعمارگری               | • پیش‌بینی آینده در صورت افزایش استعمارگرایی                                                                                                                                 |
| صدرا<br>Z.Sadra             | استعمارزدایی             | • پیش‌بینی آینده در صورت افزایش استعمارزدایی                                                                                                                                 |
|                             | واقع گرایی انتقادی       | • نگاه پساخوش‌بینانه در تحلیل گذشته و حال به منظور ترسیم واقعی‌ترین (نه لزوماً قطعی‌ترین) سناریوی آینده                                                                      |
| مانرما<br>M.Mannermaa       | توصیفی (دیدن آینده)      | • ارائه محتمل‌ترین توصیفات بر اساس پیشرفت‌های انجام‌شده<br>• اساس این الگو ثبات و خوش بینی<br>• آینده به عنوان اتفاقی قابل پیش‌بینی با روش‌های کمی و در بازه‌های زمانی کوتاه |
|                             | سناریومحور (ساختن آینده) | • تولید سناریوهای مختلف در مورد آینده به منظور رسیدن به انتخاب‌های بیشتر و تصمیم‌گیری بهتر                                                                                   |
|                             | تکاملی                   | • فهم آینده بر اساس قوانین تکامل                                                                                                                                             |
|                             | تکاملی                   | • منشا: فعالیت‌های laszlo, GERG, Mannermaa                                                                                                                                   |
| هیدگ<br>E.Hideg             | انتقادی                  | • آینده به عنوان آنچه در حال حاضر در افکار و احساسات انسان‌ها وجود دارد                                                                                                      |

## ۲-۲- آینده پژوهی در حوزه سکونت

ریشه‌ی آینده‌پژوهی در حوزه‌ی سکونت را می‌توان در مطالعات شهری به عنوان بستر شکل‌گیری سکونت جستجو کرد. به گفته‌ی مارتین هایدگر<sup>۱</sup> "سکونت بیانگر برقراری پیوندی پرمعنا بین انسان و محیطی مفروض می‌باشد و این پیوند از تلاش برای هویت یافتن یعنی، به مکانی تعلق داشتن ناشی گردیده است." (شولتز، ۱۳۹۵، ۱۷) کریستین نوربرگ شولتز در کتاب "مفهوم سکونت" عنوان آبادی را به این محیط مفروض نسبت می‌دهد و آن را صحنه‌ی رخداد سکونت می‌داند. وی علاوه بر کجایی جنبه‌ی دیگری نیز برای سکونت قائل می‌شود و آن چگونگی است. شولتز چگونگی را با الهام از مقاله‌ی معروف هایدگر تحت عنوان "گردآوری یک جهان" که در مورد مفهوم "چیز" (در جهانی از چیزها به خود اختصاص دادن) است، جستجو می‌کند. بنابراین تلاش برای یافتن هویت از نگاه شولتز از طریق سکونت و در سایه‌ی دوگانه‌ی کجا و چگونه رخ می‌دهد و این دو وجه،

۱- مارتین هایدگر [Martin Heidegger] (۱۸۸۹-۱۹۷۶): فیلسوف آلمانی

رویکردهای گوناگون اندیش‌های آینده‌گرا در حوزه‌ی سکونت را رقم می‌زنند. آینده‌پژوهی در حوزه سکونت، ابتدا از علوم انسانی آغاز و به مرور وارد حوزه‌های دیگر مانند معماری و شهرسازی شده‌است. از ابتدای قرن شانزدهم تا قرن نوزدهم شاهد ظهور نظریاتی در اروپا هستیم که در پی ترسیم، تشریح و توجیه جوامع آرمانی جدیدی در این قاره هستند. این نظریات که به نام عمومی "آرمان‌شهر"<sup>۱</sup> شناخته می‌شوند زیر بنای مدرنیسمی است که چندین قرن بعد با انقلاب صنعتی از راه می‌رسد. (فکوهی، ۱۳۹۶، ۱۵۶) بنابراین قرن نوزدهم قرن آرمان‌گرایی‌های بزرگ و آرزوهای زیبایی بود که در واکنش به سختی‌ها و رنج‌های حاصل از زایش جامعه‌ی صنعتی، تنها پناه لاقل ذهنی به حساب می‌آمدند. اما از آنجا که در قرن بیستم آرمان‌های زیبای پیشین به حقایق دردناک و زشت بدل شدند، در دوران پس از جنگ جهانی دوم سبک جدیدی در ادبیات ظاهر شد و سپس به سایر عرصه‌ها نیز تعمیم یافت که آن را با الگو گرفتن از مفهوم "آرمان‌شهر"، "دش‌شهر"<sup>۲</sup> نامیدند. یعنی شهر و سلطه‌ی ای دوردست و تا آینده‌ای قابل پیش‌بینی برای انسانیت که نه همچون آرمان‌گرایان، آینده‌ای زیبا و طلایی، بلکه آینده‌ای به مراتب تیره‌تر و هولناک‌تر بود. (فکوهی، ۱۳۹۶، ۱۶۶) در ادامه شاهد ورود اندیشه‌های آینده‌گرا از علوم انسانی به حوزه‌های دیگر مانند معماری و شهرسازی هستیم. این اندیشه‌ها که در دو دسته‌ی خوش‌بینانه و بدبینانه جای گرفتند، در سیر تاریخی خود از دوران پیش از انقلاب صنعتی تا دوران صنعتی و فراصنعتی دست‌خوش تحولات فراوان شدند. انقلابی‌ترین نگرش نسبت به جهان مدرن و مقتضیات و خصوصیات آن، در جنبش فوتوریسم در شمال ایتالیا، پیش از جنگ جهانی اول ظهور کرد. همچنین از جمله دستاوردهای دوران صنعتی می‌توان به طرح‌های شهری تونی گارنیه، لوکوربوزیه و نظریات مارکسیسم اشاره کرد. برمن (۱۹۸۳) می‌گوید این وسواس شدید مدرنیستی به تحرک عمومی، در نیویورک رابرت موزز به اوج رسید که دهکده‌های مرکز شهر را با خاک یکسان کرد تا فضای مورد نیاز برای ساختن آزادراه‌های جدید فراهم کند. (هوبارد، ۱۳۹۶، ۲۲۶-۲۲۷) طرح‌های عمومی که موزز به عنوان یک مقام رسمی از دهه ۱۹۲۰ به بعد سازماندهی آنها را به عهده داشت، بیانگر مجموعه‌ای از پیش‌ها در قبال این پرسش بودند که زندگی مدرن چه می‌تواند باشد و چه باید باشد. (برمن، ۱۳۹۲، ۳۶۲) بنابراین قرن بیستم امر واقعی آن چیزی است که قرن نوزدهم برایش امر نمادین بود؛ "معیار طلایی" یعنی وسوسه شدن توسط خود این قرن، توسط انحطاط آن، و بدینسان رضا دادنی بی تامل به خشونت، به اشتیاق به امر واقعی (بدیو، ۱۳۹۴، ۴۷-۵۰) و در نهایت شکاف میان روح مدرن و محیط مدرنیزه، که منشأ اصلی رنج و عذاب و تامل و بازاندیشی در اواخر دهه‌ی ۱۹۵۰ شد. تا اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰ شهر صنعتی به چیزی بسیار متفاوت تبدیل شده بود و نظریه‌هایی که پیرامون بافت صنایع شهری متمرکز بودند دیگر به نظر درست نمی‌رسیدند. یکی از نکات مهمی که در این دوره به چشم می‌خورد این است که بسیاری از شهرهای غربی مرکززدایی شدند. در برخی موارد این توسعه‌ی شهری حاشیه‌ای، مراکز یا هسته‌های شهری جدیدی را ایجاد کرد که "کنار-شهر" نام گرفتند. بنابراین شهر پسا صنعتی اغلب به صورت شهری بی‌مرکز توصیف می‌شود و به نظر می‌رسد که این مرکززدایی با تغییرات مهمی در اقتصاد شهرها مرتبط باشد. (هوبارد، ۱۳۹۶، ۹۴-۹۵) که به جای تولید، پیرامون مصرف سازمان یافته است. بنابراین منطق منظم و تولید محور عصر صنعتی جای خود را به حالت نفرت انگیزتر کنترل اجتماعی بر مبنای نقش فرد به عنوان مصرف کننده -شهروند می‌دهد. (هوبارد، ۱۳۹۶، ۹۶-۹۹) از طرفی زمان سفر به طرز چشمگیری کاهش یافته است و این امر جوامع معاصر را به "عشایر" مدرن بدل کرده‌است. بنابراین اگرچه مصرف گرایی جهانی و تحرک عمومی، بسیاری از آزادی‌های مطلوب را فراهم کرده، اما نتایج حاصل از گرم شدن کره زمین و تغییرات زیست محیطی بسیار چشمگیری از جمله تغییرات اقلیمی را نیز به دنبال داشته‌است. نکته کلیدی که اشمیت به آن اشاره می‌کند، قابلیت کاهش سرعت تغییرات اقلیمی تا حدی است که فرصت انطباق با تغییرات جدید ایجاد شود. این امر به شکل‌گیری مفهوم توسعه‌ی پایدار انجامیده‌است. (گیدنز، ۱۳۹۲، ۸۸۲) به این معنا است که رشد، دست کم به لحاظ آرمانی، به نحوی دنبال شود که موجب بازیافت منابع مادی شود نه (تهی ساختن آن‌ها)، و سطوح آلودگی را به حداقل ممکن برساند. اصطلاح "توسعه‌ی پایدار" نخستین بار در گزارشی معرفی شد که به سفارش سازمان ملل در ۱۹۸۷ تحت عنوان "آینده‌ی مشترک ما" منتشر شد. (گیدنز، ۱۳۹۲، ۸۸۳-۸۸۴)

در این آینده‌ی مشترک جریان‌های پیشرو، شهر شناور را یک رقابت طراحی معمارانه جهت پاسخگویی به مسائل اجتماعی مانند افزایش جمعیت و تهدیدهای زیست‌محیطی مانند بالا آمدن سطح آب‌ها معرفی کرده‌اند که بنابر گزارش انستیتو سی‌استیدینگ<sup>۳</sup> تا آینده‌ی نزدیک، در حدود سال ۲۰۲۰، امکان تحقق می‌یابند. (Wang, ۲۰۱۶) بشر سابقه‌ی طولانی در زندگی بر روی آب دارد، از خانه‌های آبی روستاهای ماهیگیری جنوب آسیا، پرو و بولیوی گرفته تا خانه‌های شناور ونکوور و آمستردام. خوش‌بینی‌های تکنولوژیک بین دهه‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ جامعه معماری را به ایده‌ی آرمانشهرهای دریایی علاقه‌مند کرد و طرح‌هایی به منظور حل بحران‌های شهری مرتبط با ازدیاد جمعیت و فشار وارد بر منابع خشکی در مناطق غیرقابل سکونت مانند

۱- آرمان‌شهر [Utopia]

۲- دش‌شهر [Dystopia]

۳- انستیتو سی‌استیدینگ [The Seasteading Institute]

قطب‌ها، بیابان‌ها و روی آب‌ها سامان‌دهی و بسیاری از آنها به قدری پیشرفته بودند که ثبت اختراع شدند. متابولیست‌های<sup>۱</sup> ژاپنی پروژه‌های باورنکردنی مانند طرح پیشنهادی خلیج توکیو توسط کنزو تانگه<sup>۲</sup> و طرح پیشنهادی کیکوتاکی<sup>۳</sup> و کوروکاوا<sup>۴</sup> برای شهر دریایی را پیش رو گذاشتند. در غرب نیز بوکمینستر فولر<sup>۵</sup> طرح پیشنهادی شهر تریتون<sup>۶</sup> را ارائه داد که یک شهر دریایی بود که توسط پل‌هایی به خشکی‌ها متصل می‌شد. گروه آینده‌گرایی آرکیگرم<sup>۷</sup> نیز طرح ساخت مزارع زیر آب‌های دریایی را پیشنهاد کرد. نتایج این مباحث جهانی معماری در اولین کنفرانس مسکن سازمان ملل<sup>۸</sup> در سال ۱۹۷۶ در ونکوور ثبت شد. طرح‌های زیادی تحت عنوان کلونی‌های فراغت دریایی نیز گردآوری شدند که به صورت میکروملت‌هایی با حاکمیت مستقل و قابلیت اعطای حق شهروندی به ساکنان خود متصور شده بودند. با همه‌ی این‌ها هیچ کدام از این طرح‌ها موفق نشده و متوقف شده اند. علت این توقف موانع تکنولوژیک جهت ایجاد شهرهای شناور در آب‌های بین‌المللی نیست، بلکه موانع سیاسی و تجاری است که سبب توقف این فعالیت‌ها می‌شود. با این وجود درست زمانی که تصور می‌شد ایده‌ی شهر شناور بسیار دورافتاده شده است، مجدداً گردآوری شد و در معرض آگاهی عمومی قرار گرفت. این زمان را از منظر سیاسی می‌توان به عنوان نشانه‌ای از اضطراب آب و هوایی قلمداد کرد. سازمان ملل متحد<sup>۹</sup> حمایت خود از انجام مطالعات بیشتر در مورد شهرهای شناور به عنوان پاسخی به بحران بالا آمدن سطح آب‌های کروی زمین و اسکان پناهندگان اقلیمی اعلام کرده است. (Wang, 2019) اما به نظر می‌رسد که با وجود طرح‌ها و پیشنهادات بسیاری که در ارتباط با ایده‌ی زیست‌گاه‌های شناور و وجوه تکنیکال آن‌ها ارائه شده است، خلا پژوهشی مرتبط با علوم انسانی در ارتباط با چالش‌های انسان‌شناسی پیش روی زیست‌گاه‌های جدید کماکان وجود دارد در حالی که در خلال شکل‌گیری هویتی جدید ناشی ازهم‌جواری‌های فرهنگی، رویارویی با این دست چالش‌ها بدون شک مبحث پایداری را از منظر علوم انسانی به چالش می‌کشد و این امر در حوزه‌ی معماری اهمیت پرداختن به مساله‌ی روح مکان این سکونت‌گاه‌ها در راستای پایداری اجتماعی را پیش رو می‌گذارد؛ به ویژه با توجه به این که سرعت تغییرات ناشی از پیشرفت‌های تکنولوژیک همواره موجب غفلت از پرداختن به روح مکان حاصل از آنها و تاثیر آنها بر وجوه مختلف زندگی بشر در طول دهه‌های اخیر شده است، اهمیت پرداختن به این مباحث پیش از ادامه‌ی اتوماتیک‌وار هر روندی به منظور پیشگیری از فجایع انسانی در دوران خاص ناپایداری‌های اقلیمی اهمیت می‌یابد.

## ۲-۳- مسکن آینده

به تبع تغییرات شهر، مساله‌ی مسکن نیز به عنوان بخشی جدایی ناپذیر از شهر و زندگی جمعی دست‌خوش تغییرات زیادی شده‌است. مالکیت خانه در طی سال‌های گذشته به ویژه در بین به اصطلاح "هزاره‌ها" کاهش یافته‌است. تا حدودی، این امر به دلیل افزایش قیمت مسکن و دستمزدهای پایین است. برعکس، قیمت‌های تعدیل شده در بسیاری از محصولات روزمره، به طرز چشم‌گیری کاهش یافته‌است. پیترو دیاماندیس دنیایی را پیش‌بینی می‌کند که در آن "ضروریات زندگی ارزان یا رایگان است". همچنین نسل جوان با انعطاف‌پذیری و آزادی بیشتری زندگی می‌کنند. "عشایر دیجیتال" - کسانی که از تکنولوژی برای زندگی خود استفاده می‌کنند در حالی که از یک مکان به مکان دیگر منتقل می‌شوند، جمعیتی در حال رشد هستند. به گفته‌ی پیترو لولوز تا سال ۲۰۳۵ یک میلیارد نفر به این روش زندگی می‌کنند. امید به زندگی در حال افزایش است و یادگیری مداوم هنجاری جدید است. همانطور که الگوی "کار برای زندگی" از بین می‌رود، نیاز به افزایش جابجایی برای یافتن کار جدید نیز کاهش خواهد یافت و به جای آن میل به کار تأثیرگذار و معنادار باعث افزایش جابجایی خواهد شد و الگوی سنتی مالکیت خانه با افزایش نیاز به اسکان زودگذر تغییر خواهد کرد. بنابراین تغییر ارزش‌ها در جوانان منجر به شکل‌گیری نسل جدیدی می‌شود که برخلاف مالکیت محصولات و خدمات، شکل استفاده اشتراکی و اجاره‌ای را ترجیح می‌دهند، همانطور که در ایده‌ی "فضاهای مشترک زندگی مشترک" مشهود است. همچنین رشد کار در خانه و کار آزاد باعث ایجاد انعطاف‌پذیری جدیدی در زندگی می‌شود اما تهدید انزوا و تنهایی بیشتر را نیز به دنبال دارد. از طرفی با افزایش طول عمر، فناوری‌های جدید می‌توانند از انسان‌ها حمایت کنند و رشد متخصصان سالخورده‌گی به افراد کمک می‌کند تا زندگی خود را بهتر و استقلال خود را با افزایش سن بیشتر کنند. (Mattoneill, )

۱- جنبش متابولیسم ژاپن [Metabolism Architectural Style]

۲- کنزو تانگه [Kenzo Tange] (۱۹۷۱-۲۰۰۵)؛ معمار ژاپنی

۳- کیونوری کیکوتاکی [Kiyonori Kikutake] (۱۹۲۸-۲۰۱۱)؛ معمار ژاپنی

۴- کیشو کوروکاوا [Kisho Kurokawa] (۱۹۳۴-۲۰۰۷)؛ معمار ژاپنی

۵- بوکمینستر فولر [Buckminster Fuller] (۱۸۹۵-۱۹۸۳)؛ معمار آمریکایی

۶- شهر تریتون [Triton city]؛ تریتون: اسطوره یونانی، یکی از خدایان دریا با بالا تنه‌ی مرد و پایین تنه ماهی

۷- گروه معماری آرکیگرم [Archigram Architecture Firm] (تاسیس ۱۹۶۰)؛ لندن

۸- اولین کنفرانس مسکن سازمان ملل [Habitat 1] (۱۹۷۶)، ونکوور

۹- سازمان ملل متحد [United Nations Intergovernmental Organization]



۲۰۱۸) گزارش خبرگزاری فیوچرولوژی<sup>۱</sup>، که خانه در سال ۲۰۵۰ را به سفارش بنیاد NHBC<sup>۲</sup> پیش بینی می‌کند، حاکی از آن است که تغییرات جمعیتی مانند افزایش سریع تعداد سالمندان و وخیم تر شدن مسئله جوانان که قادر به ترک خانه نیستند، باعث افزایش تقاضای اسکان چند نسل شده‌است، بنابراین خانه های بیشتر با چیدمان های انعطاف پذیرتر متناسب با نیازهای نسل های مختلف طراحی خواهند شد که با تغییر نیاز خانواده ها می توانند سازگار شوند. با توجه به نیاز به مسکن شهری بیشتر در مناطق پرجمعیت، خانه های آینده مساحت کمتر و تعداد طبقات بیشتری خواهند داشت و از بالکن و فضای سقف برای تأمین فضای باز استفاده خواهند کرد. معماران ممکن است از طراحی کالاهای متراکم مانند قایق ها یا کاروان ها الهام بگیرند تا گزینه های مسکن کوچک مقیاس<sup>۳</sup> بیشتری برای افراد مجرد ایجاد کنند. در طراحی خانه برای افراد بالای ۶۵ سال نیز امکاناتی مانند آسانسور جهت دسترسی به سطح و فعالیت های عمومی، در عین حفظ حریم خصوصی و احساس مالکیت در نظر گرفته خواهد شد. (۲۰۱۸) MacFarlane، خانه های آینده به طور فزاینده ای به سیستم های انرژی محله، دارای طرح بندی های قابل انعطاف و فناوری های پیشرفته جهت تصمیم گیری خودکار در مورد گرمایش، امنیت و حتی تحویل های پستی مجهز خواهند بود. همچنین جعبه های نامه با جعبه های تحویل هوشمند جایگزین می شوند. بنابراین خانه های آینده، خانه هایی هوشمند هستند که می توانند سلامت، فعالیت و امنیت را تحت نظر داشته باشند. (MacFarlane, ۲۰۱۸) و منجر به صرفه جویی در مصرف انرژی، کاهش تولید زباله، رشد اقتصادی، توزیع عادلانه ثروت، استفاده منطقی از اراضی، تحقق حقوق اساسی، ایمنی و تأمین مسکن برای سطح وسیع تری از جمعیت شوند.

اگرچه تغییرات دیجیتال در صنعت ساختمان سازی پتانسیل ایجاد ترقی در رکود دراز مدت تولیدات صنعتی را دارد و این امر در راستای پیشرفت اجتماعی، موفقیت اقتصادی و فشار زیست محیطی امری حیاتی است. (The manufacturer, ۲۰۱۸) و ترکیب این تکنولوژی ها امکان پایداری بیشتری برای محیط های مصنوع ایجاد می کند اما در عین حال باعث ایجاد تغییرات اساسی در چرخه ی تولید و تاثیر کلی بر بازار تجارت جهانی می شود (Weber, ۲۰۱۷) که نتایج آن پیش بینی ناپذیر است. با این وجود گزارش ها نشان می دهد که اگرچه مشخص نیست کدام سناریو یا سناریوها در آینده اجرا خواهند شد اما بسیار بعید است که آینده ی پیش رو شامل تکنولوژی های دیجیتال مانند BIM<sup>۴</sup>، پیش ساختگی، حس گرهای بی سیم، تجهیزات خودکار و روباتیک و پرینت سه بعدی نشود. (Buehler, ۲۰۱۸) چهارمین انقلاب صنعتی در فناوری و تولید با هزینه های مناسب، امکانات جدید، کیفیت بالا، قابل اعتماد و کارآمد، جایگزین مدل های استاندارد مسکن تولید انبوه می شود و راه حل های مسکونی جدید با استفاده از فناوری اتوماسیون چاپ سه بعدی که باعث صرفه جویی چشمگیر در زمان، مصالح، انرژی، هزینه و ... می شود، به معضل کمبود مسکن برای گروه های وسیعی از جمعیت پاسخ می دهد. (Mila, ۲۰۱۸, ۵)

به نظر می رسد آنچه بیش از هر چیز ماهیت چیزها و شکل گردآوری جهان متشکل از آنها را در ارتباط با الگوهای سکونت تحت تاثیر قرار می دهد، امکانات تکنولوژیکی است که قصد تبدیل خانه به یک بهشت هایتک دارای ربات های خدمه، اتاق های خود تزئین شونده، امکانات سرگرمی مانند تعطیلات مجازی بدون نیاز به بیرون رفتن از منزل و ... را دارند. همچنین تحقیقات جدید نشان می دهد که تا سال ۲۰۵۰، فناوری خانه عمدتاً نامرئی خواهد بود، هوش مصنوعی، ربات ها و واقعیت مجازی به امکانات عادی خانگی تبدیل می شوند که کارهای روزمره را انجام می دهند و سرگرمی های بی پایان فراهم می کنند. بنابراین نسل فردا زمان کمتری را صرف پخت و پز و تمیز کردن خواهد کرد و در مقابل زمان بیشتری را صرف معاشرت با دوستان سه بعدی با وضوح کامل می کند. (KIRSITE MCCRUM, ۲۰۱۶)

این امر از طرفی امکان فراغت بیشتر برای نوع بشر فراهم می کند و از طرف دیگر ممکن است او را دچار نوعی رخوت، تنبلی و افراط در واگذاری زندگی به ماشین کند و امکان رشد و پویایی را از انسان بگیرد. به علاوه روند تغییرات شهرها و سبک زندگی در راستای ماشینی شدن در طول تاریخ، بشر را دچار نوعی فقدان و سرگردانی در مورد مفهوم خانه کرده است و سرعت تغییرات ناشی از این پیشرفت ها موجب غفلت از مطالعه ی حس مکان برآمده از این تغییرات شده است. بنابراین با توجه به چالش های پیش رو و معضلات پیش آمده، نیاز به نوعی بازنگری و بازتعریف در مفهوم خانه و در واقع بازگشت به آن پیش از ادامه ی اتوماتیک وار این روند، اهمیت می یابد؛ چرا که به نظر می رسد نوع بشر نیاز به اعتبار بخشیدن به این فضای فیزیکی را در یک خلا عاطفی جستجو می کند و در آینده ی درگیر معضلات و فجایع زیست محیطی و مواجهه ی هرچه بیشتر با مفاهیمی چون بی خانمان، بی پناه، قربانی و ... اهمیت مفهوم خانه به عنوان سرپناه و ماوا پررنگ تر می شود. بنابراین پژوهش خانه های آینده به منظور پذیرش تعداد زیادی پناهندگان اقلیمی که از سراسر جهان روانه ی سکونت گاه های جدید می شوند، در یک خانه ی تماما هوشمند با امکانات

دیجیتال که کنترل همه‌ی امور روزمره را در دست می‌گیرد به پایان نمی‌رسد و پرداختن به چگونگی تعامل انسان با این امکانات در راستای احیا و القای حس خانه اهمیت می‌یابد.

### ۳- روش تحقیق

پژوهش پیش رو با عنایت به دیدگاه خوش‌بینانه‌ی مانرما به منظور آینده‌پژوهی در حوزه‌ی سکونت در معماری، به ضرورت پایداری اجتماعی ابتدا به گردآوری اطلاعات در حوزه‌های آینده‌پژوهی و آینده‌پژوهی در حوزه‌ی سکونت در دو مقیاس سکونت‌گاه و مسکن از طریق مطالعات کتابخانه‌ای پرداخته است و سپس به منظور تحقیق اصل اول دوگانه‌ی سکونت شولتز یعنی **کجایی** اطلاعات گردآوری شده براساس **الگوی توصیفی مانرما** در الگوهای آینده‌پژوهی، تحلیل و به ارائه‌ی محتمل‌ترین توصیفات در حوزه سکونت در آینده‌ی درگیر فجایع زیستی پرداخته شده است؛ در ادامه به منظور پاسخگویی به اصل دوم دوگانه‌ی سکونت شولتز یعنی **چگونگی**، ابتدا به شکل پاسخگویی جنبش متابولیسم ژاپن در دهه ۶۰ و ۷۰ قرن بیست به مساله‌ی چگونگی سکونت در برخورد با مساله‌ی هویت در راستای پایداری اجتماعی از دریچه‌ی معماری در زمینه‌ی درگیر معضلات محیطی، که مشابه مساله‌ی پژوهش فعلی می‌باشد، به عنوان نمونه‌ی مطالعاتی پرداخته؛ سپس با توجه به این که در این جنبش چگونگی از دریچه‌ی انعطاف‌پذیری به عنوان پاسخی به مساله‌ی تغییر به عنوان مشخصه‌ی آینده در راستای پاسخگویی به معضلات هویتی برآمده است، رویکرد انعطاف‌پذیری به عنوان یک اصل نهادینه شده در ساختارهای سکونتی صنعتی این بار از رهگذر امکانات عصر دیجیتال مورد بررسی واقع شده است و براساس **الگوی سناریو محور مانرما** در الگوهای آینده‌پژوهی به منظور ساختن آینده، با ارائه‌ی پیشنهاداتی در مورد چگونگی زیستن در فضای کالبدی مسکن آینده از رهگذر این امکانات در راستای پاسخگویی به مساله‌ی پایداری اجتماعی از دریچه‌ی هویت، در سکونت‌گاه‌های آینده‌ی درگیر فجایع زیستی و خلاهای هویتی ناشی از فقدان خانه و وطن به اصل دوم دوگانه‌ی سکونت شولتز یعنی چگونگی پرداخته شده است. بنابراین در این پژوهش تلاش شده است تا از ترکیب روش توصیفی مانرما در راستای دیدن آینده (متکی بر اصل کجایی شولتز) و روش سناریو محور وی در راستای ساختن آینده (متکی بر اصل چگونگی شولتز) بهره گرفته شود.

### ۴- نمونه موردی

همانطور که در بخش‌های قبل اشاره شد آینده‌پژوهی شکل تغییرات در آینده را مورد بررسی قرار می‌دهد چرا که بشریت به واسطه ماهیت خود همواره گذرا بوده و در مراحل مختلف رشد در طول تاریخ قرار داشته است اما آنچه به طرز مشهودی در طول زمان تغییر کرده سرعت و مقیاس روزافزون تغییرات است. برای آنکه معماری مدرن به جامعه معاصر خدمت کند، باید وضعیت انتقال مداوم، مبادله، جابجایی و سازگاری مداوم را پذیرفته و پاسخ دهد؛ ویژگی‌هایی که شاخصه‌های جوامع معاصر تحول یافته‌اند و در شکل نگرستن به آینده به عنوان یک واقعیت پیچیده و در دست تغییر مداوم تأثیر گذارند و نیاز به توانایی تطبیق به علت سرعت تغییرات را افزایش می‌دهند. (Acharya, 2013, 8-9) بنابراین سبک زندگی عشایری و الگوهای کار جامعه متحرک و همچنین سایر پیامدهای جهانی شدن نیاز به ابعاد جدیدی از معماری دارد که بتواند آینده‌نگری را در تناسب پاسخگویی به سرعت و حجم تغییرات در راستای پایداری جستجو کند.

اصطلاح معماری انعطاف‌پذیر به عنوان معماری پاسخ داده شده به تغییر، معماری سیالی است که با سکونت مردم در آن کامل می‌شود. (Acharya, 2013, 3) گرایش به معماری انعطاف‌پذیر در سراسر جهان فراگیر شده است. این نوع معماری قرن‌ها مورد استفاده واقع شده، از چادرهای بیابانی اقوام بادیه‌نشین تا کاروان‌های آمریکایی ایراستریم<sup>۱</sup>، معماری انعطاف‌پذیر الهام بخش طراحان در سراسر جهان بوده است و با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد آن از جمله سبکی، امکان موقتی بودن، امکان ساخت و سازه‌های قابل حمل، پیش ساختگی، پویایی، انعطاف‌پذیری و متحرک بودن و ... در حال رشد است.

بنابراین جستجوی محیط‌های انعطاف‌پذیر و معماری پایدار چیز جدیدی نیست. این اصطلاحات، ابزارها و تصاویر به ویژه در دهه ۱۹۶۰ با جنبش متابولیسم جریان معماری ژاپن را از رهگذر پایداری حاصل از انعطاف‌پذیری با جریان معماری مدرن همراه کردند، به طوری که می‌توان این جنبش را به عنوان یکی از اصلی‌ترین سرچشمه‌های جنبش پایداری در نظر گرفت. بنابراین جنبش متابولیسم ژاپن که در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ قرن بیست با رویکرد انعطاف‌پذیری به عنوان پاسخی به مساله‌ی تغییر که مشخصه‌ی آینده است، در راستای پاسخگویی به معضلات هویتی برآمد، به دلیل مشابهت مساله با پژوهش فعلی (هویت از دریچه‌ی معماری در زمینه‌ی درگیر بحران‌های زیست‌محیطی) به عنوان نمونه‌ی مطالعاتی مورد بررسی قرار گرفته است.

۱- کاروان‌های آمریکایی ایراستریم [Airstream Caravan]

#### ۴-۱- جنبش متابولیسم ژاپن

جنبش متابولیسم با طرح‌های رادیکال و خیالی در زمینه معماری و شهرسازی، در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ توجه جامعه بین‌المللی معماری را به سمت ژاپن جلب کرد. متابولیسم با به کارگیری استعاره‌های بیولوژیک و کنار هم قرار دادن تصاویر فنی و بومی، ایده‌ی معماری ژنتیک که قادر به بازآفرینی دوباره و دوباره است فراخواند. متابولیست‌های ژاپنی از یک زاویه معاصر به نگرانی‌های ناشی از انعطاف فرهنگی به عنوان ایده‌ی اولیه هویت ملی نگاه کرده‌اند. این نگاه با رویکرد معمارانه به تغییر اساسی ژاپن به عنوان یک سیستم سیاسی-اجتماعی و از طریق ایجاد سازه‌های فیزیکی درون فضای انعطاف‌پذیر و الگوهای سازمان‌دهی قابل تطبیق با تغییرات به مصیبت انسان و محیط در اثر بمب‌گذاری اتمی ژاپن و آسیب‌پذیری ناشی از بلایای طبیعی مانند زمین لرزه، پاسخ داد. آنها تلاش کردند تا بین مفهوم شهرسازی متشکل از زیرساخت‌های بزرگ فنی و نهادی و معماری متشکل از سلول‌های سفارشی سکونت‌گاه‌ها که قابلیت تطبیق با محیط و گسترش و کاهش برحسب نیاز را دارند، به تعادل برسند.

#### ۴-۲- شهرسازی انعطاف‌پذیر<sup>۱</sup>

متابولیست‌ها با زبان بیولوژیک بین الگوهای سنتی با قابلیت اجرا در سطح جهانی و مفهوم سازه‌های فضایی پیوند ایجاد کردند. هدف اصلی متابولیسم ایجاد تلاقی بین شهرسازی و معماری حاصل از فهم سلول شخصی به سمت ایجاد خوشه‌ی بزرگ‌تر و جوامع شبکه‌ای بود. تمرکز آنها بر روی متحد کردن همه‌ی جنبه‌های شهری در یک ارگانیسم بزرگ بود، به این صورت که همه‌ی جریان‌ها در ارتباط با یک اسکلت سه بعدی به عنوان پایه خدماتی که شامل بخش‌های عملکردی چرخه‌های مختلف زندگی است، قرار می‌گیرند. این مگااستراکچرها در یک سلسله مراتب از شریان‌های سنگین ترافیکی تا سطح پیاده خیابان‌ها منشعب می‌شوند و امکانات تجاری را با سکونت پیوند می‌دهند، به گونه‌ای که با ایجاد تراس‌های مصنوعی به ساکنان این امکان را می‌دهند که خانه‌هایشان را بر روی آنها به سلیقه خودشان بسازند. بنابراین در یک دورنمای کلی، همه چیز به عنوان بخشی از یک جریان در یک فرآیند دائمی کاستن و افزودن در نظر گرفته می‌شود.

پروژه کیکوتاک با نام شهر دریایی در سال ۱۹۵۹ برای نمایشگاه معماری تصویری موزه هنر مدرن نیویورک انتخاب شد. پروژه‌های نمایش داده شده طرح‌های نظری با هدف اسکان جمعیت‌های میلیونی، در زمینه‌هایی مانند اقیانوس و آسمان بود که پیش‌تر برای این منظور در نظر گرفته نمی‌شدند. همچنین پروژه متابولیستی کیکوتاک، ایده‌ای برای سازماندهی محور شهر توکیو، در آخرین نشست کنگره سیام<sup>۲</sup> در سال ۱۹۵۹ توسط کنزو تانگه ارائه شد. با توجه به کمبود فضا و قیمت بالای زمین در توکیو، کیکوتاک پیشنهاد تزریق مجموعه‌ای از برج‌ها در کنار خلیج توکیو را داد که یک سری واحدهای کپسول مانند قابل تعویض را در خود جای دهند. پروژه‌ی بلندمرتبه کیکوتاک برای یک شهر عمودی و یک شهر دریایی، در مجله‌ی بین‌المللی معماری کوکوسای<sup>۳</sup> کنچیکو<sup>۴</sup> منتشر شد و مجدداً به عنوان بخشی از یک پروژه‌ی جامع شهر اقیانوسی در کنفرانس ورلد دیزاین<sup>۴</sup> سال ۱۹۶۰ ارائه شد.

مشهورترین پروژه‌ی متابولیستی طرح پیشنهادی کنزو تانگه برای خلیج توکیو است. کیشوکوروکاوا و آراتا ایسوزاکی نیز در این پروژه با تانگه همکاری کردند. طرح تانگه شامل یک المان خطی شبیه ستون فقرات است که از سیستم‌های لایه لایه از زیرساخت‌های دایره‌ای شکل جذاب در مقیاس‌های مختلف تشکیل شده است و از مرکز توکیو در راستای خلیج توکیو طی مسافت ۱۸ کیلومتر به عنوان (به گفته‌ی خودش) یک محور مدنی گسترش می‌یابد. تانگه چندین طرح شهری در طول سال‌های پس از جنگ جهانی با رویکرد بازسازی پیش برد و فرآیندهای بیولوژیک استعاره‌ی کلی زبان تانگه برای مدیریت توسعه‌های جدید شد: "در طول فرآیندهای رشد کالبدی‌های ارگانیک، در سطح ابتدایی یک تخم مرغ یک هسته‌ی مرکزی دارد، در ادامه این هسته به یک ستون فقرات تبدیل می‌شود که پوسته را شکسته و وارد مرحله‌ی جدیدی از رشد می‌شود. در مهره‌داران، ستون فقرات برای انتقال اطلاعات از طریق سیستم عصبی از مغز به ستون فقرات ضروری است. به عنوان یک الگو ما به بررسی رویدادهای ناشی از گسترش یک ستون فقرات از مرکز مدنی توکیو در راستای خلیج توکیو به عنوان محور مدنی پرداختیم." این طرح مبتنی بر همان اصول پروژه‌ی شهر اقیانوسی کیونوری کیکوتاک بود که تانگه این گونه شرح داد: "عناصر ساختمانی به عنوان تنه‌ی یک درخت تصور می‌شوند که یک عنصر دائمی است و واحدهای مسکونی نیز مانند برگ‌ها عناصر موقتی‌اند که بر حسب نیاز سقوط می‌کنند یا تجدید می‌شوند. ساختمان می‌تواند در درون این ساختار رشد کند و دوباره بمیرد اما ساختار باقی بماند. این درخت نه تنها یک ساختار سازمانی سلسله‌مراتبی است که مکان و زمان خاصی را نشان می‌دهد، بلکه می‌تواند به صورت سمبولیک در اشاره به مفهوم

۱- شهرسازی انعطاف‌پذیر [Resilient Urbanism]

۲- کنگره سیام [CIAM Congress: Congrès International d'Architecture Moderne]

۳- کوکوسای کنچیکو: مجله معماری ژاپنی [Kokusai Kenchiku: Japanese Architecture Magazine]

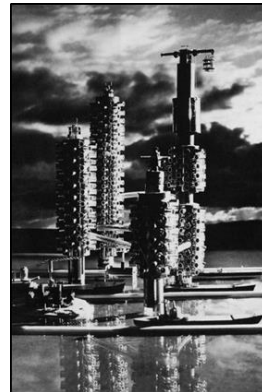
۴- کنفرانس ورلد دیزاین [World Design Conference]

زندگی نیز خوانده شود و از طریق داشتن یک تنه، ریشه، شاخه و برگ برای ایجاد تغییر و ریتم، به عنوان نشانه‌ای تاریخی و اجتماعی و به عنوان زیست‌گاهی برای سایر اشکال زندگی شناخته شود." (Schalk, ۲۰۱۴, ۲۷۹-۲۹۳)

بنابراین متابولیست‌های ژاپنی الگوهای ارگانیک خود از شهرهای شبکه‌ای را به عنوان راه حل مشکلات واقعی توسعه دادند و کانسپت انعطاف‌پذیری را به یک کانسپت کلیدی در شهرسازی معاصر در زمینه بحران‌های محیطی، اقتصادی و اجتماعی تبدیل کردند. هرچند این اصطلاح بیشتر به زمینه‌های تکنیکی و محیطی اشاره دارد تا اجتماعی و فرهنگی. ادامه‌ی مسیر آنها در دهه‌های اخیر نیز در معماری پایدار به عنوان پاسخی به بحران‌های زیست محیطی، بیشتر در مورد ساختمان‌های اکوتکنیکالی که برچسب اکولوژیک دارند و در آنها از مصالح نوین استفاده شده است به کار بسته شده و کمتر به جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی آن پرداخته شده است؛ همچنین به ندرت باعث تغییرات سیستماتیک بزرگ‌تری مانند بازنگری در امر اقتصاد جریان اصلی، تغییر الگوهای مصرف و تغییر سبک زندگی به سمت پایداری شده است. یکی از علل اصلی این امر سرعت بالای تغییرات است؛ چرا که هم زمان با اینکه حرکت جهانی مردم و کالاها روابط اجتماعی را گسترش می‌دهد، وارد عصر "تراکم فضا-زمان" نیز شده‌ایم، همان چیزی که زمانی مارکس "نابودی فضا به دست زمان" نامید. (وارد، ۱۳۹۳، ۱۱۸) بوگارد و بسیاری از مفسران نوآوری ارتباطات از قبیل اینترنت را مسئول تجدید سازمان رادیکال فضا-زمان و ساختن دنیایی که در آن، مرزهای ملی دیگر مانع چندانی بر سر راه ارتباطات نیستند، می‌دانند. بنابراین اگرچه نخستین کسی که از "دهکده جهانی" سخن گفت مارشال مک لوهان (۱۹۵۹) نظریه پرداز فرهنگی بود، تحقق این دهکده فرضی تنها با انقلاب اخیر در فناوری اطلاعات و ارتباطات میسر شده است. گیدنز (۱۹۹۰) می‌گوید این گسترده سازی روابط اجتماعی "زمان حال جهانی" را ایجاد کرده است که سبب می‌شود رخدادهای جهانی، افراد و سبک های زندگی به نحو روزافزونی در محیط پیرامونی هر روزه ما رویت پذیر شوند. (هوبارد، ۱۳۹۶، ۲۶۹-۲۷۴) "شهروند جهانی" در جایی به دنیا می‌آید، در جای دیگری تحصیل می‌کند و در سرزمین‌های مختلف به کار می‌پردازد. بنابراین مفهوم خانه، خانه پدری، سرزمین آبا اجدادی، وطن و خانه‌ی خصوصی دیگر برای او، آن مفهوم سنتی را تداعی نخواهند کرد، بلکه هویتی جدید بر اساس هم‌جواری فرهنگ‌ها در حال شکل گیری است که در آن فرهنگ دست نخورده چند قرن پیش فقط یک روایست زیرا بستن مرزهای اطلاعاتی و فیزیکی ملتها عملاً ممکن نیست. (علی الحسابی، ۱۳۹۲، ۱۲) بنابراین در دنیای امروز که علائم و نشانه‌های سنتی کمرنگ‌تر شده‌اند، دنیای اجتماعی مجموعه‌ی سرسام‌آوری از انتخاب‌های مربوط به چه کسی بودن، چگونه زیستن و چه کاری کردن را پیش روی ما می‌گذارد؛ (گیدنز، ۱۳۹۲، ۴۷) این امر همان قدر که می‌تواند کنترل شرایط را در سرعت تغییرات دشوار کند و به قول مارکس موجب نابودی فضا به دست زمان شود، امکان انتخاب‌های بیشتر در راستای آفرینش، بازآفرینش و جبران فقدان‌های هویتی، در مقام موجودات خودآگاه و خودشناس پیش رویمان می‌گذارد. بنابراین در پژوهش فعلی در راستای پاسخ‌گویی به معضلات هویتی ناشی از فقدان وطن و خانه و هم‌جواری‌های فرهنگی در سکونت‌گاه‌های آینده با رویکرد پایداری اجتماعی، انعطاف‌پذیری را به عنوان یک اصل نهاده‌ی شده در ساختارهای آینده‌گرا این بار از رهگذر امکانات دیجیتال مورد بررسی قرار می‌دهیم.



شکل ۲- طرح پیشنهادی کنزو تانگه - خلیج توکیو  
(مأخذ: noel-murphy.com)



شکل ۱- طرح پیشنهادی شهر دریایی کیکوتاک  
(مأخذ: thethinkingarchitect.wordpress.com)

## ۵- نتیجه گیری

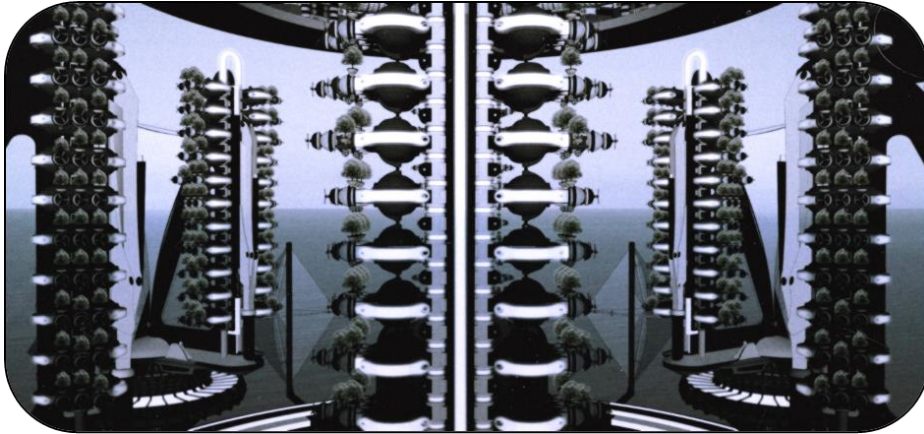
هویت به درک و تلقی مردم از این که چه کسی هستند و چه چیزی برایشان معنادار است مربوط می‌شود. جامعه شناسان اغلب از دو نوع هویت سخن می‌گویند: هویت اجتماعی و هویت شخصی؛ این شکل‌های هویت فقط از نظر تحلیلی از هم جدا و متمایز

می‌شوند اما در واقع پیوند تنگاتنگی با یکدیگر دارند. هویت اجتماعی به معنی ویژگی‌هایی است که از طرف دیگران به یک فرد نسبت داده می‌شود. این ویژگی‌ها را می‌توان نشانه‌هایی تلقی کرد که نشان می‌دهند هر شخص معینی اساساً چه کسی است. در عین حال، این ویژگی‌ها شخص مذکور را به افراد دیگری مربوط می‌کند که همین خصوصیات و کیفیات را دارند. بنابراین هویت‌های اجتماعی بعد جمعی دارند. آنها مشخص می‌کنند که افراد چگونه و از چه نظر "شبیه" دیگران هستند.

جدول ۴- دوره‌های آینده‌پژوهی (با اقتباس از (مهدوی نژاد، ۱۳۸۹) و (بمانیان، ۱۳۸۹))

| نظریه پرداز         | هویت                                                 | هویت به عنوان عامل شناسایی<br>براساس تقابل دوگانه‌ی تشابه و تمایز | هویت دارای دو وجه عمومی و خصوصی |
|---------------------|------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------|---------------------------------|
| استیون هال          | • عامل شناسایی                                       | ●                                                                 |                                 |
| کاترین وودوارد      | • عامل شباهت درون گروهی<br>• در عین تفاوت برون گروهی | ●                                                                 | ●                               |
| والتر بور           | • عامل بازشناخت و خوانایی<br>• محیط از طریق تفاوت    | ●                                                                 |                                 |
| کالن                | • عامل شخصیت فردی هر<br>• محیط از طریق تفاوت         | ●                                                                 |                                 |
| آموس راپاپورت       | • عامل ایجاد قابلیت تمیز و تشخیص                     | ●                                                                 | ●                               |
| اریک اریکسون        | • عامل یکی شدن با خود و مشارکت با دیگران             | ●                                                                 | ●                               |
| چارلز جنکز          | • عامل طبقه‌بندی افراد و اشیا                        | ●                                                                 |                                 |
| احمد اشرف           | • عامل شناسایی یک گروه از گروه‌های دیگر              | ●                                                                 |                                 |
| صدرالمتالهین شیرازی | • عامل تمایز                                         | ●                                                                 |                                 |

هویت شخصی اما، ما را به عنوان افرادی جدا و مجزا از یکدیگر متمایز می‌کند و بعد فردی دارد. در آینده‌ی درگیر فجایع زیست‌محیطی که فقدان خانه و وطن ابعاد فردی و جمعی هویت را مستقیماً تحت تاثیر قرار می‌دهد، بازیابی هویت از منظر سکونت اهمیت می‌یابد (گیدنز، ۱۳۹۲، ۴۵-۴۶) چرا که به گفته‌ی مارتین هایدگر "سکونت بیانگر برقراری پیوندی پرمعنا بین انسان و محیطی مفروض می‌باشد و این پیوند از تلاش برای هویت یافتن یعنی، به مکانی تعلق داشتن ناشی گردیده است." (شولتز، ۱۳۹۵، ۱۷) کریستین نوربرگ شولتز در کتاب "مفهوم سکونت" عنوان آبادی را به این محیط مفروض نسبت می‌دهد و آن را صحنه‌ی رخداد سکونت می‌داند. (شولتز، ۱۳۹۵، ۱۰۹) این وجه از سکونت که در حوزه‌ی مفاهیم شهری قابل بررسی است و اصل کجایی دوگانه‌ی سکونت شولتز را تشکیل می‌دهد، همان ارزش‌های مشاع و وجه شباهت درون گروهی در تعاریف مربوط به هویت است و بعد عمومی هویت را شکل می‌دهد که در پژوهش فعلی در بخش مرور ادبیات براساس روش توصیفی ماترما به منظور دیدن آینده، به عنوان بستر سکونت در آینده‌ی درگیر فجایع زیست‌محیطی، در قالب زیست‌گاه‌های شناور مورد بررسی قرار گرفت.



شکل ۳- کجا- بعد جمعی هویت: سکونت‌گاه آینده در قالب زیست‌گاه شناور (ماخذ: نگارندگان)

و اما هویت فردی که وجه تمایز برون گروهی در تعاریف مربوط به هویت است و بعد خصوصی هویت یا هویت فردی را در مقیاس خانه شکل می‌دهد، به گفته ی هایدگر در ارتباط با چگونگی گردآوری چیزها و جهانی از آنها را به خود اختصاص دادن قرار می‌گیرد و با الهام از آرا هایدگر اصل دوم دوگانه‌ی سکونت شولتز یعنی چگونگی را تشکیل می‌دهد. این وجه از سکونت به عنوان اصل دوم دوگانه‌ی سکونت شولتز در پژوهش فعلی به روش سناریو محور مانرما، وجه تمایز در تعاریف مربوط به هویت را از رهگذر انعطاف‌پذیری حاصل از افزوده شدن لایه‌های غیرفیزیکیال به ساختارهای فضایی و روح مکان حاصل از آنها با نگاه خوش‌بینانه در راستای ساختن آینده مورد بررسی قرار داده و به تولید سناریو در این رابطه به منظور پاسخ‌گویی به معضلات هویتی در راستای پایداری اجتماعی پرداخته است.

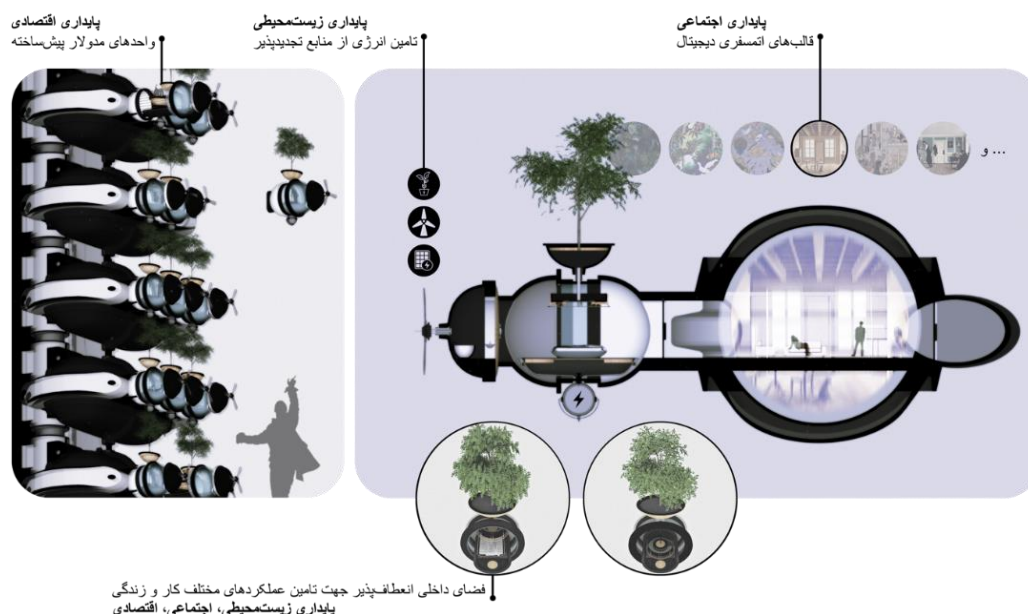
#### ۵-۱- پیشنهاد

همانطور که گفته شد در زیستگاه‌های چندملیتی آینده افول ساختارهای اجتماعی-فرهنگی منحصر به جوامع مختلف ناشی از جدا شدن از بسترهای ملی یکپارچه و قرارگیری در یک بستر چندملیتی، منجر به ایجاد نوعی خلا هویتی از منظر هویت جمعی و روح تاریخی در فضای کلی سکونت‌گاه‌های آینده خواهد شد؛ همچنین همانطور که پیش‌تر اشاره شد در سکونت‌گاه‌های آینده استفاده از برخی تکنولوژی‌های مرتبط با ساخت و ساز مدولار، پیش ساختگی، چاپ سه بعدی و ... به دلیل توجیهات مختلف اقتصادی و زیست محیطی، اجتناب ناپذیر بوده و این امر موجب قرارگیری افراد از فرهنگ‌های مختلف در قالب‌های زیستی یکسان و تشدید بحران‌های هویتی از منظر فقدان تمایز با غیر در ابتدای امر می‌شود. بنابراین با توجه به محدودیت‌های مرتبط با تنوع کالبدی فضای خانه‌ها ناشی از پیش‌ساختگی، مدولاریزه شدن و ... به منظور اسکان تعداد بیشتر افراد در شرایط خاص بحران‌های زیست محیطی، امکانات دیجیتال که بیش از منظر فیزیکیال، از منظر غیر فیزیکیال بر اتمسفر فضاها تاثیر گذاشته و آنها را دچار تغییر می‌کنند، در پژوهش فعلی به عنوان گزینه‌ای مناسب جهت ایجاد تغییر، شخصی‌سازی اتمسفر خانه‌ها و جبران محدودیت‌ها و فقدان‌های فضای کالبدی در راستای بازیابی هویتی و از این طریق پایداری اجتماعی حاصل از این شکل از انعطاف‌پذیری در ساختارهای سکونت‌گاهی، پیشنهاد می‌شود.

هرچند عده‌ای معتقدند که پیشرفت‌های هرچه بیشتر در چنین زمینه‌هایی خطر انزوا و تنهایی بیشتر افراد به دلیل افزایش تمایل به ماندن در خانه را در پی خواهد داشت، اما به نظر می‌رسد که ویژگی‌های ذاتی انسان به عنوان موجودی اجتماعی به گونه‌ای است که تمایل به گردهم‌آیی در بعد فیزیکیال حتی در صورت هرچه بیشتر و گسترده‌تر شدن ارتباطات افراد در ابعاد غیر فیزیکیال نه تنها کمتر نمی‌شود بلکه شاید بیشتر شده و بهانه‌ای برای ایجاد ارتباطات اجتماعی گسترده‌تر شود. به عنوان مثال در شرایط فعلی تجربه‌ی زندگی در قرنطینه و انفرادی‌های خانگی این روزها به علت فراگیری جهانی بیماری کرونا و لزوم بازتعریف شکل ارتباطات از طریق فضای دیجیتال، همچنان می‌توان شاهد تداوم اشتیاق افراد به گردهم‌آیی‌های بعد فیزیکیال، در مقیاس جهانی بود؛ همانطور که در عصر اطلاعات و ارتباطات افزایش امکانات ارتباطی بیشتر در مقیاس جهانی و زیست هرچه بیشتر در زمان حال جهانی از طریق پیشرفت‌های تکنولوژیک همواره موجب افزایش جابجایی‌ها و حضور فیزیکی افراد در محیط‌های بیشتر و در فواصل گسترده‌تر شده است. بنابراین با نگاهی خوش‌بینانه به نظر می‌رسد که تنوع و گستردگی امکانات عصر دیجیتال همان‌قدر که ممکن است حس مکان و کیفیت زندگی را مورد تهدید قرار دهد، می‌تواند امکان ارتقای آن‌ها را نیز فراهم آورد.

## ۵-۲- راهکار

به نظر می‌رسد یک رویکرد هابیرید که درگیری دوطرفه‌ی انسان و تکنولوژی را در پی داشته باشد در راستای تقویت حس تعلق به فضا، بازتعریف خود از طریق فضای خانه و همچنین حفظ پویایی و عملگرایی افراد موثر واقع شود؛ در این روند شکل‌گیری حس تعلق به فضای سکونت جدید ابتدا از رهگذر یک مطالعه‌ی جامع در خصوص مفهوم سکونت در فرهنگ‌های مختلف و ویژگی‌های خانه در آنها، به طراحی قالب‌های فرهنگی دیجیتال از مفهوم خانه در فرهنگ‌های مختلف پرداخته، به طوری که امکان پیاده‌سازی در قالب‌های کالبدی مدولار و پیش‌ساخته از واحدهای مسکونی تماما هوشمند را داشته باشند و از این طریق به نوعی حس مکان خانه‌ها بومی‌سازی شود تا ساکنان در ابتدای سکونت تا حدی دچار نوعی بازگشت به روح تاریخی فرهنگ بومی خود شوند. در ادامه نیز در راستای شخصی‌سازی فضاها و هویت فردی، امکانات تکنولوژیک در عین کنترل سلامت، فعالیت و امنیت، به گونه‌ای در فضای خانه‌ها تعریف شوند که به جای سلب مسئولیت از افراد، تنبیل کردنشان در انجام کارهای روزمره و واگذاری افراطی کارها به ماشین، آنان را به تناسب توان فیزیکی، سن، سبک زندگی، ویژگی‌های فردی و ... در یک سیر پویا و هوشمندانه در انجام امور روزمره دخیل کند و از این طریق این قالب‌های دیجیتال در راستای بازیابی هویت فردی دست‌خوش پردازش و شخصی‌سازی شوند؛ مانند اتفاقی که در مورد سایر ابزارهای دیجیتال در خلال شکل استفاده‌ی منحصر به هر فرد حاصل می‌شود و این ابزارها را به ابزارهای شخصی تبدیل می‌کند. در مورد خانه نیز می‌توان از طریق نوعی بازنگری در تعریف لوکوربوزیه از خانه به عنوان ماشینی برای زندگی بار دیگر به این فضا به عنوان ابزاری در راستای شخصی سازی و ایجاد تمایز به نفع هویت فردی استفاده کرد و این بار بازیابی هویتی را در خلال انعطاف‌پذیری حاصل از به رسمیت شناختن لایه‌های فضایی جدید و روح مکان حاصل از آنها جستجو کرد؛ چرا که این شکل از تعریف حس خانه در قالب‌های دیجیتال و از طریق امکانات غیر کالبدی در شرایط بحران و محدودیت‌های احتمالی حاصل از آن در بعد کالبدی، می‌تواند پاسخ‌های سریع‌تری در راستای بازیابی‌های هویتی پس از تروما پیش رو گذارد؛ به ویژه در شرایطی که امکان بازسازی‌های شهری، ناشی از عدم امکان زندگی دوباره در بسیاری از شهرها به دلیل تغییرات اقلیمی وجود ندارد. به علاوه می‌توان از امکان ساخت حساب کاربری و ذخیره‌سازی دیجیتال، در راستای ذخیره‌سازی دیجیتال اتمسفرهای شخصی در حساب‌های کاربری استفاده کرد و از این طریق به نفع غنی‌سازی روزافزون حس خانه در طول زمان، انتقال و بازتعریف اتمسفرهای دیجیتال حس خانه به خانه‌های بعدی افراد، آرشوسازی دیجیتال اتمسفر خانه در دوره‌های مختلف زندگی افراد و از این طریق امکان نوعی سفر در زمان از رهگذر حس خانه برای افراد، دسته‌بندی عملکردی اتمسفر فضاها و ذخیره‌سازی دیجیتال آن‌ها در اشکال مختلف کار و زندگی در فضای خانه‌ها و بسیاری دیگر از امکانات حاصل از اضافه شدن ردپاهای دیجیتال به ابعاد فیزیکی در راستای انعطاف‌پذیری هرچه بیشتر فضاها، عمل کرد. بنابراین انعطاف‌پذیری حاصل از امکانات دیجیتال می‌تواند در راستای اصل دوم دوگانه‌ی سکونت شولتز یعنی چگونگی سکونت، به عنوان فرصتی به نفع رفع معضلات هویتی با رویکرد پایداری اجتماعی از رهگذر انعطاف‌پذیری مورد بهره‌برداری قرار گیرد.



شکل ۴ - چگونه - بعد فردی هویت : مسکن آینده با رویکرد (مأخذ: نگارندگان)



## منابع

۱. گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۲) جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاووشیان، نشر نی
۲. وارد، گلن. (۱۳۹۳) پست مدرنیسم، ترجمه قادر فخر رنجبری و ابوذر کرمی، نشر ماهی
۳. هوبارد، فیل. (۱۳۹۶) شهر، ترجمه افشین خاکباز، انتشارات علمی و فرهنگی
۴. برمن، مارشال. (۱۳۹۲) تجربه مدرنیته، ترجمه مراد فرهادپور، انتشارات طرح نو
۵. بدیو، آلن. (۱۳۹۴) این قرن، ترجمه فواد جراح باشی، انتشارات بیدگل
۶. فکوهی، ناصر. (۱۳۹۶) انسان شناسی شهری، نشر نی
۷. بورچ، کریستین و پالاسما، یوهانی و بومه، گرنوت. (۱۳۹۶) اتمسفر معمارانه، ترجمه مرتضی نیک فطرت، نشر فکر نو
۸. نوربرگ شولتر، کریستین. (۱۳۹۵) مفهوم سکونت (به سوی معماری تمثیلی)، ترجمه محمود امیریاراحمدی
۹. ویل، لارنس جی و کامپانلا، توماس جی. (۱۳۹۷) شهر از نو، ترجمه نوید پورمحمد رضا، انتشارات اطراف.
۱۰. قبادیان، وحید. (۱۳۹۴) میانی و مفاهیم در معماری معاصر غرب، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۱۱. علی الحسابی، م و کرانی، ن. (۱۳۹۲) "عوامل تاثیر گذار بر تحول مسکن از گذشته تا آینده"، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۱
۱۲. مهدوی نژاد، م.ج و بمانیان، م.ر و خاکسار، ن. (۱۳۸۹) "هویت معماری؛ تبیین معنای هویت در دوره های پیشامدرن، مدرن و فرامدرن"، هویت شه، شماره ۷
۱۳. بمانیان، م.ر و غلامی رستم، ن و رحمت پناه، ج. (۱۳۸۹) "عناصر هویت ساز در معماری سنتی خانه های ایرانی"، مطالعات هنر اسلامی، شماره ۱۳
14. Czapiewska,k & Roeffen,B & Dal Bo Zanon,B & de Graaf,R. (2013) The Floating City Project, The Seasteading Institute/Final report
15. Diaz, Francisco. (2017) Archifutures
16. Metcalfe, M. (2006) "Reading Critically at University", Sage Publications
17. klinec, I. (2015) "The Theory of Futurology as the science of the future", Slovak Academy of sciene
18. Kuosa, T. (2011) "Evolution of futures studies", Futures (The journal of policy, planning and futures studies)
19. Sardar, Z. (2010) "The Namesake: Futures; Futures studies; Futurology; Futuristic; Foresight-What's in a name?" Elsevier, No. 42
20. Acharya, L. (2013) "Flexible Architecture For The Dynamic Societies" Master's thesis in Art History, Faculty of Humanities, Social Sciences and Education University of Tromso
21. Schalk, M. (2014) "The Architecture of Metabolism. Inventing a Culture of Resilience", Arts, no.3, pp. 279-290
22. Mattoneill, (2018, 8Nov). 2025 – The Future of Housing and Lifestyle – Part 3: Lifestyle and Health. <http://www.futuristmatt.com/2025-the-future-of-housing-and-lifestyle-part-3-lifestyle-and-health>
23. Wang, L, (2016, 20Mar). 7 Futuristic floating cities that could save humanity. <https://inhabitat.com/7-futuristic-floating-cities-that-could-save-humanity/>
24. Wang, B, (2019, 3Jun). floating cities: the future or a washed-up idea? <https://www.google.com/amp/s/theconversation.com/amp/floating-cities-the-future-or-a-washed-up-idea-116511>
25. KIRSITE MCCRUM, (2016, 12Aug). Inside the homes of 2050 with smart beds, virtual reality friends and self decorating rooms. <https://www.google.com/amp/s/www.mirror.co.uk/news/uk-news/inside-home-2050-self-decorating--8615719.amp>
26. MacFarlane, I, (2018, 6Jun). What homes could look like in 2050. <https://www.showhouse.co.uk/news/what-homes-could-look-like-in-2050/>



## جستاری بر تزئینات مسجد جامع ساری

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۳/۲۶

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۴/۲۸

کد مقاله: ۲۷۵۸۱۲

پیمان غضنفری<sup>۱\*</sup>، آزاده آرزو<sup>۲</sup>

### چکیده

مسجد جامع ساری از ابنیه مهم تاریخی معماری استان مازندران می باشد. این بنا یکی از اولین مساجد جامع استان بوده که ساختمان آن از ابتدا برای پرستش ساخته شده است. این بنا در ابتدا پرستشگاه دین زرتشت و در سال ۱۴۴ ه.ق به مسجد و برای پرستش الله تغییر یافته است. این مسجد از معدود بناهای تاریخی این استان است که با توجه به آب و هوای این منطقه که رطوبت مضاعف باعث نابودی بناها می شود، تاکنون پابرجاست. از دوران قاجار و پهلوی اول بازسازی های متعددی در این بنا انجام شده که این مرمت ها تا زمان معاصر ادامه داشته است. مرمت های بسیار باعث شده طرح این بنا به شبستان ستوندار و ایواندار تبدیل شده و جزئیاتی را به همراه داشته باشد. از خصوصیات این مسجد می توان به سقف چوبی آن اشاره کرد. این پژوهش با روش گردآوری اسنادی و میدانی و روش تحقیق توصیفی-تحلیلی به بررسی جزئیات و تزئینات مرمت آخر این بنا که پس از آتش سوزی سال ۱۳۹۷ انجام شده، می پردازد. این نوشتار به تحلیل تزئینات این مسجد می پردازد و در دو بخش بررسی و تحلیل این مهم را به انجام می رساند. تزئینات این بنا از قبیل کاشیکاری، گچکاری، چوبی، سفال کاری و آجرکاری بوده که به بررسی آن ها پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: تزئینات، جزئیات، مسجد، مسجد جامع، ساری.

۱- دانشجوی دکتری معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان، (نویسنده مسئول) (pamdesigners@gmail.com)

۲- کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه پردیسان فریدونکنار.

## ۱- مقدمه

مسجد جامع ساری، بنایی است که بر ویرانه‌های آتشکده بنا شده است. این محوطه از ابتدا محل پرستش بوده و پس از اسلام آوردن علویان، این بنا به عنوان مکانی برای پرستش الله بر پا شده است. مسجد حاضر، مسجدی شبستانی و یک ایوانی است که بنا به اقلیم و آب و هوای شمال ایران سقف‌های آن شیبدار شده و جزئیات و تزئینات آن چوبی است. یکی از ارکان تزئین مساجد استفاده از نقوش هندسی در مفهوم نمادین و فلسفی آن به منظور تأثیرگذاری روانی بر عابد و تقویت حس وحدانیت در فضای مسجد است. این بنا پس از آتش سوزی تیرماه ۱۳۹۷، مورد بازسازی قرار گرفته و مرمت شده است. بازسازی انجام شده مسجد را شبیه به حالت قبلی خود در آورده است. مسجد از آنجا که محل پرستش خداست، تزئینات کمتری داشته که حواس مومن را به دنیای مادی و گذرا جلب نکند. به همین جهت تزئینات این بنا به سرشیرها، سقف‌های چوبی داخلی و دهن اژدری‌ها و در نهایت منبر چوبی قدیمی که در شبستان جنوبی قرار گرفته است، منتهی می‌شود. البته پیشانی ایوان این مسجد به کاشی‌کاری‌های معرق مزین شده است. در متن کاشی‌های معرق، نوشته‌هایی به خط بنایی کار شده که در بین نوشته‌ها کلمات محمد و علی در فواصل مختلف و در کادرهای مجزا مشاهده می‌شود. این بنا که از قدیمی‌ترین بناهای شهر ساری است، در پژوهشی به طور کامل بازنگری نشده و تزئینات آن مورد بررسی قرار نگرفته است. بدین سبب در این پژوهش به بررسی این جزئیات و تزئینات پرداخته شده است.

## ۲- سوال و روش تحقیق

عمده‌ترین تزئینات به کار رفته در مسجد جامع ساری کدام است؟

روش این تحقیق به شیوه توصیفی-تحلیلی آثاری است با محتوای تزئینات معماری سنتی از جنبه نظری، مهمترین زمینه‌های تولید مفاهیم تزئینات موجود در مسجد جامع ساری، بوده است. در فرایند دستیابی به مفاهیم این تزئینات براساس الگوهای مطالعاتی پژوهش‌های پیشین و بررسی نقشه‌های موجود از طرح مرمتی اخیر این مسجد به تجزیه و تحلیل این جزئیات و تزئینات پرداخته خواهد شد.

## ۳- پیشینه تحقیق

در رابطه با معماری مساجد جامع تحقیق‌های متعددی از جمله کتب، مقالات و پایان‌نامه‌ها، انجام شده است و در این نوشته‌ها با بررسی مساجد جامع به نتایج مختلفی رسیده‌اند. از آن جمله تحلیل معماری مساجد ایران نوشته رضا شاطریان است که به بررسی هنر و معماری مساجد ایران پرداخته است. در این کتاب ویژگی‌های معماری مساجد بزرگ بررسی شده و ساختار معماری آنان ارائه گردیده است. مریم هندان در پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، به بررسی و مطالعه ویژگی‌های تزئینات معماری مسجد جامع مظفری کرمان پرداخته است. در این پژوهش سعی بر این بوده که اطلاعات کلی درباره انواع فنون ساخت و نقوش به کار رفته در تزئینات کاشی‌کاری بنای مسجد ارائه گردد. نعمتی و شهلائی، در مقاله "تحول فضایی در معماری مسجد چهارایوانی نسبت به مسجد شبستانی" با در نظر گرفتن نظریه نحو فضا به بررسی الگو فضای معماری پرداخته‌اند. بهبود کیفیت معماری مسجد جامع اصفهان براساس سیر تاریخی و تغییر الگوی آن از شبستانی به چهارایوانی بررسی شده است. زمرشیدی در مقاله "مسجد بی‌نظیر جامع گوهرشاد و هنرهای قدسی معماری" به تحلیل جزء به جزء این مسجد پرداخته است. در رابطه با معماری اسلامی-ایرانی و نمادهای آن کتب متعددی نوشته شده است. از آن جمله کتاب هنرهای شیعی در مجموعه تاریخی و فرهنگی شیخ صفی‌الدین اردبیلی نوشته حسن یوسفی و ملکه گلمغانی‌زاده اصل است که به بررسی نمادهای شیعی در این مجموعه پرداخته است. همچنین مقاله علی‌اصغر کلانتر و دکتر حبیب‌الله آیت‌اللهی با عنوان «کاربرد آیات قرآنی و متون مذهبی در تزئینات معماری شیعی مازندران» چاپ‌شده در مجله نگره به بررسی کتیبه‌های شیعی به کار رفته بر مقابر امام‌زاده‌های مازندران پرداخته شده است.

## ۴- ادبیات پژوهش

### ۴-۱- مسجد جامع

کلمه «جامع» در قرآن کریم تنها یک بار به معنای لغوی (در ترکیب «امر جامع») و به مثابه اسمی از اسامی حق تعالی به کار رفته است. به طور کلی این واژه که از اسم فاعل جمع و به معنای پیوستن اجزا به یکدیگر و گردآوردن است، نوعی باشکوهی از بنا بود که رابطه کاملاً مستقیمی با کارکرد بسیار بزرگتر مسجد داشت و نفس لفظ آن، کارکرد حیاتی این بنا را یادآوری می‌کند (قرآن کریم).

آنچه مسجد جامع را جامعیت می‌داد، برگزاری نماز جمعه در آن بود؛ تا جایی که مسجد جامع را مسجد جمعه نیز می‌گفتند. جامع، نقشی عمومی با مایه‌های نمادین و تبلیغی داشت که مساجد عادی از آن بی‌بهره بودند. بنا به روایات و متون تاریخی، احداث جامع تنها با اجازه و تصویب شخص خلیفه بود؛ چنان که احداث جامع بصره و کوفه با اجازه خلیفه دوم بود (دینوری، ۱۳۸۳). پیشینه مسجد جامع به سال‌های اولیه اسلام و زمان حیات پیامبر (ص) بر می‌گردد. اما ترویج و بنیان مسجد جامع به طور رسمی از دوره خلیفه دوم آغاز شد. در این دوره به مسجد جامع، مسجد اعظم می‌گفتند (کلینی، ۱۳۷۵) و برگزاری نماز جماعت و نماز مستحبی را در آن، برتر از حج و عمره مستحبی می‌دانستند (سویطی، ۱۳۹۰). در نام‌گذاری جامع‌ها، پیروی از آموزه‌های اخلاقی و دوری از خودنمایی و نیز جلب رضایت پروردگار و ثواب اخروی موجب می‌شد که بانیان جامع، دست کم در ظاهر، چندان عنایتی به نام‌گذاری رسمی برای جامع‌ها نداشته باشند، از این رو بیشتر مساجد به نام شهرها خوانده می‌شدند (نوری، ۱۳۶۶).

#### ۴-۲- تزئینات

یکی از دلایل زیبایی و منحصر به فرد بودن معماری اسلامی ایران تزئینات آن است. این تزئینات که شامل هنرهایی مانند آجرکاری، حجاری، کاشی‌کاری، گچ‌بری، آینه‌کاری و غیره می‌شود، در هر دوره بنا بر مقتضیات زمان خود ویژگی‌های متفاوتی دارند. از طرفی شرایط بومی و اقلیمی نیز تأثیر مهمی در چگونگی این فنون تزئینی داشته است.

#### ۵- مسجد جامع ساری

شهر ساری از جمله شهرهای باستانی استان مازندران است. در نقشه‌های جغرافیایی زمان هخامنشیان تنها یک شهر در کنار دریای خزر مشاهده می‌شود و نام آن زادکارتا است و مکان تاریخی شهر زادکارتا دقیقاً با جایگاه کنونی ساری همخوانی دارد. گرچه برخی محققین بنیاد شهر ساری را از اقدامات فرخان بزرگ می‌دانند، ولی با مرور تاریخ مازندران می‌توان باور داشت که ساری کنونی بر روی لایه‌های شهری ساخته شده که از قرون ماقبل از اسلام مرکز ایالت شمالی ایران بوده است.



شکل ۱- موقعیت شهر ساری و مسجد جامع در آن (ماخذ: Google map، ۱۳۹۹)

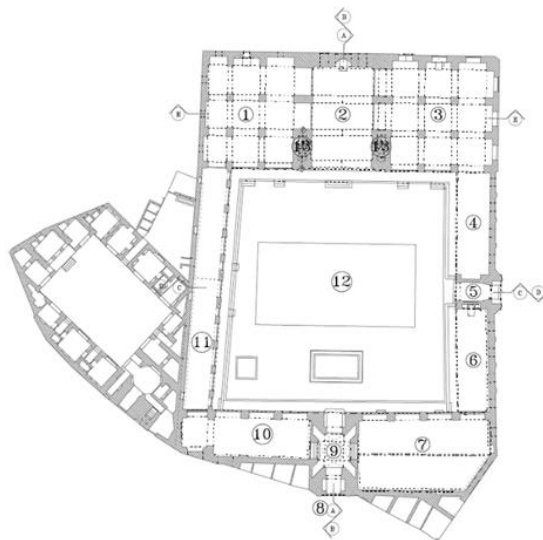
مسجد جامع ساری را یحیی بن یحیی در زمان خلافت هارون الرشید بنیاد نهاد و مازیار بن قارن به اتمام رسانید (تسبیحی، ۱۳۴۵). امیر که ذکر وی برود بنیاد نهاد و مازیار بن قارن با تمام رسانید و آثار عمارت مازیار بیشتر ظاهر است و گنبد آن چهار در که در مقابل سرای باوندان نهاد و ملک سعید اردشیر غفرالله ذنوبه آن موضع را باغی خرم ساخته بود و به یک جانب میدان و گنبد در میان منوچهر شاه اساس افکند و به عهد اصفهید خورشید گاو باره خللی یافته بود مرمت کردند، در مقدور هیچ آدمی نیست که از آن عمارت خشتی جدا کنند از احکام ریخته که فرموده‌اند (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۶). این بنا از اولین مساجد دیار علویان و شمال کشور بوده است. مسجد جامع ساری بر روی ویرانه‌های آتشکده‌ای در این مکان بنا شده است. مسجد جامع ساری در کوچه‌ای به همین نام در مرکز شهر ساری قرار گرفته است. این شهر همچون تمامی شهرهای این مرز و بوم نقطه مرکزی آن که گره اصلی شهر بوده، با حضور مسجد جامع پررنگ شده و در ادامه آن بازار و شروع شهر از این نقطه بوده است.



شکل ۲- مسجد جامع ساری، (ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)

## ۶- یافته‌های تحقیق

همانطور که گفته شد مسجد جامع ساری، با قرارگیری در مرکز شهر ساری و در کنار بازار شهید رجایی از نقاط کانونی این شهر است. در شکل ۳، پلان فضاهای همکف این بنا نشان داده شده است:

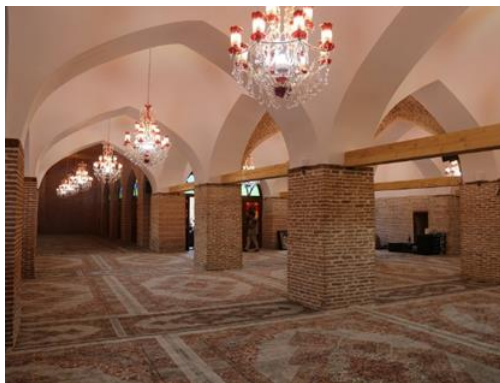


۱. شبستان خواهران
۲. شبستان اصلی و محراب‌خانه
۳. شبستان برادران
۴. شبستان جنوب غربی
۵. ورودی غربی بنا
۶. شبستان شمال غربی
۷. شبستان شماره یک شمالی
۸. ورودی شمالی
۹. هشتی
۱۰. شبستان شماره دو شمالی
۱۱. شبستان شرقی بنا
۱۲. حیاط مرکزی
۱۳. فضای راه پله و مناره

شکل ۳- پلان فضاهای همکف مسجد جامع ساری، (ماخذ: شرکت مهندسان مشاور پام، ۱۳۹۹)

## ۶-۱- تزئینات موجود در مسجد جامع

تزئینات و جزئیات در این مسجد به دو دسته تقسیم می‌شود. تزئیناتی که در نمای این بناست و تزئیناتی که داخل این مسجد را مزین کرده است. با توجه به منطقه مورد بررسی که شمال کشور است، در این منطقه با توجه به فراوانی چوب، جزئیات چوبی از اصلی‌ترین تزئینات این مسجد بوده است. منبر چوبی کهن، دهان اُذری‌های شبستان شمالی، سرشیرهای سقف‌ها، درها و پنجره‌های چوبی از تزئینات چوبی این بناست. ایوان و شبستان اصلی این بنا که ورودی آن با آجرکاری، کاشی‌کاری و خط کوفی مزین شده، از دیگر تزئینات این مسجد است که در ادامه این پژوهش به تفصیل آن می‌پردازیم.



شکل ۴- شبستان جنوبی مسجد جامع ساری، (ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)

## ۶-۱-۱- تزئینات آجرکاری



شکل ۵- ورودی شمالی مسجد جامع ساری، (ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)



شکل ۶- طرح خفته راسته کف میانسرا و دیواره مهتابی مسجد جامع ساری، (ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)



شکل ۷- طرح مشبک آجری پشت شبستان جنوبی مسجد جامع ساری رو به کوچه پشت مسجد، (ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)

آجر از قدیمی‌ترین مصالح مورد مصرف در معماری است که قدمتی ۶۰۰۰ ساله دارد و همچنان نیز با وجود صنعتی شدن جوامع و روی کار آمدن مصالح جدید، جایگاه خود را حفظ کرده است (هوج، ۱۳۸۰). در معماری اسلامی ایران، آجر همواره نقش مهمی را ایفا می‌کند. در حقیقت آجر به عنوان عمده‌ترین ابزار شکل دهی بنا، قابلیت این را داشته است که در تمامی وجوه و اجزای ساختمان، از پی، اسکلت‌سازی و استخوان‌بندی گرفته تا تزئینات، نماسازی و جزئیات بنا به کار رود (کیانی، ۱۳۷۶).

مسجد دارای دو ورودی غربی و شمالی است که ورودی اصلی آن در سمت شمال قرار گرفته و دارای فضای هشتی و سقف گنبدی با تزئینات کاربندی است. (پاباریک، شاپرک، سنپوسه، سینه باریک)

### الف- آجرچینی ساده

از جمله تزئینات آجری به کار رفته در مسجد، آجرچینی ساده است که در سرتاسر بنا از جمله سقف و دیوارهای راهرو ورود به حیاط پشتی، رواقها و شبستان‌های مسجد دیده می‌شود. الگوی آجرچینی به کار رفته در تمامی بخش‌های مسجد تقریباً یکی است آجرچینی روی دیوارها به صورت خفته و راسته یا افقی و عمودی است. در رسمی‌بندی‌های سقف‌های مسجد نیز آجرها به صورت عمودی، افقی و یا اریب چیده شده‌اند.

### ب- راسته خفته

خفته و راسته یا نر و لاس فن و طرحی از آجرچینی در ساخت سطوح تاق ضربی یا آجرفرش کف است که آجرها یکی‌درمیان به شکل عمود بر یکدیگر (یکی خفته و افقی و دیگری راسته و عمودی) کار گذاشته می‌شود. با عبور از فضای هشتی وارد فضای میان سرا می‌شویم. که کف آن با طرح‌های زیبای آجری مفروش گردیده است.

### ج- مشبک آجری

از دیگر تزئینات آجری به کار رفته در مسجد، مشبک آجری است. این شیوه آجرکاری معمولاً در بخش‌های مرتفع فضاهای بسته مسجد جهت هدایت نور به داخل بنا استفاده می‌شود. پنجره‌های پشت مسجد به سمت بافت تاریخی کوچه مسجد جامع با این فن اجرا شده‌اند. این پنجره‌ها با فرم مشبک فخری مدی پنجره مقصوره، ساخته شده‌اند.

## ۶-۱-۲- تزئینات کاشیکاری

اوایل دوران اسلامی و پیش از روی کار آمدن کاشی‌کاری از آجرکاری، گچبری و حجاری برای تزئین بنا استفاده می‌شده است. در معماری ایران فن لعاب دادن آجر به تدریج منجر به تولید کاشی شد. آغار استفاده از کاشی در معماری اسلامی به درستی مشخص نیست. بررسی‌ها و کاوش‌ها نشان می‌دهند که از اواخر قرن چهارم هجری هنرمندان با ساخت کاشی و نحوه لعابدهی آشنا بوده‌اند.





شکل ۸- کاشیکاری ورودی شبستان جنوبی مسجد جامع ساری، (ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)

کاشیکاری از مهمترین تزئینات معماری اسلامی در ایران محسوب می‌شود و بسیاری بر این عقیده‌اند که ایران اولین کشوری است که از کاشی هم برای تزیین و هم به منظور استحکام بنا بهره گرفته است (کیانی، ۱۳۶۲). هنر کاشیکاری در طی ادوار اسلامی با ویژگی‌های خاصی تکامل، گسترش و توسعه یافت و با شیوه‌های مختلف ساخته و پرداخته شد. طی این ادوار همواره از کاشی جهت تزیین بناهای مختلف به ویژه بناهای مذهبی بهره برده شد. سردر ورودی شبستان اصلی که همان شبستان جنوبی است با کاشیکاری مزین شده است.

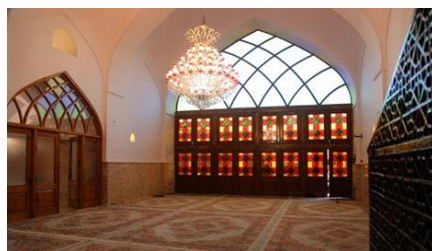
### ۶-۱-۳- تزئینات گچ کاری

گچ، از قدیمی‌ترین مصالح ساختمانی شناخته شده است (Malta at els, 2007). به سبب ویژگی‌های ممتاز این ماده، متناسب بودن آن با شرایط اقلیمی و دسترسی آسان کاربران از دوران پیش از تاریخ، در آثار معماری ایران به کار رفته است (ملک شهیمزادی، ۱۳۸۷). موارد بهره‌گیری از گچ در ایران باستان به ویژه در نمونه‌هایی چون آثار عیلامی هفت تپه خوزستان (نگهبان، ۱۳۷۲)، سطوح رنگین تپه باباجان (فریه، ۱۳۷۴)، آثار یافت شده از تپه گوران (مکی نژاد، ۱۳۸۷) و نمونه‌های بر جای مانده از دوران هخامنشی (پرادا و همکاران، ۱۳۸۳) علاوه بر محافظت از دیوارها و اجزای معماری، از جنبه تزئینی نیز قابل بررسی‌اند.



شکل ۱۰- مقرنس محراب شبستان جنوبی مسجد جامع ساری، (ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)

دوران اشکانی و ساسانی، به عنوان عصر تکامل و روشمند شدن تزئینات گچی در آرایش معماری پیش از اسلام، شناخته شده است. دورانی که تا قرن‌های متمادی بر زینتکاری بناهای اسلامی نیز تأثیرگذار بود (اصلانی و همکاران، ۱۳۸۹). تزئینات گچ این بنا به دو دسته مقرنس کاری و گچبری تقسیم می‌شود که مقرنس شامل: مقرنس کاسه ای و مقرنس لانه زنبوری، گچ بری نیز در محرابها و پوشش فضای شبستانها و هجره ها، انجام شده است.



شکل ۹- گچکاری شبستان جنوبی مسجد جامع ساری، (ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)

### ۶-۱-۴- چوب

در بناها و ساختمان‌های قدیمی، چوب هم به عنوان اجزاء اصلی و هم به مثابه اجزاء تزیینی استفاده می‌شده است. تنه‌های قطور و بلند چوبی به عنوان تیرهای اصلی جهت ساخت سقف‌های مسطح و ایوانهای مسقف چوبی همراه با ستونهای بلند و باریک مزین به تزیینات بوده است (پیرنیا، ۱۳۸۷). استفاده از چوب جهت پوشاندن سقف بناها به زمان‌های بسیار گذشته یعنی به ابتدای خانه‌سازی توسط انسان باز می‌گردد. این روند در طول قرن‌ها همچنان تداوم داشته و علی‌رغم تداول تیرهای فلزی به جای تیرهای چوبی از حدود یک سده پیش هنوز هم در بناهایی با پوشش گنبدی، تیرهای چوبی اهمیت خود را حفظ کرده‌اند (چمن، ۱۳۸۱).



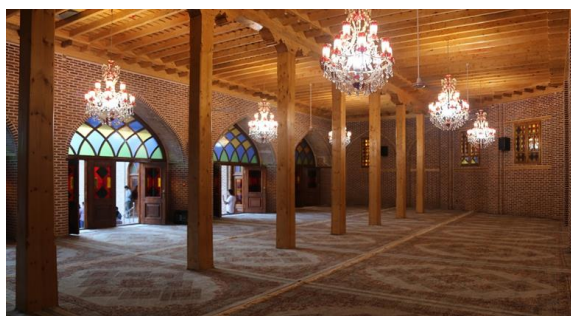
شکل ۱۱. سرشیر و پنجره مسجد جامع ساری، (منبع: نگارنده، ۱۳۹۹)



شکل ۱۴- منبر چوبی مسجد جامع ساری، (ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)

از آنجا که این بنا در شمال ایران قرار گرفته و مصالح اصلی در این منطقه چوب است، چوب از عنصر اصلی این مسجد است. در بررسی تزیینات چوبی این بنا به موارد زیر بر می‌خوریم:

- سرشیرها
- دهان اُردری‌ها
- سقف داخلی
- منبر چوبی
- ستون‌های شبستان‌ها
- پنجره‌ها
- درهای چوبی



شکل ۱۲. دهان اُردری‌ها و سقف داخلی و ستون‌های شبستان شمالی مسجد جامع ساری، (منبع: نگارنده، ۱۳۹۹)



شکل ۱۳- منبر چوبی مسجد جامع ساری، (ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)

## ۶-۱-۵- سفال پوش‌ها

اگر سفال پوشی سقف را از عناصر جزئیات و تزیینی این مسجد بدانیم (که بنا به نظر نویسندگان از تزیینات این بنای تاریخی ایست) به تفصیل آن هم می‌پردازیم:

سفال پوش‌ها در شکل‌های مختلف انجام می‌شود که در مجموع قطعات آن از سفالهای « استوانه‌ای مخروطی » که نیم دایره نیز گفته می‌شود، تاجی، موجدار، شیاردار و تخت تشکیل می‌گردد. معمولاً سفالهای استوانه‌ای با دست ساخته می‌شود و از میان بریده شده به کوره برده می‌شود. پس از پختن، به صورت درگیر و کلاف در یکدیگر در پوشش‌ها و دوبندی‌های دو سطح همجوار، یعنی در خط شیب‌ها و در پوشش دو بند خط‌الرأس استفاده می‌شود. این سفال به نام سفال‌های رشتی و گیلانی معروف می‌باشند. سفال‌های موجدار نیز با دست و یا امروزه با ماشین ساخته شده و جهت پوشش‌ها به خصوص در کنار دیوارهای مشترک و ساختمان همجوار جهت برگرداندن آب به داخل و به طرف پوشش سفال به کار می‌شود. سفال‌های شیار دار از مقاوم‌ترین سفالهای موجود می‌باشد که شیارهای آن حالت تیرچه را در سفال به وجود می‌آورد. معمولاً در پشت این سفال زائده‌ای وجود دارد که در پشت « ترکه » واقع شده و سبب نگهداری سفال می‌گردد. ضمناً با استقرار شیار، سفال بالایی در شیار زیرین سبب درگیر بودن بیشتر آنها می‌شود.



شکل ۱۶- سقف سفالی شبستان غربی مسجد جامع ساری، (ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)



شکل ۱۵- سقف‌های سفالی مسجد جامع ساری، (ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)

## ۷- نتیجه‌گیری

در این پژوهش تزئینات به کار رفته در مسجد جامع ساری مورد بررسی قرار گرفتند. چوب که از عناصر مرسوم در خطه شمالی کشور است، بیشترین سهم را در تزئینات این بنا بر عهده دارد. تزئینات و جزئیات چوبی این بنا شامل: سرشیرها، دهان اژدری‌ها، سقف داخلی، منبر چوبی، ستون‌های شبستان‌ها، پنجره‌ها، درهای چوبی است. پس از آن آجر و آجرکاری‌های متنوع در این بنا که شامل سقف گنبدی ورودی شمالی، تزئینات کاربندی، آجرچینی ساده، راسته خفته، مشبک آجری و پس از آن گچ‌بری و گچکاری که تزئینات گچ این بنا به دو دسته مقرنس‌کاری و گچ‌بری تقسیم می‌شود که مقرنس شامل: مقرنس کاسه ای و مقرنس لانه زنبوری، گچ بری نیز در محرابها و پوشش فضای شبستانها و هجره ها، انجام شده است و در نهایت کاشیکاری ورودی شبستان اصلی، قرار گرفته است. در مرحله آخر با اشاره به سقف بنا و سفال‌های سقف مورد بررسی قرار گرفته است.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. اصلانی، حسام و امامی، امین و صالحی کاخکی، احمد، (۱۳۸۹)، «فناوری معرق‌های گچی تخمه گذاری در تزئینات معماری دوره صفویه»، پژوهش‌های تاریخی، سال دوم، شماره ۱.
۳. پرادا، ایدت و رابرت، دای سون و ویلکینسون، چارلز، (۱۳۸۳)، «هنر ایران باستان»، ترجمه یوسف مجیدزاده، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.
۴. پیرنیا، محمدکریم، (۱۳۸۷)، «معماری ایران دوره اسلامی»، گردآورنده: محمدیوسف کیانی، تهران، انتشارات سمت.
۵. چمن، حمیدرضا، (۱۳۸۱)، «حفاظت و مرمت نقاشی رنگ و روغن بر روی چوب»، پایان‌نامه کارشناسی مرمت آثار تاریخی، دانشکده مرمت، دانشگاه هنر اصفهان.
۶. دینوری، ابوحنیفه، (۱۳۸۳)، «اخبار الطوال»، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی.
۷. سویطی، محمد حسین علی، (۱۳۹۰)، «تاریخ واسط درسه فی الحرحه الفکریه خلال العصر العباسی»، بیروت، موسسه مصر مرتضی للكتاب العراقی.
۸. فربه، ر دلبیو، (۱۳۷۴)، «هنرهای ایران»، ترجمه پرویز مرزبان، تهران: فرزانه روز.
۹. کلینی رازی، ابن اسحاق، (۱۳۷۵)، «الکافی»، ترجمه جواد مصطفوی، تهران، ولیعصر.
۱۰. کیانی، محمدیوسف، (۱۳۷۹)، «تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی»، تهران: سمت.
۱۱. کیانی، محمدیوسف، (۱۳۷۶)، «تزئینات وابسته به معماری ایران دوره اسلامی»، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
۱۲. ملک شهیمیرزادی، صادق، (۱۳۸۷)، «باستان‌شناسی تا هزاره دوم ق. م»، اطلس تاریخ ایران، چاپ سوم، تهران: سازمان نقشه برداری کشور.
۱۳. مکی نژاد، مهدی، (۱۳۸۷)، «تاریخ هنر ایران در دوره اسلامی»، تزئینات معماری، تهران: سمت.
۱۴. نوری، حسن بن محمدتقی، (۱۳۶۶)، «مستدرک الوسائل»، تصحیح و تحقیق موسسه آل البيت (ع)، قم، انتشارات موسسه آل البيت (ع).
۱۵. نگهبان، عزت‌الله، (۱۳۷۲)، «گزارش حفاری های هفت تپه دشت خوزستان»، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
۱۶. هنردان، مریم، (۱۳۹۴)، «پایان نامه کارشناسی ارشد رشته باستان شناسی دانشگاه هنر اصفهان»، استاد راهنما: دکتر احمد صالحی کاخکی، استاد مشاور: خانم بهاره تقوی نژاد.
۱۷. هوج، جان چارلز، (۱۳۸۰)، «راهنمای آجرکاری»، ترجمه نورالدین صدری، تهران، انتشارات فنی ایران.
18. Malta da Silveria, P.Veiga, M. de Brito, J. (2007). Gypsum coating in ancient buildings, Construction and Building Materials, 21: 126-13



## تاثیر الگوهای طراحی در افزایش حس اعتماد به نفس معلولین جسمی - حرکتی؛ نمونه موردی: شهرستان بوکان

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۱/۱۹

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۲/۲۱

کد مقاله: ۶۴۴۴۶

اسعد رسول زاده<sup>۱\*</sup>، مهدی سیدالماسی<sup>۲</sup>

### چکیده

اعتماد به نفس، به عنوان رکنی اساسی و بنیادین در شکل گیری شخصیت انسان مطرح می شود؛ و نقش مهمی در سلامت روان فرد ایفا می کند. سازمان بهداشت جهانی اذعان کرده است که حدود ۱۰٪ جمعیت جهان، دارای معلولیت بوده است. از این رو، توجه به شرایط محیطی در راستا ارتقاء اعتماد به نفس معلولین در جامعه حیاتی بوده؛ و دستیابی به این امر مستلزم مهیا کردن شرایط محیطی مناسب جهت حضور افراد معلول در جامعه بدون نیاز به حضور همراه، به گونه ای که فرد معلول احساس استقلال فردی جهت انجام امور خود داشته باشد؛ می باشد. در پژوهش حاضر، تلاش بر آن است تا بتوان تاثیر الگوهای طراحی جهت افزایش اعتماد به نفس معلولین جسمی - حرکتی را مورد بررسی قرار داد. از این رو، با بهره مندی از روش اقدام پژوهی و بررسی داده های جمع آوری شده از طریق پرسشنامه ها، به بررسی مشکلات افراد معلول اشاره شده و راهکارهایی را در جهت نیل به بهبود شرایط محیطی مطرح کرد.

واژگان کلیدی: معلولیت، معلول جسمی - حرکتی، اعتماد به نفس، شهرستان بوکان

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی معماری موسسه آموزش عالی اسوه معاصر تبریز - ایران، (نویسنده مسئول) gold.plan@yahoo.com

۲- استادیار موسسه آموزش عالی اسوه معاصر تبریز - ایران

## ۱- مقدمه

در قلمروهای عمومی شهری، الگوهای تعامل اجتماعی و قابلیت‌های فضا معماری دارای اهمیت ویژه‌ای است و در فضاهای عمومی اجتماع‌پذیر، توفیق ملاقات برای گروه‌های مختلف به دست می‌آید، لذا مقرهایی‌اند که به حیات و هویت جمعی تعلق دارند (Lang, 1987: 97). معلولین، به عنوان بخشی از بدنه اجتماع و به عنوان یک انسان در جامعه، این حق را دارند که مانند انسان‌های دیگر در جامعه زندگی کنند. مطابق آمارهای جهانی، حدود ۱۰٪ افراد جهان را معلولین تشکیل می‌دهند (حکمت‌نیا، موسوی، ۱۳۸۵)؛ بنابراین باید به معلولین به عنوان یک گروه بزرگ اجتماعی توجه شود. هر چند به دلیل پاره‌ای از مشکلات از قبیل برنامه‌ریزی و طرح‌های شهری، حضور این افراد در اجتماع کم‌رنگ است، ولی باعث نمی‌شود که تصور کنیم آنان وجود ندارند (ضرابی، صابری و همکاران، ۱۳۹۰).

فضاهای شهری بستر زندگی و فعالیت شهروندان است که بیش‌ترین ارتباط را با مردم و محیط زندگی افراد برقرار می‌کند و با توجه به ویژگی افراد و گروه‌های سنی، جنسی، اجتماعی باید بتواند محیط امن، سالم، پایدار و جذابی فراهم کند و به شیوه مناسبی به نیازهای مختلف تمام گروه‌های اجتماع پاسخ دهد (گلی، ۱۳۹۰: ۱۴۴). عدم توجه به نیازهای اصلی و اساسی انسان‌ها، ادراکات و رفتارهای آن‌ها در زندگی روزمره، درنظر نگرفتن شرایط جسمانی و روانی همه اقشار و سنین جامعه، لحاظ نکردن خصوصیات فرهنگی و اجتماعی افراد و بسیاری از مسائل اساسی از این قبیل، در طراحی و برنامه‌ریزی فضاهای شهری، سبب ایجاد فضاهایی آسیب‌پذیر و مشکل‌دار شده که تنها تعداد معدودی از افراد را در خود جای می‌دهد و از آنجا که ثمره این نوع طراحی، فضاهایی است که برچسب عملکرد خاصی بر آن‌ها زده می‌شود و تامین‌کننده همه خواسته‌ها و نیازهای مردم نیستند؛ بنابراین، مورد استقبال لازم و کافی قرار نگرفته و زمینه بروز سایر فعالیت‌ها در آن‌ها تضعیف می‌گردد (داودپور، صبور، ۱۳۹۱: ۱۲۶). طراحی معماری، ارتباطی مستقیم با نیازمندی‌های انسان دارد. در جهت دستیابی به این نیازمندی‌ها، ابعاد و محدوده دسترسی انسان باید مورد مطالعه و شناخت کامل قرار گیرد. به عبارتی، آنتروپومتری (انسان‌شناسی) که عبارت از مطالعه و شناخت، اندازه‌ها و محدوده دستیابی انسان است؛ قدم مطمئنی در این راستا است (جغتایی، ۱۳۹۴).

انسان موجودی است اجتماعی و نیازمند برقراری ارتباط با دیگران؛ به گونه‌ای که بسیاری از نیازهای متعالی و شکوفایی استعدادها و خلاقیت‌هایش تنها از طریق تعامل بین فردی و ارتباطات اجتماعی ارضا می‌شود و به فعل درمی‌آید. به همین دلیل، انسان همواره سعی می‌کند تا مهارت‌هایی جهت تسهیل ارتباط خود با دیگران کسب نماید و بر تکامل شخصی خود بیفزاید. ابراز وجود، از جمله این مهارت‌هاست که در روابط بین فردی نقش گسترده‌ای داشته و رفتارهایی از قبیل استقلال، اعتماد به نفس و خودآگاهی را در فرد تقویت می‌کند (بحرینی، محمدی باغملائی و همکاران، ۱۳۸۴: ۹۰). بزرگ‌ترین سرمایه هرکس، بدون شک میزان خودباوری و اعتماد به نفس اوست. شخص برخوردار از اعتماد به نفس کسی است که از توانایی‌ها، استعدادها و شایستگی‌های خود آگاهی دارد و به آن‌ها متکی است. این امر عامل اصلی خوشبختی و پیشرفت در زندگی بوده؛ موفقیت در کار، زندگی و روابط و فعالیت‌های اجتماعی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. افرادی که کمبود اعتماد به نفس و خودباوری دارند همواره در برخورد با مشکلات شهادت کمتری از خود نشان می‌دهند و از این‌رو، احتمال این‌که از زندگی بهره کافی ببرند به همان نسبت کمتر است (Liloyd et al, 2010). در پژوهش حاضر، سعی بر آن بوده است که با بررسی پرسشنامه‌های جمع‌آوری شده، به ارائه راهکارهایی در جهت افزایش اعتماد به نفس معلولین حرکتی - جسمی با بهره‌مندی از الگوهای طراحی پرداخته شود.

## ۲- روش تحقیق

پژوهش حاضر را می‌توان با پرسش چگونه می‌توان با بهره‌گیری از الگوهای طراحی، اعتماد به نفس معلولین جسمی - حرکتی در جامعه را افزایش داد؟ آغاز کرد. برای پاسخگویی به پرسش مطرح شده، هدف پژوهش را می‌توان بررسی تاثیر الگوهای طراحی در افزایش حس اعتماد به نفس معلولین جسمی - حرکتی بیان کرد. با توجه به پرسش و اهداف پژوهش، روش مورد استفاده در این تحقیق به صورت موردپژوهی (اقدام‌پژوهی) از زیرمجموعه‌های پژوهش کیفی می‌باشد. این نوع پژوهش در رابطه با مسائل خاص و در محیطی خاص اتفاق می‌افتد؛ که نشانگر مسیر است و می‌توانیم ویژگی‌هایی که در بستر پژوهش مورد نظر ماست، کنترل و یا تعمیم دهیم. با توجه به روش‌های پژوهش، به نظر می‌رسد که می‌توان از الگوهای طراحی در جهت ارتقاء حس اعتماد به نفس معلولین بهره جست.

### ۳- مفهوم معلولیت

درخصوص واژه معلولیت، تعاریف مختلفی ارائه شده است. سازمان بهداشت جهانی<sup>۱</sup> در سال ۱۹۸۱، معلولیت را وجود اختلال در رابطه فرد با محیط تعریف کرده است. براساس تبصره ماده قانون جامع حمایت از معلولان، معلول به افرادی اطلاق می‌شود که به تشخیص کمیسیون پزشکی سازمان بهزیستی در اثر ضایعه جسمی، روانی و یا توام، اختلال مستمر در سلامت و کارایی عمومی ایجاد کرده، به طوری که موجب کاهش استقلال در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی گردد (مستقیمی، جبرائیل و همکاران، ۱۳۹۵). هر نوع کمبود یا فقدان توانایی (ناشی از اختلال) که فعالیت فرد را برای انجام امری به روشی که افراد عادی انجام می‌دهند محدود سازد، یا دامنه فعالیت او را از حالت طبیعی خارج کند، معلولیت گفته می‌شود (احدی، نورائی، ۱۳۹۳: ۲۷). به عبارت دیگر، محرومیت و وضعیت نامناسب یک فرد که پیامد نقص و ناتوانی بوده و مانع از انجام نقشی می‌شود که با توجه به شرایط سنی، جنسی، اجتماعی، فرهنگی و طبیعی برای فرد در نظر گرفته شده است، معلولیت مطرح می‌شود (Barbotte, Guillemin, 2001). بنابر تعریف کنوانسیون بین‌المللی حقوق معلولین (۲۰۰۶)، معلولیت عبارت است از مجموعه‌ای از عوامل ذهنی، جسمی، اجتماعی و یا ترکیبی از آن‌ها که به نحوی در زندگی شخصی اثر سوء دارد و مانع از ادامه زندگی وی به صورت طبیعی می‌گردد؛ و غالباً به دلیل عدم امکان زندگی مستقل از نظر شخصی و اجتماعی نیازمند خدمات توان‌بخشی می‌باشد. همچنین، معلولیت به ناتوانی در انجام تمام یا قسمتی از ضروریات عادی زندگی فردی یا اجتماعی گفته می‌شود که علت آن وجود یک نقص مادرزادی یا عارضی در قوای جسمانی یا روانی فرد می‌باشد. نقص عارضی ممکن است ناشی از سیر طولانی یک بیماری باشد، یا نتیجه تصادفات، حوادث کار، اتفاقات، جنگ و ... از نظر این سازمان، اشخاص دارای معلولیت، شامل کسانی می‌شوند که دارای عارضه درازمدت فیزیکی، ذهنی، فکری یا حسی می‌باشند که در تعامل با موانع گوناگون امکان دارد مشارکت کامل و موثر آنان در شرایط برابر با دیگران در جامعه متوقف شود (زرین کفشیان، ۱۳۹۵: ۱۸۵).

### ۴- مفهوم معلولیت جسمی-حرکتی

معلولیت جسمی - حرکتی عبارت از هرگونه اختلال جسمی است که اساساً یک یا چند فعالیت عمده زندگی فردی را محدود می‌کند (اکبری اوغاز، حنایی، ۱۳۹۸: ۹۰). معلول جسمی - حرکتی نیز به فردی اطلاق می‌شود که به هر علت دچار ضعف، اختلال و یا عدم توانایی در اندام‌های حرکتی شده و برای تحرک، نیاز به استفاده از پاره‌ای وسایل کمکی داشته باشد. این دسته از معلولین، به دو گروه معلولان نیمه متحرک و معلولان استفاده‌کننده از صندلی چرخدار تقسیم می‌شوند (مشبکی اصفهانی، مشبکی اصفهانی، ۱۳۹۸: ۳۹).

### ۵- مفهوم اعتماد به نفس<sup>۲</sup>

واژه اعتماد به نفس که از قرن هفدهم به کار گرفته شده، همان باور آدمی به توانایی‌های خود است؛ به نحوی که از هیچ کوششی فروگذار نکند و از سختی راه ناامید نشود (لواسانی، آذربایجانی، ۱۳۹۱: ۱۲۱). اعتماد به نفس به معنا باور به توانایی‌ها، از عهده کارها برآمدن، کارآمد بودن در ارتباطات انسانی و در محیط زندگی شخصی به کار رفته است (اسلامی نسب، ۱۳۸۴). همچنین، برخاسته از حس ارزشمندی و اطمینانی است که فرد به خود و توانایی‌هایش دارد (گل‌پرور، کامکار و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۲۴). اعتماد به نفس، نیرویی است که باید فراتر از دانسته‌ها و اعمال ما باشد (بهارلو، هاشمی، ۱۳۹۸: ۱۵۳). در واقع، براساس نظر کوپر اسمیت<sup>۳</sup> (۱۹۶۷)، نوعی ارزشیابی فردی است که باعث توجه فرد به خویش می‌شود (گل‌پرور، کامکار و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۲۴). تعریفی که باری ال. ریس<sup>۴</sup> و روندا برانت<sup>۵</sup> از اعتماد به نفس ارائه داده‌اند؛ آنچه که درباره خود می‌اندیشید و احساسی که درباره خود دارید و آن برآیند اطمینان به خود و احترام به خویش است (لواسانی، آذربایجانی، ۱۳۹۱: ۱۲۱). بنابرین، اعتماد به نفس و یا عزت نفس، قضاوت فرد درباره شایستگی خویش است که اساساً یک ویژگی شخصیتی و نه یک نگرش لحظه‌ای یا اختصاصی برای موقعیت‌های خاص است (گل‌پرور، کامکار و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۲۴). اعتماد به نفس اکتسابی نبوده و باید کشف شده و پرورش یابد. همانند بذری که در ساحت جسم کاشته می‌شود و با رسیدن مواد لازم و ضروری به منصف ظهور می‌رسد تا جایی که اعتماد به نفس عامل موفقیت در هر امری می‌شود و سربلندی و پیروزی آدمی را به دنبال دارد. مهم اعتقاد به توانایی‌ها است که نیروی محرکه اعتماد به نفس بوده و خلاصه آن تکیه بر واقعیت‌ها و تصویر منطقی از خویش است. نتیجه آن‌که، اعتماد به نفس، همان احساس ارزشمندی است که

1 World Health Organization

2 Self-Confidence

3 Cooper Smith

4 Barry L. Reece

5 Brandt Rhonda

در توانمندی‌های انسان ضرب شده است؛ توانمندی، همان مهارت‌های فردی بوده و احساس ارزشمندی، نمره‌ای است که فرد به توانایی‌های خود می‌دهد (لواسانی، آذربایجانی، ۱۳۹۱: ۱۲۱-۱۲۲).

## ۶- معرفی محدوده

### ۶-۱- شهرستان بوکان



شکل ۱- موقعیت شهرستان بوکان در استان

آذربایجان غربی (<https://charkhak.ir/>)

شهرستان بوکان با واقع شدن در مختصات ۴۶ درجه و ۱۳ دقیقه طول شرقی، و ۳۶ درجه و ۳۲ دقیقه عرض شمالی، طبق آخرین تقسیمات کشوری، وسعتی برابر  $۲۵۴۱/۳۰۶$  کیلومتر مربع را در بر گرفته است. این شهرستان در جنوب شرقی استان آذربایجان غربی واقع شده است (شکل ۱)؛ و از شمال با شهرستان میاندوآب، شرق با شهرستان شاهین دژ، غرب با شهرستان مهاباد و از جنوب با استان کردستان (شهرستان سقز) همسایه بوده است. ارتفاع این شهرستان از سطح دریا آزاد ۱۳۴۰ متر می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).

شهرستان بوکان، چهارمین شهر پرجمعیت کردنشین ایران و دومین شهر پرجمعیت استان به شمار می‌آید؛ هم‌چنین زبان مردم این شهر کردی سورانی با لهجه مکرانی است. این شهرستان شامل دو بخش مرکزی و سیمینه بوده است. جمعیت کل این شهرستان، در سال ۱۳۹۵، به ۲۵۱۴۰۹ نفر رسیده است؛ که بخش مرکزی آن، ۱۹۳۵۰۱ نفر را به خود اختصاص داده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).

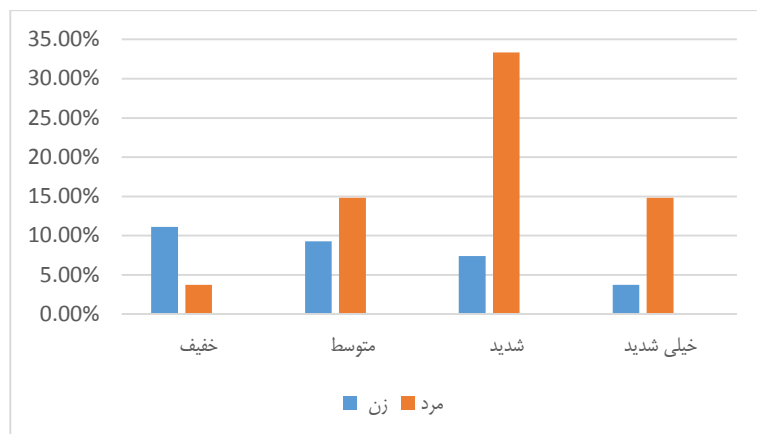
## ۷- جامعه مورد بررسی پژوهش

مطالعه حاضر، حاصل پژوهشی است که در سال ۱۳۹۸ صورت گرفته؛ و افراد انتخابی جهت تکمیل پرسشنامه‌های موجود از رده سنی ۱۰ تا ۶۰ سال، از بین افراد دارای معلولیت جسمی - حرکتی انتخاب گشته است. برجیان و جغتایی در کتاب خود می‌نویسند: هر آنچه در محدوده دستیابی یک انسان سالم ایستاده قرار دارد، حتما در محدوده دستیابی یک فرد نشسته نیست؛ در صورتی که محدوده دستیابی فرد معلول به طور کامل و در همه جا، قابل دسترسی فرد ایستاده است. از این‌رو، می‌توان بیان کرد، آنچه در اینجا به صورت چشمگیر مطرح می‌شود، الگو حرکتی این افراد به عنوان یک پارامتر تاثیرگذار است (جغتایی، ۱۳۹۴).

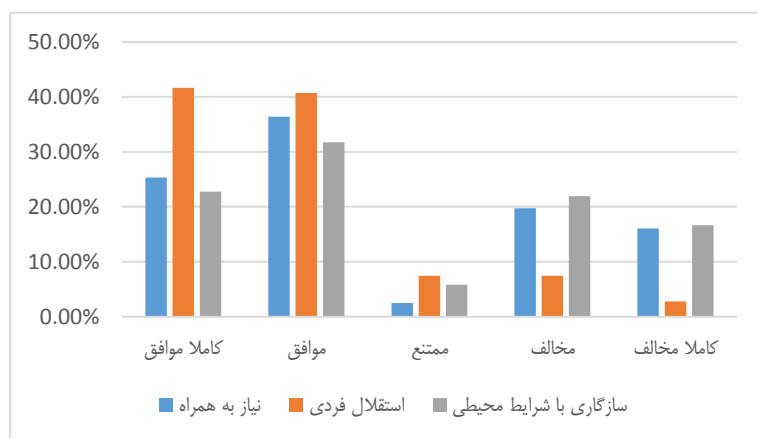
## ۸- یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر، نمونه‌ای ۵۴ نفری مورد بررسی قرار گرفت؛ که شدت معلولیت آن‌ها در چهار دسته خفیف، متوسط، شدید و خیلی شدید تقسیم‌بندی شده است. با بررسی پرسشنامه‌های جمع‌آوری شده، می‌توان تناسب شدت معلولیت افراد حاضر در جامعه آماری پژوهش حاضر را به صورت نمودار ۱ نشان داد. بیان این نکته حائز اهمیت است که تعداد زنان در جامعه آماری پژوهش، نصف تعداد مردان می‌باشد.

سوالات موجود در پرسشنامه، به سه دسته سوالات ۱۰ تایی تقسیم شده است؛ در آخر این پژوهش، پرسشنامه استفاده شده ارائه گشته است. سوالات گروه A، به صورت کلی در جهت بیان موافقت یا مخالفت افراد با نحوه ارتباط بین معلولیت و حضور در جامعه بوده است. سوالات این دسته را می‌توان در سه بخش نیاز به همراه جهت انجام امور (سوالات ۴، ۶ و ۱۲)، داشتن استقلال فردی (سوالات ۸ و ۱۱) و سازگاری با شرایط محیطی (سوالات ۱، ۲، ۳، ۵، ۷، ۹ و ۱۰) جمع‌بندی کرد؛ که نمودار ۲ نشانگر پاسخ‌های داده شده به این دسته از سوالات بوده است.

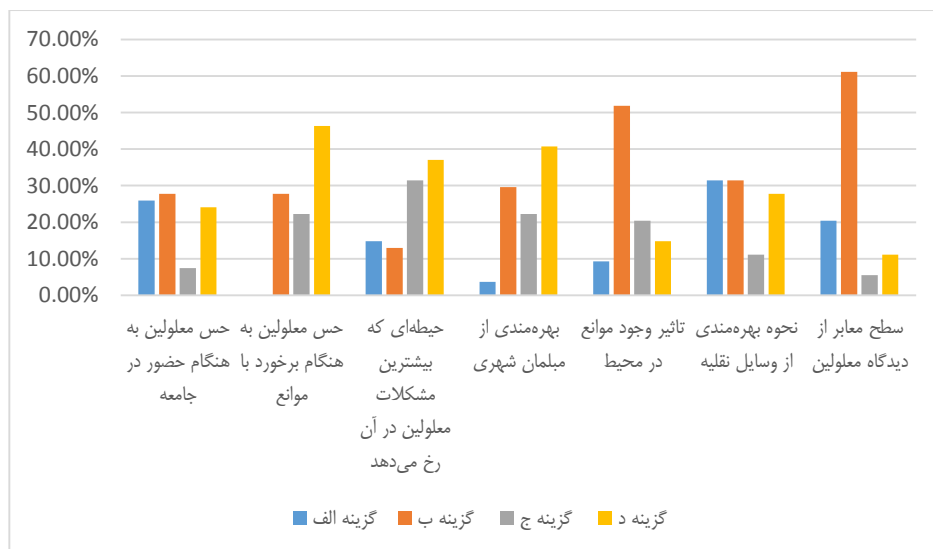


نمودار ۱- تناسب شدت معلولیت افراد حاضر در جامعه آماری پژوهش

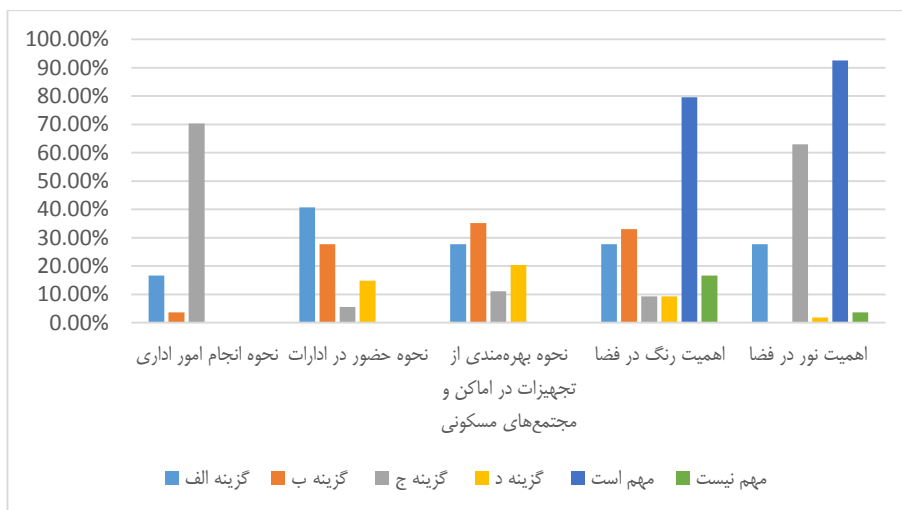


نمودار ۲- تناسب پاسخ‌های سوالات گروه A

سوالات گروه B1&2، به نحوه حضور افراد معلول در بطن جامعه، مشکلات و موانع، و تاثیر نور و رنگ بر ادراکات معلولین اشاره دارد. پاسخ‌های مطرح شده به این دسته از سوالات را می‌توان در نمودار ۳ و ۴ مورد بررسی قرار داد.



نمودار ۳- تناسب پاسخ‌های سوالات گروه B1



نمودار ۴- تناسب پاسخ‌های سوالات گروه B2

## ۹- جمع‌بندی

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته بر روی داده‌های بدست آمده از پرسشنامه‌ها، در جامعه آماری پژوهش حاضر، افراد شرکت‌کننده دارای شدت معلولیت متفاوت بوده‌اند؛ با این وجود، می‌توان بیان کرد که مشکلات و موانعی که بر سر راه هریک از آنان در محیط‌های شهری و اماکن مسکونی وجود دارد، یکسان است. اکثر افراد با این مشکل دست به گریبان هستند که به دلیل مساعد نبودن شرایط محیطی، برای حضور در جوامع و انجام امور، نیاز به یک همراه الزامی می‌باشد؛ در صورتی که، این افراد نیز مانند سایر افراد جامعه، خواستار استقلال فردی در انجام امور خویش هستند. این افراد جهت حضور در جامعه، ابتدا باید شرایط محیطی که قرار است در آن قرار گیرند، سنجیده و سپس در صورت مساعد بودن شرایط، اقدام به حضور در آن محیط کنند؛ که وجود این ناهمگونی‌ها در محیط شهری سبب تحول در زندگی آنان می‌گردد. با توجه به نمودارهای استخراج شده، می‌توان مشکلات و ادراکات معلولین را در جدولی همانند جدول شماره ۱ جمع‌بندی کرد.

جدول شماره ۱: مشکلات و ادراکات معلولین

| عنوان   | توضیحات                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                               |
|---------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ادراکات | <p>- افراد دارای معلولیت، به هنگام حضور در جامعه احساس بی‌تفاوتی دارند؛ و دلیل این امر، از دیدگاه این افراد، قائل نبودن ارزش و احترام به آنان است. افراد معلول معتقد هستند که وجود موانع به هنگام حضور آنان در جامعه، نشانگر این موضوع است که به آنان و شرایطشان توجهی صورت نمی‌گیرد.</p> <p>- بهره‌مندی از رنگی متناسب در فضاها برای افراد معلول حائز اهمیت بوده است. با توجه به مطالعات صورت گرفته بر روی جامعه آماری، افراد معلول خواهان رنگ‌هایی سرد نظیر آبی و بنفش در فضاها بوده‌اند.</p> <p>- نور تاثیر مستقیمی بر ادراکات افراد دارد. اکثر افراد معلول در پاسخ به شدت نور فضاها بر این عقیده بوده‌اند که نور با شدت متوسط می‌تواند مناسب‌ترین فضا را برای آنان فراهم کند.</p> |
| مشکلات  | <p>- محیط مصنوع، به عنوان حیطه‌ای که بیشترین مشکلات افراد معلول در آن رخ می‌دهد، نام برده شده است.</p> <p>- توجه نکردن به فضاهای شهری و مبلمان آنان در جهت متناسب سازی با شرایط افراد دارای معلولیت، یکی از مشکلات عمده معلولین بوده است.</p> <p>- استفاده نکردن از تجهیزات موجود در اماکن و فضاهای جمعی، به دلیل نامناسب بودن آن‌ها با شرایط معلولین، یکی از مشکلات اساسی این افراد مطرح می‌شود.</p>                                                                                                                                                                                                                                                                                 |

باتوجه به جمع‌بندی‌های صورت گرفته و مفهوم اعتماد به نفس در افراد، درمی‌یابیم که بی‌توجهی به شرایط و نیازهای معلولین در سطح جامعه، سبب گوشه‌گیری این افراد و به مرور زمان کناره‌گیری آنان از جامعه می‌گردد؛ که این امر، خود به خود سبب کاهش اعتماد به نفس در این افراد می‌شود. در صورتی که می‌توان با محیا کردن الزامات مربوط به حضور معلولین در جامعه، شرایط حضور این افراد در جامعه را فراهم کرده و اعتماد به نفس و عزت نفس آنان را تقویت کرد.

## ۱۰- نتیجه گیری

وجود فضاهای جمعی نقش بسیار مهمی در جذب مردم و حضور آن‌ها در شهرها داشته است. این حضور فرصت تعاملات و واکنش‌های اجتماعی را فراهم نموده و باعث به وجود آمدن خاطره جمعی مشترک و حس تعلق به فضا می‌گردد. فضا جمعی به جز جوانب فیزیکی و کالبدی، نوعی فضا ادراکی و نمادین است که با خصلتی نظام‌مند و ماهیتی مرکب با زمان اجتماعی و فرهنگ جامعه پیوندی ناگسستنی داشته، و نسبییت فرهنگی و اجتماعی جامعه در ادراک آن موثر است. مسلماً حضور معلولین در سطح شهر به عنوان یک قدم اولیه در جهت فعال نمودن این گروه در فعالیت‌های انسانی و اجتماعی، یعنی اشتغال، اوقات فراغت و تفریح، فعالیت‌های آموزشی، حرفه‌ای و تجاری از دیدگاه اجتماعی و اقتصادی قابل توجیه است. بنابراین کاملاً منطقی است که محیط شهری را به گونه‌ای آماده کرد تا حرکت افراد معلول و غیرمعلول به راحتی و با صرف حداقل انرژی صورت گیرد (حبیب‌زاده شریف، ۱۳۹۴). مناسب‌سازی محیط به معنا فراهم ساختن مجموعه شرایط، کاهش محرومیت‌ها و آسیب‌ها، و نهایتاً آسایش حرکتی و اجتماعی است؛ که برای معلولین، اصلاح محیط و تدارک تجهیزات مورد نیاز باید به گونه‌ای مدنظر قرار گیرد تا معلولین بتوانند آزادانه و بدون احساس خطر از محیط پیرامون استفاده نموده و از تسهیلات خدماتی با حفظ استقلال فردی خود بهره‌مند شوند (صوفی، مهدیان‌فر، ۱۳۹۴). تحقیقات مختلف روان‌شناسی، حاکی از آن است که اعتماد به نفس با عوامل بی‌شماری نظیر عزت نفس، بی‌نیازی به تایید دیگران، احترام به خود و دیگران و ... ارتباط مستقیم دارد. مازلو<sup>۱</sup> (۱۹۵۴) معتقد است که برای سلامت روانی، به احساس اعتماد به نفس مثبت و قوی نیاز است. از این‌رو، برای برخورداری از اعتماد به نفس، انسان نیاز دارد تا از احترام و شأن اجتماعی مطلوب و نگرش مثبت به خویش بهره‌مند باشد (مستعلی، حسینیان و همکاران، ۱۳۸۴: ۴۴۷). اعتماد به نفس، احساس ارزشمند بودن فرد است که آن را برای خود حفظ می‌کند و اغلب، ارزیابی خود فرد در مورد مفید و موثر بودنش در محیط، کار، خانواده و سایر موفقیت‌ها حاصل می‌شود (آقاخانی، فیضی و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۵۸). با توجه به مطالب ذکر شده و نتایج حاصل از برداشت‌های میدانی، می‌توان راهکارهایی را در جهت بهره‌مندی از الگوهای طراحی به دلیل افزایش اعتماد به نفس در معلولین جسمی - حرکتی ارائه کرد. راهکارهای پیشنهادی را می‌توان به صورت زیر بیان کرد.

- پیشنهادات مناسب‌سازی منازل و مجتمع‌های مسکونی

۱. متناسب بودن عرض راهرو ورودی جهت عبور ویلچر (عرض راهرو در هر آپارتمان ۱۲۰ سانتی‌متر می‌باشد).
۲. طراحی اتاق پذیرایی بدون اختلاف ارتفاع و آستانه.
۳. مناسب بودن ابعاد فضاها جهت حرکت و چرخش ویلچر.
۴. قرارگیری پنجره‌ها در ارتفاع مناسب برای استفاده شخص معلول.
۵. نصب کلیدها و پریزها در ارتفاع مناسب (۱۰۰ سانتی‌متر از کف).
۶. متناسب بودن ورودی آشپزخانه با ورود ویلچر: بدون در بودن ورودی و داشتن اختلاف سطح حدود ۲ سانتی‌متر با پذیرایی.
۷. قابل تنظیم بودن ارتفاع دوش حمام.
۸. امکان کنترل در پارکینگ به صورت اتوماتیک و از راه دور.
۹. متناسب بودن ابعاد پارکینگ برای استفاده معلولین.
۱۰. تعبیه فضا کافی و مسقف جهت رسیدن افراد معلول از پارکینگ به داخل ساختمان.
۱۱. قرارگیری دکمه آسانسور در ارتفاعی متناسب جهت استفاده افراد معلول.

- پیشنهادات مناسب‌سازی ادارات و اماکن عمومی

۱. هم‌سطح بودن فضا ورودی و سطح پیاده‌روها در صورت امکان.
۲. متناسب بودن عرض راهرو ورودی جهت عبور ویلچر.
۳. استانداردسازی فضاها براساس ابعاد و اندازه‌های بدن فرد معلول و صندلی چرخدار.
۴. فراهم کردن امنیت و آسایش حرکتی معلول با جانمایی صحیح فضاها.
۵. حذف تمامی موانع جهت سهولت حرکت و دسترسی معلولین.
۶. انعطاف پذیری فضاها و تجهیزات برای استفاده در شرایط خاص.
۷. تعبیه یک آسانسور در ساختمان‌های بیش از یک طبقه جهت استفاده افراد معلول.



- پیشنهادات مناسب‌سازی حمل‌ونقل

۱. ایجاد پیشرفتگی سواره‌رو در پیاده‌رو به منظور پیاده شدن و سا سوار شدن افراد معلول از وسایل نقلیه سواری.
۲. در نظرگیری حداکثر ۲٪ شیب جهت طراحی توقفگاه‌های ویژه معلولین.

## تشکر و قدردانی

با تشکر از تمام افرادی که ما را در تهیه و تکمیل پرسشنامه‌های پژوهش یاری کرده‌اند.

## مراجع

۱. آقاخانی، نادر؛ فیضی، آرام؛ شمس، شمس‌الدین؛ بقایی، رحیم و همکاران (۱۳۸۵)، «بررسی تصویر ذهنی از جسم و اعتماد به نفس در دانش‌آموزان دبیرستان‌های ارومیه ۸۲-۱۳۸۱»، مجله پزشکی ارومیه، سال هفدهم، شماره چهارم، صص ۲۵۴-۲۵۹
۲. احدی، محمدرضا؛ نورائی، پرنیان. (۱۳۹۳)، «مطالعه تطبیقی ارتقاء ایمن‌سازی شبکه معابر شهری برای معلولان و افراد کم‌توان جسمی - حرکتی»، فصلنامه مطالعات مدیریت ترافیک، شماره ۳۳، صص ۲۳-۴۴
۳. اسلامی نسب، ع. (۱۳۸۴)، «روان‌شناسی اعتماد به نفس»، تهران: انتشارات مهرداد
۴. اکبری اوغاز، زهرا؛ حنایی، تکتیم (۱۳۹۸)، «تبیین عوامل افزایش امنیت به منظور ارتقا تعاملات اجتماعی معلولین جسمی - حرکتی (مطالعه موردی: خیابان طبرسی شهر مشهد)»، معماری و شهرسازی پایدار، سال هفتم، شماره اول، صص ۸۵-۹۸
۵. بحرینی، مسعود؛ محمدی باغملائی، مسعود؛ زارع، محمدعلی؛ شهامت، شهره (۱۳۸۴)، «تاثیر آموزش ابراز وجود بر میزان اعتماد به نفس دانشجویان پرستاری»، مجله ارمان دانش، سال دهم، شماره ۳۷، صص ۸۹-۹۶
۶. بهارلو، فیروزه؛ هاشمی، سیده آمنه (۱۳۹۸)، «راهکارهای عملی افزایش اعتماد به نفس در کودکان»، پژوهشنامه اورمزد، شماره ۴۷، صص ۱۵۰-۱۷۰
۷. جغتایی، قاسم (۱۳۹۴)، «نقش معماری و فضاهای شهری در شکل‌دهی مناسب به جایگاه افراد کم‌توان حرکتی در راستای تحقق پایداری اجتماعی»، همایش ملی معماری و شهرسازی بومی ایران، یزد
۸. حبیب‌زاده شریف، سارا (۱۳۹۴)، «بررسی چگونگی نگرش افراد جامعه به معلولین جسمی - حرکتی در فضاهای جمعی»، کنفرانس بین‌المللی یافته‌های نوین پژوهشی در علوم، مهندسی و فناوری با محوریت پژوهش‌های نیازمحور، مشهد
۹. حکمت‌نیا، حسن، موسوی، میرنجف (۱۳۸۵)، «کاربرد مدل در جغرافیا با تاکید بر برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای»، یزد: انتشارات علم نوین
۱۰. داودپور، زهره؛ صبوری، فرزانه (۱۳۹۱)، «بکارگیری تکنیک FMEA در عرصه شهرسازی به منظور پیشگیری و حل مشکلات فضاهای شهری مطالعه موردی بوستان دانشجو در تهران»، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال سوم، شماره دهم، صص ۱۲۵-۱۴۶
۱۱. زرین کفشیان، غلامرضا (۱۳۹۵)، «بررسی وضعیت طرد اجتماعی معلولین: مورد مطالعه معلولین جسمی و حرکتی تحت پوشش اداره بهزیستی شهرستان ری»، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال دوازدهم، شماره ۴۳، صص ۱۷۷-۲۰۱
۱۲. صوفی، مریم؛ مهدیان‌فر، فریده (۱۳۹۴)، «بررسی چالش‌های پیش‌روی معلولین در فضای شهری (با تاکید بر عرصه خیابان‌ها و معابر شهری تربت جام)»، کنفرانس بین‌المللی یافته‌های نوین پژوهشی در علوم، مهندسی و فناوری با محوریت پژوهش‌های نیازمحور، مشهد
۱۳. ضرابی، اصغر؛ صابری، حمید؛ محمدی، جمال؛ وارثی، حمیدرضا (۱۳۹۰)، «تحلیل فضایی شاخص‌های رشد هوشمند، مطالعه موردی: مناطق شهر اصفهان»، مجله پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۷
۱۴. گل‌پرور، محسن؛ کامکار، منوچهر؛ ریسمانچیان، بیتا (۱۳۸۶)، «رابطه اضافه وزن با اعتماد به نفس، افسردگی، سبک زندگی و خودپنداره بدنی در زنان خودمعرف به مراکز کاهش وزن»، دانش و پژوهش در روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)، شماره سی و دوم، صص ۱۲۱-۱۴۴

۱۵. گلی، علی (۱۳۹۰)، «زنان و امنیت در فضاهای عمومی شهری (مطالعه موردی: پارک آزادی شیراز)»، دوفصلنامه جامعه شناسی تاریخی، دوره ۳، شماره ۲، صص ۱۴۳-۱۶۵
۱۶. لواسانی، سیدمحمدرضا؛ آذربایجانی، مسعود (۱۳۹۱)، «الگوی اعتماد به نفس در اخلاق اسلامی»، دوفصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات اسلام و روان شناسی، سال ششم، شماره ۱۰، صص ۱۱۹-۱۳۷
۱۷. مستقیمی، سمیرا؛ جبرائیلی، زهره سادات؛ غفرانی، سعید (۱۳۹۵)، «آسیب شناسی قوانین حقوق معماری معلولان در ایران»، سومین کنفرانس علمی و پژوهشی افق های نوین در علوم جغرافیا و برنامه ریزی معماری و شهرسازی ایران، تهران، انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین
۱۸. مستعلمی، فروزان؛ حسینیان، سیمین؛ یزدی، سیدمنور (۱۳۸۴)، «تاثیر آموزش مهارت های اجتماعی بر افزایش اعتماد به نفس دختران نابینای شهر تهران»، پژوهش در حیطه کودکان استثنایی ۱۸، سال پنجم، شماره ۴، صص ۴۳۷-۴۵۰
۱۹. مشبکی اصفهانی، علیرضا؛ مشبکی اصفهانی، محمدرضا (۱۳۹۸)، «شناسایی معیارهای موثر بر ارتقاء کیفیت محیطی در طراحی معماری مراکز توانبخشی معلولین جسمی - حرکتی»، فصلنامه علمی تخصصی مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه شناسی، سال دوم، شماره ۳ (پیاپی: ۶)، صص ۳۷-۵۰
20. Barbotte, E.; Guillemin, F. (2001), Neurkassen And Lord Handicap Group. World Health Organization. Bulletin of World Health Organization, 79(11), 1047-55.
21. Lang, J. (1987), Creating Architectural Theory: The Role of Behavioral Science in Environment Design, New York: Van Nostrand Reinhold. <http://www.Aamazon.com>
22. Weiten W., Lioyd M. A., Dunn, D. S., Hamer, E. Y. (2010), Psychology applied to modern life: Adjustment in the 21st Century, (10th edition), 142- 147.



## تحلیلی بر کیفیت ایجاد آسایش حرارتی توسط ساباطها در بافت های شهری تاریخی؛ مطالعه موردی ساباط های بافت تاریخی ناین

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۳/۱۳

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۴/۲۶

کد مقاله: ۵۰۸۰۲

علی پوربافرانی<sup>۱</sup>

### چکیده

ساباط از عناصر معماری فضاها شهری ایران است که هنوز در گذرهای بسیاری از شهرهای تاریخی مانند ناین یافت می شود. اقلیم و ویژگی های اقلیمی از عوامل تأثیرگذار در طراحی معماری است که علاوه بر عملکرد پوشاندگی و خلق فضای مضاف، در ساباطها نیز لحاظ شده است. بر اساس بررسی های صورت گرفته تاکنون پژوهشی که به مطالعه ساباط های بافت تاریخی ناین و به خصوص تحلیل های اقلیمی این عناصر پرداخته باشد انجام نگرفته است. لذا پژوهش حاضر برای نخستین بار به شناخت و بررسی ساباط های این شهر می پردازد و درصدد واکاوی و بازشناسی نقش و کارکرد ساباطها در ایجاد شرایط آسایش حرارتی و مطلوب کردن دمایی گذرهای پیاده بافت تاریخی ناین، می باشد. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه ای - میدانی و روش تحقیق تحلیلی - توصیفی است. با مطالعات انجام شده آشکار شد که با طراحی و ساخت ساباط با ویژگی های معماری و کالبدی خاص خود (کشیدگی، ابعاد، مصالح و سازه)، نقش و کارکرد اقلیمی در ایجاد آسایش حرارتی و مطلوب سازی دمایی گذرها نیز بر آن مترتب می شود. به منظور ایجاد آسایش حرارتی در گذرها و کنترل مؤلفه تابش از جداره های داخلی گذر (دمای متوسط تشعشعی) هر یک از این ویژگی های کالبدی ذکر شده زمینه هایی را در گذر به وجود می آورند که در مجموعه ساباط در راستای تعدیل و خنثی کردن تأثیرات چهار متغیر تبادل تابشی، تبادل همرفتی، تشعشع موج بلند حرارت و هدایت حرارت، مؤثر بوده و کارآیی دارند. تعدیل و خنثی نمودن اثرات تشعشع بازتابشی با زمینه سایه اندازی ایجاد شده است که در ناین درصد فراوانی (ده ساباط) ساباط های گذرهای شرقی - غربی که در تابستان سایه مناسبی ندارند و همچنین طول سایه اندازی این ساباطها - بر خلاف پنج ساباط شمالی جنوبی - بیشتر است. استفاده از پوشش های گنبدی، مصالح با بافت زبر، رنگ روشن و ظرفیت حرارتی بالا از دیگر اصول معماری ساباطها محسوب می گردند که به عنوان مکمل سایه اندازی در کاهش دمای سطوح مجاور و فراهم نمودن آسایش حرارتی گذرها نقش برجسته ای دارند.

**واژگان کلیدی:** ساباط، گذر تاریخی، تحلیل کالبدی-اقلیمی، آسایش حرارتی، سایه اندازی، ناین.

## ۱- مقدمه

تأمین آسایش گرمایی در فضاهای زندگی انسان یکی از اهداف اصلی معماری همساز با اقلیم است. در این میان تأمین آسایش در فضاهای بسته وابسته به شناخت شرایط اقلیمی و محیطی است زیرا در فضاهای داخلی با استفاده از تجهیزات مکانیکی گرمایش و سرمایش می‌توان تحت هر شرایطی، اگرچه با صرف هزینه و انرژی بیشتر، به‌طور مصنوعی شرایط آسایش را فراهم نمود ولی در فضاهای باز چنین امکانی وجود ندارد. (طاهباز، ۱۳۸۶: ۲۸) کیفیت استفاده از فضاهای عمومی شهری به جنبه‌های گوناگونی وابسته است که در میان آن‌ها، آسایش حرارتی به‌عنوان عامی بااهمیت شناخته شده است. فضای عمومی که نتواند شرایط آسایش را فراهم آورد کمتر استفاده شده و حتی از آن اجتناب می‌گردد (Lenzholze, 2012:39). کرمانا از آسایش به‌عنوان نیازی پایه‌ای در فضای عمومی یاد کرده، خاطر نشان می‌شازد بدون وجود آسایش، دریافتن اینکه چگونه نیازهای دیگر فضا قابل تأمین شدن هستند، مشکل است (Carmona, 2007:39). مطالعات انجام شده در زمینه آسایش حرارتی در فضاهای باز نسبت به آسایش فضاهای داخلی بسیار ناچیز بوده و علیرغم منابع نسبتاً زیادی که در مورد اقلیم و طراحی تک بنا وجود دارد، مطالعات اندکی در مقیاس شهر و محلات صورت گرفته است. در بافت‌های تاریخی ساباط‌ها به‌عنوان عناصری که در فضاهای باز بر روی گذرها قرار گرفته‌اند مطرح می‌باشند. اقلیمی بودن عنصر ساباط از جمله مواردی است که بیشتر صاحب‌نظران به آن اشاره کرده‌اند. نعیم (۱۳۸۳) در کتاب دزفول شهر آجر ساباط را اتاق بالای گذر دانسته که ساخت آن علاوه بر رفع نیازهای معمارانه، جنبه های اقلیمی را نیز در نظر دارد. قبادیان (۱۳۷۳) در کتاب بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران ساباط را اتاق بالای گذر نامیده و اشارات مختصری نیز به تفاوت‌های اقلیمی ساباط می‌کند. توسلی (۱۳۹۱) در کتاب ساخت شهر در اقلیم گرم و خشک، ساباط را مشخصاً دالان و گذر سر پوشیده می‌داند. در واقع یکی از نقش‌های پررنگ ساباط‌ها در کنار سایر کارکردها در بافت‌های تاریخی کارکرد اقلیمی آن‌ها می‌باشد. در دوره معاصر با ورود وسایل نقلیه موتوری به بافت‌های تاریخی و تعریض گذرها و معابر و از بین رفتن انسجام این بافت‌ها ساباط‌ها نیز آسیب‌هایی دیده و در بافت تاریخی نایب تعدادی از آن‌ها تخریب شدند. این عوامل در کنار عدم استفاده از مصالح اقلیمی همگون مانند آسفالت با ضریب جذب حرارت بسیار بالا باعث شده که شرایط آسایش محیطی در گذرها خدشه دار گردد. معماران گذشته با استفاده از تجربه و مهارت خود و با در نظر گرفتن تمامی شرایط، یک عنصر معماری را طراحی کرده و می‌ساختند. این پژوهش باعث می‌شود تا بخشی از معماری کهن بازتعریف شده و گام مؤثری در شناخت و محافظت صحیح از این عناصر برداشته شود. پژوهش به دنبال پاسخ دهی به سؤالات زیر است: ساباط‌های بافت تاریخی نایب در گذرهای با چه جهت‌گیری واقع شده‌اند؟ چه زمینه‌هایی بر ایجاد آسایش حرارتی توسط ساباط‌ها در گذرها نقش دارند؟ در راستای پاسخگویی به سؤالات، پژوهش حاضر که در قالب مطالعه موردی ساباط‌های بافت تاریخی نایب انجام گرفته در دو بخش هم جهت و مکمل یکدیگر، تنظیم شده است. بخش اول اختصاص به شناخت ساباط‌های باقیمانده بافت تاریخی نایب دارد. تحلیلی از کیفیت ایجاد شرایط آسایش در گذرها و زمینه‌هایی که توسط ساباط‌ها این آسایش را در گذرها به وجود می‌آورند در بخش دوم پژوهش ارائه شده است.

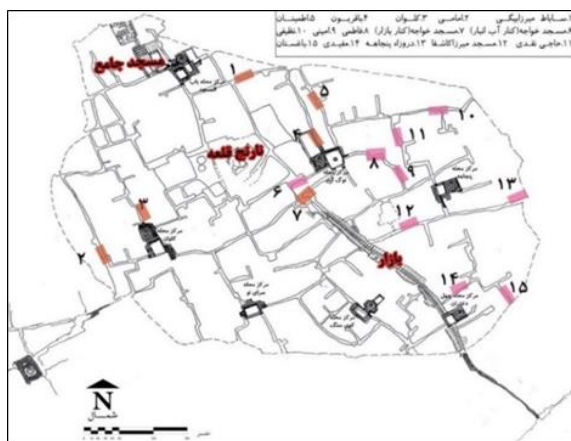
## ۲- روش تحقیق

تحلیل‌های صورت گرفته در پژوهش حاضر بر اساس روش تحلیلی- توصیفی و در گروه پژوهش‌های کمی دسته بندی می‌گردد. به منظور گردآوری داده‌ها و اطلاعات اولیه از روش کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده است؛ که از آن میان می‌توان به مطالعات اسناد، کتابها و مقالات مورد نیاز اشاره کرد. ولی بخش دیگر تلاش‌های نگارندگان مانند برداشت پلان و مقاطع از چند نمونه ساباط و مشخصات کالبدی (ابعاد) سایر ساباط‌ها بر اساس مطالعات میدانی است. پژوهش سعی در بررسی و آرایه تحلیلی کالبدی- اقلیمی از ساباط‌های منطقه مرکزی نایب داشته و نمونه موردی ساباط‌های باقیمانده بافت تاریخی نایب (۱۵ ساباط) را شامل می‌شود. ابتدا پلان و مقاطع چند ساباط با مترهای لیزری و چرمی برداشت و سپس در نرم افزار ترسیمی پیاده شده و سایر ساباط‌ها نیز ابعاد آن‌ها اندازه‌گیری شدند. فرآیند تحلیل اقلیمی نیز، بر اساس مطالعات اقلیمی نایب، بررسی و اندازه‌گیری شرایط دمایی در چند نمونه ساباط در فصل تابستان، معادلات محاسباتی تعیین طول سایه و داده‌های به دست آمده از ساباط‌ها صورت گرفت.

## ۳- شناخت کالبدی ساباط‌های بافت تاریخی نایب

جایگاهی که نایب در طول تاریخ به‌عنوان یک شهر میانی حفظ کرده، سبب شده است تا دچار تحولات اساسی یا رکود نشود و همواره با روندی تدریجی پذیرای تغییرات باشد. این ویژگی سبب شده است تا بافتی غنی و مترکم به یادگار بماند... گذرها به

مثابه یکی از عناصر اصلی ساختار شهرهای تاریخی (مانند نایین) مطرح بوده‌اند که شبکه اصلی رفت و آمد و ارتباط شهری در آن‌ها صورت می‌گرفته و در تمام وسعت شهر، محلات و مناطق مختلف شهری را به هم پیوند می‌داده‌اند. (توسلی، ۱۳۹۱: ۶۹) محلات هفت گانه بافت تاریخی نایین، توسط راسته‌ها و گذرهای اصلی به بازار و دروازه‌های شهر مرتبط می‌شده‌اند. گذرهای فرعی نیز نقش عمده و اصلی آن‌ها تأمین ارتباط بین نقاط گوناگون درون یک محله است (سلطانی محمدی، ۱۳۹۰: ۹۸). عناصر پوشاننده این گذرها در دو گونه قرار می‌گیرند. گونه‌ای به صورت قوس‌هایی منفرد یا پیوسته بین دو گذر احداث شده‌اند. این قوس‌ها فاقد فضاهای معماری با کاربری خاص می‌باشند و به صورت پیوسته و تونل مانند برای گذر ایجاد پوشش نمی‌کنند؛ بلکه پشت بندهای ساده ای برای مهار رانش نیروهای دیوارهای دوطرف گذر هستند. یکی از نقشه‌های این قوسها، سازه‌ای بوده و به دلیل ساختاری می‌توان آن‌ها را تویزه نامید. دسته دیگر که موضوع این مقاله است ساباط‌ها می‌باشند؛ که در نقش پوشاننده‌هایی بر روی گذرها عمل می‌نمایند.

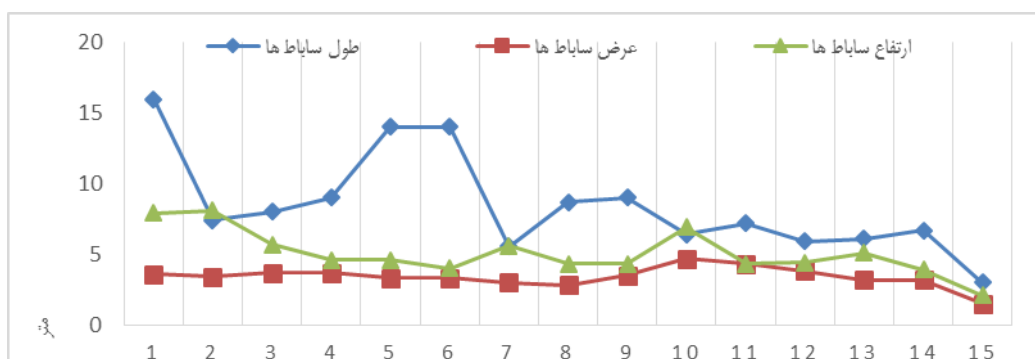


تصویر ۱ موقعیت پانزده ساباط مورد مطالعه در بافت تاریخی نایین، مشخص شده در نقشه پایه ترسیم شده بر اساس عکس هوایی سال ۳۵ نایین منبع: سلطانی محمدی و آزاد، ۱۳۹۷: ۴۵

بافت شهری و محله‌ای نایین که به صورت ارگانیک شکل گرفته است از هفت محله به نامهای باب المسجد، کلوان، نوگ‌آباد، پنجاهه، چهل دختران، کوی سنگ و سرای نو تشکیل شده است. ساباط‌ها نیز در این هفت محله پراکنده شده‌اند که ۲ ساباط در محله باب المسجد، ۳ ساباط در محله پنجاهه، ۶ ساباط در محله نوگ‌آباد، ۳ ساباط در محله کلوان، ۲ ساباط در محله سرای نو و ۴ ساباط در محله چهل دختران واقع شده‌اند (تصویر ۱). از آنجایی که ساباط عنصری پوشش دهنده است، باید از لحاظ شکل و فرم، دارای ویژگیهایی باشد که می‌تواند عملکرد پوشاندگی یک فضا را بر عهده بگیرد. در مطالعه کالبدی، ساباط‌ها را می‌توان از نظر ساختار حجمی، کشیدگی و ابعاد، پوشش‌ها و مصالح مورد بررسی قرار داد.

### ۳-۱- ارزیابی کشیدگی و ابعاد ساباط‌ها

کشیدگی ساباط‌های بافت تاریخی نایین به تبعیت از جهت‌گیری گذر قرار گرفته بر روی آن در دو حالت کشیدگی شرقی-غربی و شمالی-جنوبی قابل ارزیابی می‌باشد. این ساباط‌ها دارای ابعاد تقریباً مشابهی هستند. در واقع تناسب ساباط و عرض کم و ارتفاع مناسب از خصوصیات آن‌ها محسوب می‌گردد (جدول ۱). میانگین طول ۸/۵۰، عرض ۳/۴۰ و ارتفاع ۵/۱۰ متر برای ساباط‌های باقیمانده بافت تاریخی نایین محاسبه و به دست آمد (تصویر ۲).



تصویر ۲. نمودار میانگین ابعاد ۱۵ ساباط مورد مطالعه. میانگین طول ۸/۵۰، عرض ۳/۴۰، ارتفاع ۵/۱۰ (منبع: نگارنده).

جدول ۱- کشیدگی و تناسبات متریک ساباط‌های مورد مطالعه در پژوهش (منبع: نگارنده)

| تناسبات (متریک) |        |           |             |     |            |     |           |             |     |      | مشخصات عمومی |               |             |                                |
|-----------------|--------|-----------|-------------|-----|------------|-----|-----------|-------------|-----|------|--------------|---------------|-------------|--------------------------------|
| بازشو<br>(۲)    |        | نما (۲)   |             |     | باز شو (۱) |     | نما (۱)   |             |     | طول  | تپ پلان      | کشیدگی        | ارزش تاریخی | نام ساباط                      |
| عرض             | ارتفاع | ارتفاع کل | ارتفاع پاکر | عرض | ارتفاع     | عرض | ارتفاع کل | ارتفاع پاکر |     |      |              |               |             |                                |
| ۰.۷             | ۰.۴    | ۷/۹       | ۳/۸         | ۲/۶ | ۲/۰        | ۰.۸ | ۷/۸       | ۳/۷         | ۳/۶ | ۱۶/۰ | ۱            | تفریق<br>مختص | ✓           | ۱. میرزا بیگی                  |
| ۰.۶             | ۰.۶    | ۸/۱       | ۴/۵         | ۳/۷ | ۰.۷        | ۰.۵ | ۷/۶       | ۴/۶         | ۳/۴ | ۷/۴  | ۱            |               | ✓           | ۲. مسجد خواجه<br>کنار بازار    |
| -               | -      | ۵/۷       | ۵/۷         | ۳/۷ | -          | -   | ۵/۷       | ۵/۷         | ۳/۷ | ۸/۰  | ۱            |               | ✓           | ۳. مسجد خواجه<br>کنار آب انبار |
| -               | -      | ۴/۶       | ۳/۴         | ۳/۶ | -          | -   | ۷/۴       | ۳/۴         | ۳/۷ | ۹/۰  | ۱            |               | ✓           | ۴. مصطفوی                      |
| -               | -      | ۴/۰       | ۳/۶         | ۳/۲ | -          | -   | ۴/۰       | ۲/۲         | ۳/۳ | ۱۴/۰ | L            |               | ✓           | ۵. فاطمی                       |
| -               | -      | ۵/۶       | ۳/۳         | ۳/۰ | -          | -   | ۶/۵       | ۳/۳         | ۳/۰ | ۵/۵  | ۱            |               | ✓           | ۶. باقریان                     |
| -               | -      | ۴/۳       | ۴/۳         | ۳/۰ | -          | -   | ۴/۳       | ۴/۳         | ۲/۸ | ۸/۷  | ۱            |               | ✓           | ۷. دروازه پنجاهه               |
| ۰.۳             | ۰.۶    | ۴/۳       | ۳/۴         | ۳/۵ | ۰.۶        | ۰.۶ | ۷/۵       | ۳/۷         | ۳/۵ | ۹/۰  | ۱            |               | ✓           | ۸. امینی                       |
| -               | -      | ۴/۳       | ۴/۳         | ۴/۳ | ۰.۴        | ۰.۳ | ۷/۶       | ۳/۷         | ۴/۷ | ۶/۴  | ۱            |               | ✓           | ۹. باغستان                     |
| -               | -      | ۶/۹       | ۶/۹         | ۴/۳ | -          | -   | ۶/۹       | ۶/۹         | ۴/۳ | ۷/۲  | ۱            |               | ✓           | ۱۰. مسجد کاشفی                 |
| -               | -      | ۴/۳       | ۴/۳         | ۴/۳ | ۰.۶        | ۰.۷ | ۸/۰       | ۴/۱         | ۳/۸ | ۵/۹  | ۱            | شکل<br>مختص   | ✓           | ۱۱. چهل دختران                 |
| -               | -      | ۶/۱       | ۵/۱         | ۳/۳ | -          | -   | ۴/۵۶      | ۳/۹۰        | ۳/۱ | ۶/۱  | ۱            |               | ✓           | ۱۲. کلوان                      |
| ۰.۳             | ۰.۲    | ۴/۳       | ۴/۳         | ۴/۳ | ۰.۶        | ۰.۵ | ۷/۲       | ۳/۹         | ۳/۲ | ۶/۱  | ۱            |               | ✓           | ۱۳. امامی                      |
| ۰.۵             | ۰.۳    | ۶/۴       | ۲/۸         | ۱/۷ | ۲/۰        | ۰.۶ | ۶/۳       | ۲/۹         | ۳/۳ | ۹/۰  | ۱            |               | ✓           | ۱۴. اطمینان                    |
| -               | -      | ۴/۱       | ۴/۱         | ۳/۲ | -          | -   | ۴/۱       | ۴/۱         | ۳/۲ | ۶/۷  | ۱            |               | ✓           | ۱۵. سرای نو                    |

#### ۴- نقش و کارکرد ساباط‌ها در ایجاد آسایش حرارتی در گذرهای پیاده

با طراحی و ساخت ساباط با ویژگی‌های معمارانه و کالبدی خاص خود، نقش و کارکرد اقلیمی در ایجاد آسایش حرارتی و مطلوب سازی دمایی گذرها نیز بر آن مترتب می‌شود. آسایش حرارتی در تعریف اولیه آن، عکس العمل بدن به شرایط محیطی در فضاهای داخلی و خارجی است. تعریف دقیق‌تر این شرایط در سه گروه قابل خلاصه شدن است. تعریف روان‌شناختی به بیان مغز از رضایت نسبت به دمای محیط باز می‌گردد. تعریف حرارتی-فیزیولوژیکی که به عکس‌العمل بیولوژیکی بدن و سیستم عصبی تأثیرات خارجی برگیرنده‌های حرارتی پوست مرتبط است؛ و تعریف سوم که به تعادل میان جریان حرارت به داخل و خارج از بدن باز می‌گردد (Taleb andTaleb,2014:254). علاوه بر این سه تعریف عمومی از شرایط آسایش، تعاریف متعدد دیگری نیز که به خصوص با توجه به فضاهای سرد یا گرم فاقد آسایش تعریف شده‌اند، نیز وجود دارند . (Hoppe, 2002:662) ارزیابی آسایش حرارتی به خصوص در فضاهای باز شهری به‌عنوان یک چالش بزرگ مطرح است، زیرا عوامل محیطی و شخصی (فیزیولوژیک و روان شناسی) بسیاری در آن دخیل هستند. به علاوه به دلیل کم بودن زمان حضور در فضاهای خارجی نسبت به فضاهای داخلی، دستیابی به شرایط پایدار برای رسیدن به آسایش حرارتی دشوار است. از سوی دیگر فضاهای خارجی در معرض متغیرهای غیر قابل کنترل اقلیمی قرار دارند که اندازه‌گیری و دست یابی به شرایط پایدار برای رسیدن به آسایش حرارتی دشوار است (Taleb andTaleb,2014:253). به طور کلی کیفیت آسایش حرارتی به هشت عامل به شرح زیر وابسته است که به ترتیب اهمیت عبارت از: دمای هوا، رطوبت، فشار بخار آب، سرعت جریان هوا، تابش از جداره‌های داخلی فضا (دمای متوسط تشعشعی)، انسان (سن، جنس)، نوع فعالیت انسان و نوع پوشش انسان. از میان عوامل مؤثر در محدوده آسایش حرارتی، سه عامل انسان (سن و جنس)، نوع فعالیت و نوع پوشش به علت اینکه توسط طراحان قابل کنترل نیستند در محدوده‌های مختلف آسایش حرارتی، ثابت فرض شده‌اند. به این معنی که برای ۵ عامل اول مقادیر خاصی تعیین شده و دامنه تغییرات پیشنهاد شده، حال آنکه برای ۳ عامل آخر مقادیر ثابت ارائه گردیده است. از میان این عوامل دمای متوسط تشعشعی بیشترین تأثیر را در کیفیت آسایش حرارتی دارا

است. دمای متوسط تشعشعی عبارت است از: متوسط دمای سطوح مختلف در یک فضا نسبت به فاصله نقطه مورد نظر و یا زاویه نفوذ از آن فضا. حتی اگر بدن تماس با اشیاء و عناصر سرد یا گرم نداشته باشد. انتقال انرژی به واسطه پدیده تشعشع صورت می‌پذیرد و میزان انتقال انرژی بستگی مستقیم به اختلاف دمای دو عنصر دارد. طبیعی است که اگر دمای اشیاء و به ویژه سطوح داخلی یک بنا سردتر از دمای بدن باشد طبق قوانین ترمودینامیک، انتقال حرارت از بدن به سمت سطوح داخلی بنا بوده و هنگامی که دمای سطوح داخلی گرمتر از دمای سطح بدن باشد انتقال حرارت به عکس خواهد (قیابگلو، ۱۳۸۰: ۶۹). یک عابر در فضای باز بدون سایه از راه‌های زیر تحت تأثیر گرمای محیط اطراف خود واقع می‌شود: ۱. اشعه مستقیم افشان و بازتابش آن‌ها توسط محیط اطراف شخص (از راه تبادل تابشی) ۲. هوای اطراف شخص (از راه تبادل همرفتی)، ۳. گرمای زمین و مصالح گرم محیط اطراف شخص (از راه تشعشع موج بلند حرارت) ۴. حرارت ذخیره شده در داخل زمین و اشیای روی آن (از راه هدایت حرارت) حال اگر همین شخص برای نیل به آسایش در پناه سایه قرار گیرد و به این وسیله خود را از گرمای تابشی حاصل از اشعه مستقیم و افشان خورشید محفوظ نگه دارد باز هم تحت تأثیر گرمای محیط اطراف، حرارت تشعشعی زمین، اشیای گرم محیط پیرامون خود و اشعه بازتابشی خورشید خواهد بود (رازجویان، ۱۳۹۳: ۱۰۵). در بخش مطالعه کالبدی ساباط‌ها از نظر ساختار حجمی، کشیدگی، ابعاد و تناسبات و سازه و مصالح بررسی شدند این ویژگی‌ها در ضمن اینکه عملکرد پوشاندگی گذر و ایجاد فضای معماری را برعهده دارند، از نظر اقلیمی نیز شرایط دمایی گذرها را مطلوب می‌کنند. به منظور ایجاد آسایش حرارتی در گذرها و کنترل مؤلفه تابش از جداره‌های داخلی گذر (دمای متوسط تشعشعی) هر یک از این ویژگی‌های کالبدی ذکر شده زمینه‌هایی را در گذر به وجود می‌آورند که در مجموعه ساباط در راستای تعدیل و خنثی کردن تأثیرات چهار متغیر تبادل تابشی، تبادل همرفتی، تشعشع موج بلند حرارت و هدایت حرارت، مؤثر بوده و کارایی دارند. در بخش دوم پژوهش حاضر ساباط‌های بافت تاریخی نایین به‌عنوان مطالعه موردی با این رویکرد کالبدی-اقلیمی تحلیل می‌شوند.

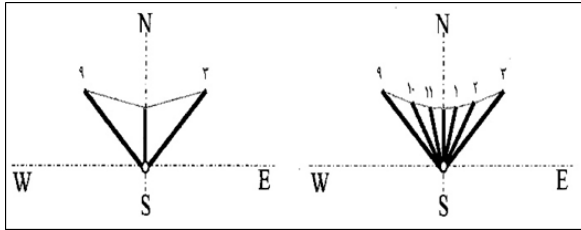
#### ۴-۱- تحلیل ابعاد و کشیدگی ساباط در ایجاد زمینه سایه‌اندازی به منظور تعدیل اثرات تشعشع بازتابشی

فضاهای وسیع روباز نظیر معابر عریض (کم عمق)، میدانچه‌ها و تقاطع‌ها، به دلیل بزرگ بودن محدوده آسمان قابل رؤیت در آن‌ها، قابلیت دریافت حجم وسیعی از انرژی گرمایی در طی روز را دارند. در این فضاها به دلیل دریافت تابش خورشیدی در طول روز تابستان، دمای محیط بیش از دمای محلی خواهد بود. این در حالی است که شبها دما به کمتر از دمای محیط کاهش خواهد یافت (رازجویان، ۱۳۹۳: ۱۴۶). از طرف دیگر دستیابی به شرایط آسایش در فضاهای باز زمینه‌ساز دستیابی به آسایش در فضاهای داخلی ساختمانهاست زیرا فضاهای باز، بستر دربرگیرنده و سازنده خرد اقلیم محیط پیرامون ساختمانها می‌باشند. لذا در صورت رعایت اصول معماری همساز با اقلیم در فضاهای باز، تأمین شرایط آسایش در فضاهای داخلی تسهیل شده و صرفه جویی قابل ملاحظه‌ای در مصرف انرژی به عمل خواهد آمد. در فصول گرم یکی از شرایط اصلی تأمین آسایش، فراهم نمودن سایه‌های مناسب است. اهمیت مواقع نیاز به سایه در هر اقلیم بسته به شدت گرمای آن متفاوت می‌باشد که در مناطق گرمسیر می‌تواند بیش از دو سوم تا سه چهارم کل سال را در بر گیرد. (طاهباز، ۱۳۸۶: ۲۸) یکی از خصوصیات اقلیمی مناطق گرم و خشکی مانند نایین<sup>۱</sup> وجود آسمان صاف و تابش شدید خورشید در اکثر اوقات سال می‌باشد. در این شرایط ایجاد سایه در فضاهای باز و گذرها و معابر یکی از عوامل بسیار مؤثر در خنک سازی محیط و کاهش دمای هوا در فصول گرم محسوب می‌گردد.

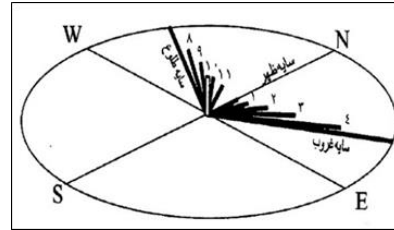
#### ۴-۲- چگونگی محاسبه طول سایه‌اندازی ساباط‌ها در گذرها

سایه عبارت است از منطقه تاریک پشت جسم حاجبی که مانع تابش نور و انرژی گرمایی از منشأ تابنده می‌گردد (طاهباز، ۱۳۸۶: ۳۰). روش ترسیم مسیر سایه: معمولاً مسیر سایه را برای بحرانی‌ترین اوقات سال یعنی کوتاه‌ترین روز سال، اول دی ماه که دارای بلندترین طول سایه می‌باشد را محاسبه می‌کنند. در اول دی ماه زاویه ارتفاع خورشیدی کمتر از بقیه ایام سال بوده و در نتیجه سایه‌ای که بر روی سطح افق ایجاد می‌کنند بلندتر از سایر اوقات می‌باشد. تعیین مسیر حرکت سایه بر روی سطح افق به زاویه ارتفاع، زاویه جهت نما (آزیموت) که به عرض جغرافیایی محل وابسته است و همچنین ارتفاع میله مورد نظر بستگی دارد. شکل زیر مسیر حرکت سایه میله عمودی را در یک نقطه فرضی از نیمکره شمالی بر سطح زمین در کوتاه‌ترین روز سال از طلوع تا غروب نشان می‌دهد (تصویر ۳) (قیابگلو، ۱۳۸۲: ۵۹).



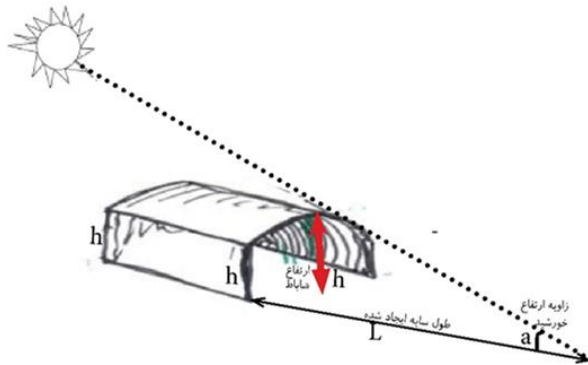


تصویر ۴. سمت راست. پلان مسیر حرکت سایه برای موقعیت شکل ۱۰ بین ساعات ۹ صبح الی ۳ بعد از ظهر. سمت چپ پلان ساده شدل این مسیر حرکتی سایه (منبع: قیابکلو، ۱۳۸۲، ۵۹)



تصویر ۳. مسیر حرکت سایه عمودی بر سطح زمین در اول دی ماه از طلوع تا غروب  
منبع: قیابکلو، ۱۳۸۲، ۵۹

برای محاسبه طول سایه و میزان سایه‌اندازی آن در گذر نیازه متغیرهایی است؛ که با معلوم بودن ارتفاع ساباط و زاویه ارتفاع خورشید (جدول ۲) طول سایه  $L$  از طریق معادله (تصویر ۵) قابل محاسبه می‌باشد. زاویه جهت نمای خورشید در ساعات ۹ صبح و ۳ بعد از ظهر محدوده‌های چپ و راست الگوی سایه را مشخص می‌نماید. به منظور سادگی بیشتر، این محدوده‌ها را می‌توان با زاویه ۴۵ رسم نمود که تقریباً به زاویه جهت نمای خورشید در این اوقات سال نزدیک می‌باشد. بدیهی است که این مرزهای واقعی بنا به عرضهای جغرافیایی مختلف اندکی متفاوت می‌باشند. به جهت سهولت و تسریع بیشتر، به جای آنکه طول سایه را برای تمامی ساعات حساب کنیم، می‌توان تنها برای ساعات ۹ صبح، ۱۲ ظهر و ۳ بعد از ظهر حساب کرد.



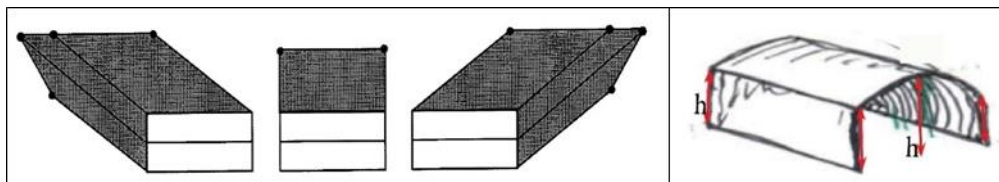
تصویر ۵. معادله محاسبه طول سایه در ساباطها (منبع: نگارنده)

قابل توجه است که الگوی مسیر حرکت سایه قبل از ساعات ۱۲ و بعد از آن قرینه بوده و کافی است که طول سایه برای ساعات ۹ صبح و ۱۲ ظهر محاسبه شود زیرا در ساعت ۳ بعد از ظهر طول سایه به اندازه طول سایه ساعت ۹ صبح است (قیابکلو، ۱۳۸۲: ۶۰). طول سایه در ساباطهای بافت تاریخی نایین در ساعات ۹ صبح و ۱۲ ظهر بر اساس زاویه ارتفاع خورشید و سایر متغیرهای مورد نیاز از ابعاد ساباطها، اندازه‌گیری و محاسبه شد.

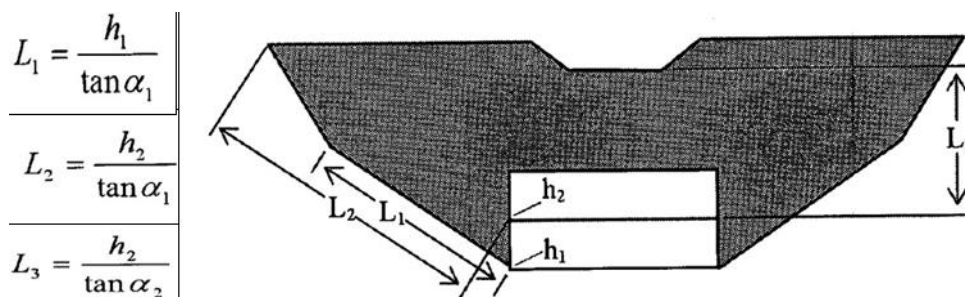
جدول ۲- زاویه ارتفاع خورشید در عرض‌های ۲۸ تا ۴۸. عرض جغرافیایی نایین ۳۲ است (منبع: قیابکلو، ۱۳۸۲، ۶۰)

|    |    |    |    |    |    |                               |
|----|----|----|----|----|----|-------------------------------|
| ۴۸ | ۴۴ | ۴۰ | ۳۶ | ۳۲ | ۲۸ | عرض جغرافیایی                 |
| ۱۹ | ۲۲ | ۲۷ | ۳۰ | ۳۴ | ۸۳ | زاویه ارتفاع در ظهر خورشیدی   |
| ۶  | ۸  | ۱۲ | ۱۵ | ۱۹ | ۲۳ | زاویه ارتفاع در آزمون ۴۵ درجه |

برای ترسیم مسیر حرکت سایه برای ساباطها، ساباط متشکل از چندین رأس فرض می‌شود (تصویر ۶) پس از ترسیم سایه‌های صبح، ظهر و بعد از ظهر این رئوس و ترکیب سایه‌های حاصله، الگوی حرکت ساباط به دست می‌آید.



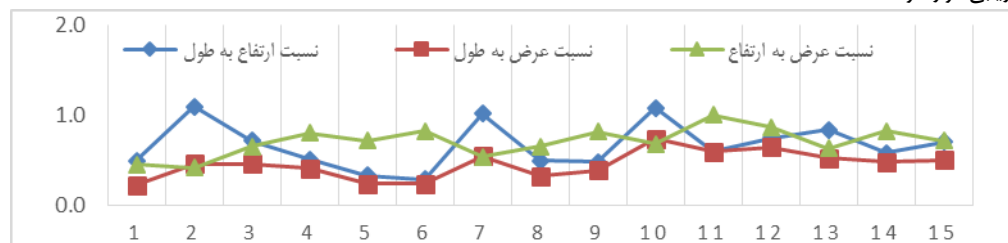
تصویر ۶- سایه‌های -صبح ظهر و عصر ساباطها



تصویر ۷- تلفیق سایه‌های صبح، ظهر و عصر و معادله محاسبه طول سایه در ساعات مفروض

#### الف. نقش ابعاد و تناسبات ساباط‌ها در طول سایه ایجاد شده در گذر

در تحلیل کالبدی-اقلیمی ساباط‌ها آنچه که اهمیت دارد و پایه و اساس این تحلیلها محسوب می‌شود تفاوت آن‌ها در میزان سایه اندازی در ارتباط با نسبت ابعاد ساباط‌ها و همچنین جهت‌گیری جغرافیایی گذری است که ساباط در آن واقع شده است. ساباط‌ها در بافت تاریخی نایین دارای ابعاد تقریباً مشابهی هستند. در واقع تناسبات ساباط و داشتن عرض کم و ارتفاع مناسب به گونه‌ای است که سایه مطلوبی را در گذر فراهم می‌کند. در تصویر ۸ تناسبات ساباط‌ها و در جدول ۳ میانگین این تناسبات مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند.



تصویر ۸- ارزیابی تناسبات ۱۵ ساباط مورد مطالعه در پژوهش (نگارنده)

جدول ۳- میانگین ارزیابی تناسبات ۱۵ ساباط مورد مطالعه در پژوهش (نگارنده)

| میانگین طول | میانگین عرض | میانگین ارتفاع | میانگین عرض به طول | میانگین عرض به ارتفاع | میانگین ارتفاع به طول |
|-------------|-------------|----------------|--------------------|-----------------------|-----------------------|
| ۸/۵۰        | ۳/۴۰        | ۵/۱۰           | ۰/۵                | ۰/۷                   | ۰/۷                   |

#### ب. تحلیل شاخصه کشیدگی ساباط‌ها در میزان سایه‌اندازی

با توجه به میانگین آمار ده ساله دمای هوا در نایین، بیشترین درجه حرارت در طی ماه‌های خرداد، تیر و مرداد و طی ساعات ۱۲ الی ۱۶ ثبت شده است. لذا بیشترین نیاز به سایه در این ماه‌ها احساس می‌شود. بررسی شرایط آسایش حرارتی در گذرها در چهار روز نمونه از فصل تابستان در ماه‌های تیر و مرداد در دو گونه گذرهای شمالی-جنوبی و شرقی-غربی به شرح زیر انجام گرفت:

گذرهای شمالی - جنوبی: در صبح و عصر تابستان این گذرها سایه مناسبی را فراهم کرده و در نتیجه شرایط آسایش کامل ایجاد می‌شود. ولی در زمستان اغلب سایه دارند.

گذرهای شرقی - غربی: گذرهای شرقی غربی در طول روزهای تابش شدید آفتاب در تابستان آفتابگیرند و شرایط آسایش حرارتی مناسبی فراهم نمی‌کنند.

از پانزده ساباط مورد مطالعه در بافت تاریخی نایین، ده ساباط کشیدگی شرقی - غربی و پنج ساباط نیز کشیدگی شمالی- جنوبی دارند. بر اساس نتایج به دست آمده، بر روی گذرهای شرقی-غربی که در طول تابستان سایه‌اندازی مناسبی ندارند، تعداد بیشتری ساباط ایجاد شده است. علاوه بر این با توجه به محاسبات انجام شده در خصوص ابعاد ساباط‌ها (طول، عرض و ارتفاع)، جهت‌گیری و زوایای ارتفاع خورشید در ساعات ذکر شده میانگین طول سایه ۶/۴۰ متر برای ساباط‌های شرقی- غربی و ۵/۲۰ برای ساباط‌های شمالی-جنوبی به دست آمد. این نتایج بیانگر آن است که گذرهای شرقی - غربی در طول مدت روز سایه اندازی

در امتداد گذرهای بافت را افزایش داده و شرایط آسایش حرارتی مطلوبی را در گذرها فراهم می‌کنند. سایه اندازی ساباط از یک سو متأثر از ارتفاع، عرض، طول و از سوی دیگر کشیدگی آن است. لذا طبیعی است که هر چه ارتفاع ساباط بیشتر باشد (ساباط‌های شرقی-غربی) سایه اندازی آن نیز افزایش می‌یابد.

#### ۴-۲. ایجاد زمینه کاهش دمای سطوح مجاور توسط ساختار و مصالح ساباط در راستای خنثی کردن تأثیر دو متغیر تشعشع موج بلند حرارت و هدایت حرارت

ساباط‌ها ابتدا با سایه‌اندازی از تابش مستقیم نور خورشید جلوگیری کرده و تأثیرات تبادل تابشی را خنثی می‌کنند؛ اما با وجود سایه‌اندازی، گذرها تحت تأثیر حرارت و گرمای ذخیره شده در زمین و جداره‌های آن از راه تشعشع موج بلند حرارت و همچنین هدایت حرارت، شرایط آسایش مطلوبی از نظر دمایی ندارند. لذا شاخصه‌هایی در ساختار و مصالح ساباط‌ها به کار گرفته شده که به‌عنوان مکمل عملکرد سایه اندازی و کاهش دمای سطوح گذر به منظور خنثی کردن و تعدیل تأثیرات متغیرهای ذکر شده قابل شناسایی و استخراج می‌باشند.



**الف. ساختار:** سازه‌های تاقی به کار گرفته شده در ساباط‌ها گرمای کمتری نسبت به پوشش‌های مسطح جذب می‌کنند. زاویه تابش اشعه آفتاب بر این پوششها بازتر بوده و اثر گرمایی آن بر فضایی داخلی کمتر می‌گردد. جرم حرارتی زیاد به کار رفته در جداره‌ها و پوشش تاقی ساباط‌ها نوسانات دمایی شبانه روز را به خوبی کنترل می‌کنند. در کنترل میدانی دمای ساباط‌ها در چند نمونه ساباط در ۱۵ تیرماه در حالی که دمای محلی شب و روز بین ۳۰ تا ۳۸ درجه متغیر است، دمای زیر ساباط بین ۲۰ تا ۲۵ درجه ثابت مانده است.

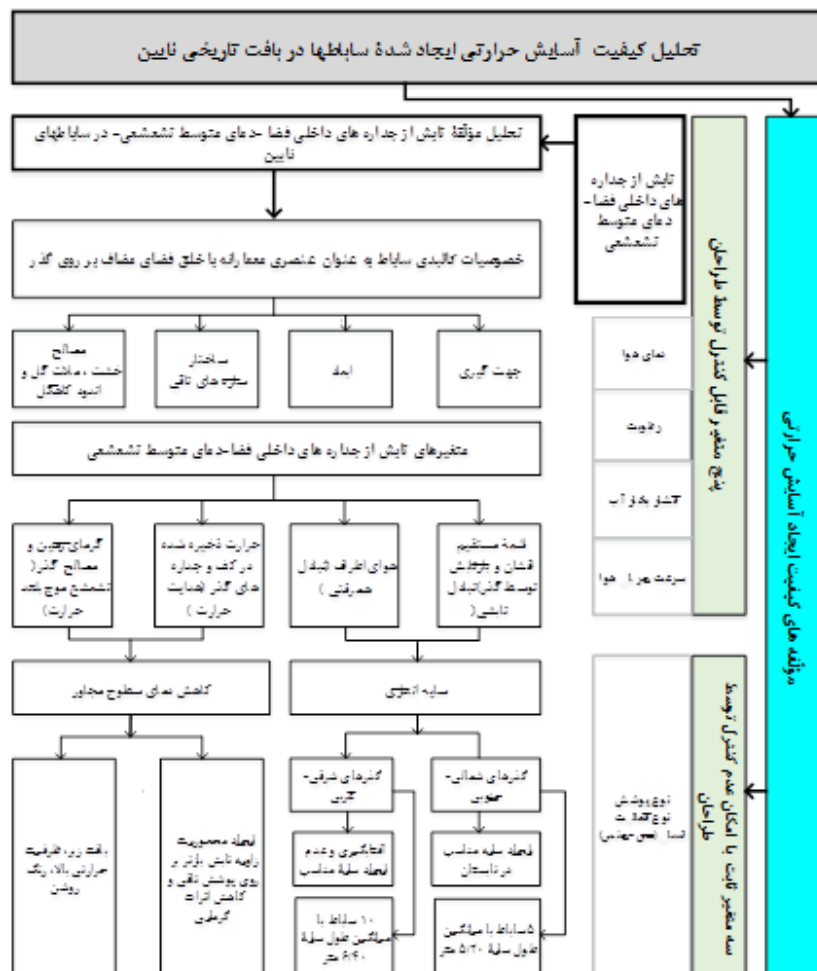
تصویر ۱۰- نمای دو ساباط در بافت تاریخی نایین ساخته شده با مصالح بومی منطقه خشت و ملات گل ((نگارنده))

**ب. مصالح:** در ساباط‌های نایین از مصالح بوم آورد منطقه شامل خشت و ملات گل و اندود کاهگل استفاده شده است. این مصالح در طول روز دیر گرم شده و شب نیز دیر حرارت خود را از دست می‌دهند؛ بنابراین با بافت زیر، رنگ روشن و ظرفیت حرارتی بالا نوسانات دمایی شبانه روزی را تعدیل و شرایط دمایی را بهبود می‌بخشد (تصویر ۱۰).

#### ۵- نتیجه گیری

با طراحی و ساخت ساباط با ویژگی‌های معمارانه و کالبدی خاص خود (کشیدگی، ابعاد، مصالح و سازه)، نقش و کارکرد اقلیمی در ایجاد آسایش حرارتی و مطلوب سازی دمایی گذرها نیز بر آن مترتب می‌شود. به منظور ایجاد آسایش حرارتی در گذرها و کنترل مؤلفه تابش از جداره‌های داخلی گذر (دمای متوسط تشعشعی) هر یک از این ویژگی‌های کالبدی ذکر شده زمینه‌هایی را در گذر به وجود می‌آورند که در مجموعه ساباط در راستای کاهش تأثیرات چهار متغیر تبادل تابشی، تبادل همرفتی، تشعشع موج بلند حرارت و هدایت حرارت، مؤثر بوده و کارایی دارند. تعدیل و خنثی نمودن اثرات تشعشع بازتابشی با زمینه سایه‌اندازی ایجاد شده است. ساباط‌های با کشیدگی شرقی - غربی (ده ساباط) و درصد فراوانی بیشتر نسبت به ساباط‌های با کشیدگی شمالی - جنوبی (پنج ساباط) در طول مدت روز سایه اندازی در امتداد گذرهای بافت را افزایش می‌دهند. این در حالی است که گذرهای با جهت‌گیری شرقی-غربی در فصل تابستان سایه اندازی ندارند. به‌عنوان مکمل عملکرد سایه اندازی زمینه کاهش دمای سطوح مجاور با استفاده از سازه‌های تاقی گنبدی شکل، مصالح با بافت زیر، رنگ روشن و ظرفیت حرارتی بالا (ملات خشت و گل، اندود کاهگل) فراهم آمده است که در راستای تعدیل اثرات دو متغیر تشعشع موج بلند حرارت و هدایت حرارت دارای نقش برجسته و مؤثری می‌باشند. این پژوهش برای اولین بار کوشید به شناخت و مطالعه ساباط‌های بافت تاریخی نایین بپردازند و تحلیلی اقلیمی-کالبدی از ابعاد، کشیدگی و ساختار ساباط‌ها ارائه نمایند. اندیشه و نگاه جامع‌گرایی از کلی‌ترین مسائل طراحی تا جزئی‌ترین‌ها بر این عناصر سایه انداخته است. جهت‌گیری مناسب، رعایت مسائل سازه‌ای و اقلیمی، شناخت کامل از کیفیت مصالح و ساختار حجمی ساباط که منطبق با عملکردهای مورد نیاز بستر است از جمله این مسائل می‌باشد. امروزه با ساخت و سازهای جدید در بافت‌های تاریخی و تعریض گذرها و معابر این عناصر چند عملکردی و ارزشمند فضاهای شهری در معرض نابودی قرار گرفته‌اند. لذا بازشناسی و

واکاوای ارزشهای کارکردی-کالبدی این عنصر در جهت استفاده از نتایج آن در طرحهای توسعه شهری و همچنین مداخلاتی که در بافت‌های تاریخی صورت می‌گیرد امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. مطالعات و بررسیهای انجام شده در این پژوهش قابلیت انجام بر روی ساباط‌های سایر شهرهای تاریخی مانند میبد، کاشان، کرمان و... را خواهد داشت.



نمودار ۱- تحلیل کیفیت آسایش حرارتی توسط ساباط‌های بافت تاریخی نایین (منبع: نگارنده)

## پی نوشت‌ها

۱. شهرستان نایین در شمال شرقی استان اصفهان واقع شده بر اساس طبقه بندی اقلیمی در اقلیم گرم و خشک کویری قرار می‌گیرد که دارای میانگین درجه حرارت سالیانه بالاتر از ۱۸ درجه و فصل خشک در تابستان می‌باشد (جدول ذیل)(طرح جامع نایین ۱۳۸۶، ۱۳۳).

| عرض جغرافیایی    | طول جغرافیایی    | ارتفاع از سطح دریا | میزان بارش سالیانه | میانگین درجه حرارت سالیانه | حداکثر درجه حرارت سالیانه | حد اقل درجه حرارت سالیانه | رطوبت نسبی |
|------------------|------------------|--------------------|--------------------|----------------------------|---------------------------|---------------------------|------------|
| ۳۲ درجه ۵۲ دقیقه | ۵۳ درجه ۵۰ دقیقه | ۱۵۴۳ متر           | ۹/۵ میلیمتر        | ۱۵/۲ سانتیگراد             | ۲۳/۶ سانتیگراد            | ۹/۷ سانتیگراد             | ۳۶/۶ درصد  |

## منابع

۱. پیرنیا، محمدکریم (۱۳۸۴). آشنایی با معماری اسلامی ایران. گردآورنده: غلامحسین. معماریان. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
۲. توسلی، محمود (۱۳۹۱). ساخت شهر و معماری در اقلیم گرم و خشک ایران، اصلاح چاپ نخست، تهران: تندیس نقره‌ای.
۳. -رازجویان، محمود (۱۳۹۳). آسایش در پناه معماری همساز با اقلیم، چ دوم دانشگاه شهید بهشتی. تهران
۴. سلطانزاده، حسین (۱۳۹۱). فضاهای شهری در بافتهای تاریخی ایران. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.
۵. سلطانزاده، حسین (۱۳۹۰). نابین شهر هزاره‌های تاریخی، چاپ دوم تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.
۶. -سلطانی محمدی، مهدی (۱۳۹۰). طرح مرمت و احیای ساباتهای محله نوگ اباد نابین، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته مرمت و احیای بناها و بافتهای تاریخی، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده معماری و شهر سازی. -سلطانی محمدی مهدی و آزاد میترا (۱۳۹۷) گونه شناسی ساباتهای بافت تاریخی نابین، مجله پژوهشهای باستان شناسی ایران، شماره ۱۹ دوره هشتم زمستان ۹۷، ۲۲۷-۲۴۵.
۷. طاهباز، منصوره (۱۳۸۶). «طراحی سایه در فضای باز»، هنرهای زیبا، شماره ۳۱، صص. ۳۸-۲۷.
۸. -کسمایی، مرتضی (۱۳۹۲). اقلیم و معماری، ویراسته محمد احمدی نژاد، تهران: نشر خاک.
۹. -قبادیان، وحید (۱۳۷۰). بررسی اقلیمی ابنیه سنتی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. -قیابگلو، زهرا (۱۳۸۰). «روشهای تخمین محدوده آسایش حرارتی»، هنرهای زیبا، شماره ۱۰، صص. ۷۴-۶۸.
۱۱. -قیابگلو، زهرا (۱۳۸۲). «الگوی حرکت سایه و طراحی سایت»، هنرهای زیبا، شماره ۱۵، صص. ۶۸-۵۸.
۱۲. معماریان، غلامحسین (۱۳۹۱). نیارش سازه‌های تاقی. جلد اول. تهران: نغمه نو اندیش.
۱۳. مهندسان مشاور معماری و شهرسازی ایوان نقش جهان (۱۳۸۶). طرح جامع شهر نابین.
۱۴. نعیم، غلامرضا (۱۳۷۶). دزفول شهر آجر. سازمان میراث فرهنگی.
15. Carmona, Matthew & Tiesdell, Steve (2007) Urban Design Reader, Architectural press, Oxford.
16. Hoppe, p. (2002) "Different aspects of assessing indoor and outdoor thermal comfort" Energy and Building, 34, 661- 665.
17. Lenzholzer, Sanda (2012) "Reserarch and design for thermal comfort in Duth urban squares, Resources, Conervation and Recycling, 64, 39-48.
18. Taleb, H. & Tleb D. (2014) "Enhanching the thermal comfort on urban level in a desert area: study of Dubai, United Arab Emirates, Urban Foresty & UrbN Greening, 13, 253-260.

**Journal of  
Urban Design Studies  
and Urban Research**

ISSN: 2645-4424

www.UDSJ.ir

مطالعات طراحی شهری  
و پژوهش‌های شهری

نشانی: کرج، بلوار امام خمینی (باغستان)، بین  
خیابان پنجم و ششم، روبروی مجموعه ورزشی  
انقلاب، پلاک ۷۳۵، ساختمان پرنده، واحد ۱



۰۲۱ ۳۳ ۲۰ ۲۴ ۸۷



۰۲۶ ۳۴ ۴۳ ۶۹ ۵۹



۰۲۱ ۴۳ ۸۵ ۷۱ ۲۴